



هيات تحريره (به ترتيب حروف الفبا)

دکتر حميد پارسانيا: دانشيار گروه جامعه شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
دکتر فريبا حاج علي: دانشيار گروه فقه و مباني حقوق اسلامی دانشگاه الزهراء
دکتر محسن رفيعی: استاديار علوم قرآن و حديث دانشگاه فرهنگيان قم
دکتر احمد رهنمايي: دانشيار گروه علوم تربيتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خميني
دکتر معصومه شريفی: استاديار علوم قرآن و حديث دانشگاه فرهنگيان قم
دکتر محمد مهدي صفورايی: دانشيار گروه روانشناسی تربيتی جامعه المصطفی العالميه
دکتر زينب طيبي: استاديار علوم قرآن و حديث دانشگاه فرهنگيان قم
دکتر فائزه عظيم زاده اردبيلي: دانشيار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق
دکتر محمد فاکر ميبدی: استاد گروه علوم قرآن و حديث جامعه المصطفی العالميه
دکتر عبدالله معتمدی: دانشيار گروه روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائي
دکتر زهرا(شادی) نفيسي: دانشيار گروه علوم قرآن و حديث دانشگاه تهران

صاحب امتياز و مدير مسئول: مسئول بسيج اساتيد پرديس حضرت
معصومه شريفی: دکتر معصومه شريفی
سردبير: دکتر زينب طيبي
مدير اجرايي: هادی برهانی
ويراستار علمی: دکتر محسن رفيعی، دکتر معصومه شريفی
ويراستار ادبی: دکتر زينب طيبي، زينب رفيعی
مترجم انگليسی: کمال بزرگر بفرویی
صفحه آرا: محمد حسين همدانيان
زبان انتشار: فارسی
قالب انتشار مجله: چاپی و الکترونيکی
تناوب انتشار: دوفصلنامه
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

داوران اين شماره (به ترتيب الفبا):

دکتر رضوان باغبانی، دکتر طلعت حسنی، دکتر محسن رفيعی، دکتر فاطمه زيان، دکتر علی ستاری،
دکتر صديقه شاکری حسين آباد، دکتر معصومه شريفی، دکتر زينب طيبي، دکتر عبدالله معتمدی

همکاران اين شماره: محمدصادق پوروهاب، فاطمه زهرا رفيعی، رضيه عمرانی
نشانی: قم، بلوار شهيد کريمی، روبروی بوستان بنفشه، دانشگاه فرهنگيان استان قم، پرديس
حضرت معصومه
تلفن: ۰۲۵۳۲۷۰۴۶۷۲
آدرس الکترونيکی: quran.etrat.journal@gmail.com

نقل مطالب دو فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.
دو فصلنامه علمی- تخصصی قرآن و عترت دارای مجوز نشر به شماره ۸۰۷۱۷
مورخ ۹۶/۱۰/۰۴ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

دستورالعمل نگارش و ارسال مقالات دوفصلنامه علمی-تخصصی قرآن و عترت

الف) راهنمای نگارش مقالات:

۱. زبان انتشار دوفصلنامه فارسی است، از این رو مقاله به زبان فارسی باشد.
۲. مقاله تحقیقی، مستند، دارای نوآوری و براساس معیارهای پژوهشی و حاصل پژوهش علمی در یکی از موضوعات مرتبط با مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و سنت باشد.
۳. **عنوان:** عنوان مقاله دقیق، علمی، رسا، مختصر و متناسب با متن و مسأله پژوهش باشد.
۴. **مشخصات نویسنده:** شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، دانشگاه یا سازمان وابسته، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.
۵. **چکیده:** آئینه تمام‌نما و فشرده بحث است که باید در بردارنده عنوان و موضوع مقاله، قلمرو بحث، اشاره به مهمترین یافته‌ها و نتایج، روش تحقیق و رویکرد خاص و فهرستی از واژه‌های کلیدی، حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه باشد و به طور جداگانه به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی و حداکثر ۱۵۰ کلمه ضمیمه شود.
۶. **مقدمه:** شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌های پژوهش و پیشینه‌ی پژوهش باشد.
۷. **بدنه اصلی مقاله:** در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم‌بندی مطالب در قالب محورهای مشخص پرداخته شود. متن مقاله باید پاراگراف بندی شده و دارای نثری روان و یکدست باشد و مقالات دارای نثر نارسا و اشکالات ویرایشی متعدد، در فرایند داوری قرار نمی‌گیرند.
۸. **نتیجه‌گیری:** شامل مهمترین نتایج مبتنی بر یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌های پژوهشی با اهداف پژوهش و ارائه‌ی راهکارها و پیشنهادات.
۹. **ارجاعات:** ارجاع منابع و مآخذ در متن مقاله و به شیوه‌ی استاندارد (APA)، در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده به شکل ذیل آورده شود:
۱. منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛
منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛
۲. آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه)؛
۳. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۴. در صورتی که به دو اثر مختلف با مؤلفان متفاوت ارجاع داده شود، به صورت (نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه / نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه)؛
۵. اگر مؤلفان یک اثر بیش از سه نفر باشند، فقط نام خانوادگی یک نفر آورده می‌شود و با ذکر کلمه «دیگران» به سایر مؤلفان اشاره می‌شود.
۶. یادداشت‌ها: تمام توضیحات ضروری، در انتهای متن مقاله آورده شود (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها مانند متن مقاله، به روش درون متنی (بند ۹) خواهد بود).
۱۰. **فهرست منابع:** در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود:
۱. کتاب: نام خانوادگی، نام. نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، تاریخ چاپ (ق/م).

۲/۱۰. مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی، نام. «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، سال نشر، صفحه شروع و پایان مقاله.

۳/۱۰. مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایره المعارف ها: نام خانوادگی، نام. «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، سال نشر.

۴/۱۰. در صورت نامشخص بودن محل نشر از لفظ «بی جا»، نام ناشر «بی نا» و تاریخ نشر از لفظ «بی تا» استفاده شود.

۱۱. نقل قول های مستقیم به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی متر) از سمت راست درج شود و ابتدا و انتهای مطلب در گیومه «» قرار گیرد.

۱۲. عنوان کتاب در متن مقاله ایتالیک و عنوان مقاله در گیومه «» قرار گیرد.

۱۳. درج معادل لاتین اسامی و اصطلاحات مهجور، مقابل عبارت و در پرانتز ضروری است.

۱۴. مقاله در الگوی A ۴ با رعایت فضای مناسب در حاشیه ها (چپ و راست ۴ و بالا و پایین ۵ سانتی متر) و میان سطرها (۱ سانتی متر)، در محیط ۲۰۰۷ word، متن مقاله با قلم ۱۴ B Mitra (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) و یادداشت ها و کتابنامه ۱۲ B Mitra (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) حروف چینی شود و حجم مقاله حداقل ۴۰۰۰ و از ۸۰۰۰ کلمه تجاوز ننماید.

۱۵. **عناوین تیتراها:** عناوین با روش شماره گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی بکار رود.

۱۶. **شکل ها، نمودارها و جداول:** اصل عکس ها، نمودارها و جداول باید همراه با متن مقاله در محل مناسب علامت گذاری و دارای زیرنویس باشد.

۱۷. رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (www.persianacademy.com) در نگارش مقالات الزامی است.

ب) راهنمای ارسال مقالات و فرایند داوری:

۱. مقاله دستاورد پژوهش علمی نگارنده باشد و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.

۲. مقاله ارسالی در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ نشده باشد. (تکمیل تعهدنامه از سوی نویسنده مسئول الزامی است).

۳. فایل مقاله به نشانی پست الکترونیکی دو فصلنامه (Quran.etrat.journal@gmail.com) با ذکر نام و نام خانوادگی کامل نویسنده، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی و نام متبوع وی، نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی ارسال شود.

۴. «دو فصلنامه نامه قرآن و عترت»، در رد، قبول، چاپ، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است و مقالات ارسالی بازگردانده نمی شود. دو فصلنامه هیچ گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و مقالات رسیده پس از تأیید داوران و تأیید سردبیر، چاپ خواهد شد.

۵. مسئولیت های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله، بر عهده نویسنده مسئول است.

۶. تقدّم و تأخّر چاپ مقالات با بررسی و نظر هیأت تحریریه مشخص می شود.

۷. سردبیر، نامه پذیرش مقاله را تنها پس از انجام اصلاحات مورد نظر داوران صادر خواهد کرد.

۸. قالب انتشار دو فصلنامه چاپی - الکترونیکی است. در صورت چاپ مقاله، دو نسخه از دو فصلنامه به نویسنده مسئول اهدا می شود.

فهرست مطالب

۷

بررسی میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت
در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
در کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی
فاطمه علی‌پور / زهرا حیدری / فاطمه سنجری

۳۱

بررسی اثربخشی آموزش‌های مدارس قرآنی بر مهارت
روخوانی فارسی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مدارس شهر بردسکن
یوسف ایرانی / حسین ضرغامی / حسن ضرغامی

۶۹

بررسی تطبیقی آموزه‌های اعتقادی و تربیتی سوره طه
در تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن
زینب طیبی / مریم محمدی

۷۹

اخلاق همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی در قرآن و روایت
محمد جواد فلاح / لیلا علی‌بیگی / زینب ربیعی

۱۱۳

نگاهی به الگوهای رفتاری و اخلاقی حضرت فاطمه علیها السلام
ستاره موسوی

۱۳۳

بررسی و تحلیل آموزش الفبا در کتاب‌های قرآن و فارسی
اول دبستان به شیوه افقی و موازی
احمد هدایت‌پناه / مرضیه هدایت‌پناه / بدریه هدایت‌پناه / محمدسعید هدایت‌پناه

بررسی میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی^۱

فاطمه علی پور^۲

زهره حیدری^۳

فاطمه سنجری^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی است. روش پژوهش، توصیفی از نوع تحلیل محتواست. جامعه تحلیلی، شامل کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سال ۱۳۹۰ است که با توجه به ماهیت موضوع و محدودیت جامعه پژوهش، نمونه‌گیری انجام نشد و کل جامعه تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، سیاهه تحلیل محتواست که روایی آن با استفاده از قضاوت متخصصان تعیین شد. داده‌های حاصل با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۴۲۶ فراوانی مؤلفه‌های مرتبط با ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین در کتاب هدیه‌های آسمان، ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی ۲۱۶ واحد، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی ۸۷ واحد، ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری ۵۹ واحد، ساحت تربیت علمی و فناوری ۴۷ واحد، ساحت تربیت زیستی و بدنی ۱۳ واحد و ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای ۴ واحد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین کتاب پایه پنجم با ۱۵۴ واحد، دارای بیشترین فراوانی است. واژه‌های کلیدی: هدیه‌های آسمان، تربیت دینی، ساحت‌های شش‌گانه، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۲

۲. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه فرهنگیان قم پردیس حضرت معصومه علیها السلام alipoor.fatemeh97@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان قم پردیس حضرت معصومه علیها السلام zheidari149@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان قم پردیس حضرت معصومه علیها السلام fatemeh00.qom@gmail.com

مقدمه

تحقق ارزش ها و آرمان های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. احراز عرصه تعلیم و تربیت از مهم ترین زیرساخت های تعالی پیشرفت همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته ی کشور در عرصه های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمان های متعالی انقلاب اسلامی ایران، مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان های عالم متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی-ایرانی باشد. در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید.

انسان، ابعاد گوناگونی دارد و هریک از این ابعاد نیز استعدادهای ویژه ی خود را دارا است. همچنین میان هریک از این ابعاد نیز پیوندی مستحکم و ارتباطی گسست ناپذیر است؛ به گونه ای که هر بعد بردیگری تأثیر دارد و به رشد و تکامل یا فساد و تباهی آن کمک می کند. تأثیرگذاری متقابل و پیوند مستحکم ابعاد گوناگون انسان با یکدیگر سبب می شود که ما به یک برنامه ی تربیتی برای شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان نیازمند شویم. اگر یک نظام تربیتی فقط برای یک یا تعداد محدودی از ابعاد وجودی انسان، برنامه ریزی کند و یک نظام تربیتی دیگر برای یک یا چند بعد محدود دیگر، با مشکلات سختی روبه رو خواهیم شد که ما را در تربیت مطلوب ناکام خواهد کرد (اعتصامی، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

ابعاد و ساحت های مختلف تربیت عبارت است از: عبادی، اعتقادی، اخلاقی، علمی، هنری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیستی و بدنی. از آنجا که خلقت خداوند حکیمانه و از روی حساب است، هر استعدادی که در وجود ما قرار داده، بیهوده نیست و برای سعادت و کمال ما ضروری است و باید شکوفا شود. البته این ابعاد و استعدادها همه در یک سطح نیستند، برخی مربوط به بُعد جسمانی و مادی و برخی به بُعد معنوی ما مربوط می شوند، برخی پایدار و گسترده و برخی ناپایدار و محدودند، اما همه در کمال جاودانی انسان مؤثرند.

یک برنامه‌ی تربیتی موفق برنامه‌ای است که به همه‌ی ابعاد و استعدادها نظر داشته باشد و به هرکدام در حد و جایگاه خود توجه کند و برای رشد و تکامل آن برنامه ارائه دهد. تربیت مبتنی بر فلسفه اسلامی، تربیتی جامع و همه‌جانبه است، نه جزئی از یک برنامه‌ی تربیتی. در این برنامه به تمام استعدادها و اهداف واقعی او توجه شده است. این برنامه، نه تنها به رشد جسمانی، زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی و همه‌ی نیازهای مربوط به دنیا می‌پردازد، بلکه او را برای حیات جاودانه در آخرت نیز آماده می‌کند و برای رسیدن به عالی‌ترین اهداف در جهان دیگری می‌رساند. پیوستگی و تأثیر متقابل ابعاد انسان اجازه نمی‌دهد که یک برنامه ریز بتواند ادعا کند که او تنها مسئول تربیت بدنی، هنری یا عبادی است و نسبت به ابعاد دیگر شخصیت مربی مسئولیتی ندارد.

تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن شیوه پیمودن مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افاق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۸).

نظام آموزش و پرورش کشور به رغم فعالیت‌های اصلاحی و تلاشی که برای بهبود اجزا و عناصر آن در طول سه دهه بعد از انقلاب اسلامی انجام داده است، به دلیل عدم ابتنا بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی نتوانسته است کارکرد مورد انتظار را داشته باشد، به گونه‌ای که بتواند تربیت یافتگانی در تراز جمهوری اسلامی پرورش دهد که از شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، عاطفی و رفتاری و هماهنگ با نیازهای جامعه برخوردار باشند. تحول در نظام آموزش و پرورش کنونی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تاکنون سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی برای تحول در این نظام به کارگرفته شده که چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. از آنجا که نظام آموزش و پرورش موجود، کهنه، وارداتی، تقلیدی و غربی بوده و خروجی آن یعنی دانش‌آموزان فارغ التحصیل، دارای ویژگی‌های شخصیتی مورد انتظار نمی‌باشند، تحول زیربنایی در آموزش و پرورش برپایه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و برای نیل

به اهدافی از جمله ایجاد باور عمیق به اسلام و اندیشه‌ها و ارزش‌های والا و در نهایت دستیابی به چشم انداز ۱۴۰۴ طراحی شده است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

در این سند، مفهوم تربیت در جامع‌ترین صورت خود به عنوان فرایندی جامع - شامل تمام تلاش‌های زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی - که به صورت امری واحد و یک پارچه و درهم تنیده، با تحول، تمام ابعاد وجودی انسان را در برمی‌گیرد، دیده شده است. بدیهی است که به لحاظ منطقی هیچ‌یک از بخش‌های زیرمجموعه‌ی این فرایند جامع، نمی‌توانند در عرض آن تلقی شوند.

پیش فرض‌های نظام تعلیم و تربیت اسلامی این است که اسلام یک سیستم مفهومی جامع است و همه زندگی را پوشش می‌دهد. از این رو نمی‌توان اهداف تربیت را بدون توجه به اهداف اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و علمی مدنظر قرار داد. اهداف باید به گونه‌ای تنظیم شوند که ناظر به همه ابعاد باشند و همچون یک سیستم، انسجام و هماهنگی لازم را داشته باشند (کاویانی، ۱۳۸۸، ص ۸۲).

از جمله ابعاد تاثیرگذار برای اجرایی کردن سند تحول بنیادین، برنامه‌های درسی است. برنامه‌های درسی یکی از مهمترین عناصر و آینه تمام‌نمای موفقیت و شکست و حتی در بیشتر موارد جهت دهنده‌ی نظام آموزشی هستند و محمل مناسبی برای ارائه دانش، تغییر نگرش و آموزش مهارت‌هایی به دانش‌آموزان، بزرگسالان و تصمیم‌گیرندگان اولیه خواهند بود. محصول برنامه درسی، کتاب درسی است. بررسی وضعیت حاضر کتاب‌های درسی از این جهت مهم است که تصویر دقیقی از کم و کیف توجه به این مضامین به دست می‌دهد و در حکم بررسی وضعیت موجود، بینش‌های لازم را برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران طراحی برنامه‌های درسی جهت تدوین برنامه‌ها و پوشش دادن حیطه‌ها و برنامه‌های درسی پنهان و مغفول فراهم می‌آورد (مهرمحمدی و محمودی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶؛ نیلی و موسوی، ۱۳۹۳، ص ۶۲).

امروز در نظام‌های متمرکز، بیشتر فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدارس در چارچوب کتاب درسی و محتوای آن انجام می‌گیرد (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۸۰). از این رو محتوای دروس، دربردارنده مجموعه‌ای از دانش‌ها (حقایق، تبیین‌ها، اصول، تعاریف)، مهارت‌ها، فرآیندها (خواندن، نوشتن، حساب کردن، تفکر منطقی، تصمیم‌گیری، ایجاد ارتباط) و ارزش‌ها

(خوب و بد، صحیح و غلط، زشت و زیبا) است که دانش آموز در ضمن آموزش یا در فرآیند یاددهی-یادگیری با آن در تعامل قرار می‌گیرد (نوریان، ۱۳۹۵، ص ۶۵؛ ملکی، ۱۳۹۴، ص ۶۸).

به دنبال تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، تحول در کتاب‌های درسی آغاز شد و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تدوین کتاب‌های درسی جدید در دوره ابتدایی را براساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آغاز کرد.

بنابراین با توجه به اهمیت بحث تعلیم و تربیت در دوره ابتدایی که شالوده و پایه‌ی اصلی نظام تعلیم و تربیت است، محققان برآنند تا کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان ابتدایی را براساس میزان انطباق آن را با ساحت‌های شش‌گانه تربیت مورد تحلیل قرار دهند. براین اساس سؤالی که مطرح است این است که در کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی (دوره دوم) که به عنوان کتاب درسی دارای کارکردهای متعددی هستند، به چه میزان به ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین توجه شده است؟

۱. پرسش‌های پژوهش

۱. میزان توجه به ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی ایران چگونه است؟
۲. میزان توجه به ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی ایران چگونه است؟
۳. میزان توجه به ساحت تربیتی زیستی و بدنی در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی ایران چگونه است؟
۴. میزان توجه به ساحت تربیتی زیبایی‌شناختی و هنری در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی ایران چگونه است؟
۵. میزان توجه به ساحت تربیتی اقتصادی و حرفه‌ای در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی ایران چگونه است؟
۶. میزان توجه به ساحت تربیتی علمی و فناوری در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی ایران چگونه است؟

۲. مفهوم شناسی

اینک مناسب است به بررسی مفهوم تربیت در پژوهش حاضر پرداخته شود.

۲-۱. تربیت

تربیت از نظر لغوی به معنای پروردن، پروراندن، پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن (عمید، ۱۳۶۲، ص ۳۱۱) و همچنین به معنای پروراندن و پرورش دادن و بارآوردن است (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۱).

تعریف تربیت از دیدگاه اسلام عبارت است از: «فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد.» (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹).

۲-۲. ساحت ها و شئون تربیت

با توجه به ابعاد مختلف انسان، تربیت در ساحت های گوناگونی قابل تعریف است. در منابع مختلف، ساحت های متفاوت و مشترکی برای تربیت آدمی مطرح شده است که در این بین، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان یک منبع مادر، قابل ارجاع تراست؛ چراکه براساس بررسی مبانی مورد نظر در این زمینه، اقدام به معرفی ساحت های شش گانه ی تربیت کرده است که در ذیل به آنها اشاره می شود.

الف) ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

به طور کلی دو گونه تربیت دینی قابل تصور است: نخست تربیتی که چهارچوب بنیادی و اصول آن براساس دین و آموزه های دینی باشد. این شکل از تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار قرار دارد و همه ی ابعاد یک نظام را براساس مبانی و معیارهای دینی شامل می شود. در نوشتار حاضر، از این مفهوم با تعبیر تربیت اسلامی یاد شده است و همه ساحت های تربیت را در بر می گیرد. دوم، بخش خاصی از تربیت که برای تقویت روند دین داری و دین ورزی متریان صورت می پذیرد. در این شکل از تربیت، اعتقادات و مناسک دینی خاص مورد توجه قرار

می‌گیرد و مربی برای رسیدن به ایمان و باور و عمل به آنها تربیت می‌شود. به همین دلیل و برای تمایز این دو شکل از تربیت دینی، نوع اخیر را تربیت ساحت اعتقادی و عبادی نام نهاده‌ایم و به سبب نزدیکی و خویشاوندی اخلاق و دین در مجموع ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی نامگذاری شده‌اند (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۲۹۹).

ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی و ناظر به رشد و تقویت مرتبه‌ی قابل قبولی از جنبه‌ی دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود متربیان و شامل همه‌ی تدابیر و اقداماتی است که جهت پرورش ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری متربیان نسبت به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، اعمال و صفات اعتقادی عبادی و اخلاقی و در راستای تکوین و تعالی هویت دینی و اخلاقی ایشان صورت می‌پذیرد. از این رو قلمرو ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی (پیامبر ﷺ و ائمه‌ی معصومین  و پیروی از ایشان است که به حق برترین انسان‌های کامل در طول تاریخ بشریتند).

تربیت اخلاقی از مهمترین اهداف بعثت انبیا بوده است و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ اسلامی، به ویژه سیره معصومین  دارد. این مهم، مورد توجه امام علی  بود و کمتر خطبه یا نامه‌ای از نهج البلاغه را می‌توان یافت که در آن سخن از مسائل اخلاقی به میان نیامده باشد. از سوی دیگر، پرداختن به اولویت‌ها در هر زمینه، امری معقول و در حوزه‌ی اندیشه اسلامی پسندیده و مورد تأکید است و آثار شگرفی در زندگی مادی و معنوی انسان دارد. با توجه به جایگاه رفیع تربیت اخلاقی، پرداختن به اولویت‌ها در این موضوع، به ویژه از دیدگاه امام علی  امری ضروری و بایسته است (بناری، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

ب) ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متربیان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. قلمرو ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی شامل موارد زیر است: ارتباط مناسب با دیگران، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی (رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت

ارزش های اجتماعی)، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین المللی، حفظ وحدت و تفاهم، توانایی های زبان ملی، محلی، جهانی) است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۳۰۲).

ساحت تربیت اجتماعی و مدنی به توسعه ی شهروندی یا توانمندی های شهری مربوط می شود و اهداف آن به الزام در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع و ملت های خاص، فهمیده می شود؛ زیرا آنها دانش ها و طرز تلقی ها، ارزش ها و مهارت های همراه با مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی را انتقال می دهند (محمدی پویا و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۶).

ج) ساحت تربیت زیستی و بدنی

ساحت تربیت زیستی و بدنی، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متربیان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۳۰۵).

مهم ترین جهت گیری ساحت تربیت زیستی و بدنی عبارت است از: تعامل مستمر روح و بدن با این توضیح که در این جهت گیری رابطه ی روح و بدن رابطه ای بنیادین، عمیق و در اصل هستی است، به این معنا که ماده ی جسمانی بر پایه ی حرکت اشتدادی وجود، در ذات و جوهر خود کامل می شود. در چنین فضای فکری، مفهوم سلامت در این ساحت معنای گسترده تری می یابد و ابعاد روانی را نیز شامل می شود. از این رو می توان گفت که رویکرد این ساحت از تربیت نیز نگاهی کلی نگر و تلفیقی است (همان، ص ۳۰۶).

د) ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری

ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه ی خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی شناختی متربیان (توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش های هنری) است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۳۰۷).

ح) ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بعد اقتصادی و معیشتی انسان‌هاست. این ساحت ناظر به رشد توانایی‌های متربیان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای است (اموری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه‌ی ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی) (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۳۰۹).

و) ساحت تربیت علمی و فناوری

ساحت تربیت علمی و فناوری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به کسب شایستگی‌هایی (صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌ها) است که متربیان را در شناخت و بهره‌گیری و توسعه‌ی نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه‌ی علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متربیان قادر شوند با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت، بینشی ارزش‌مدار کسب کنند. ترکیب نگاه آیه‌ای و ابزاری منجر به تصرف و بهره‌گیری مسئولانه از طبیعت منجر خواهد شد که می‌تواند به یک راهبرد اساسی در نگاه انسان به طبیعت و حفظ و مراقبت از آن بینجامد. از این رو این ساحت از تربیت ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش‌های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش‌افزایی، به‌کارگیری شیوه‌ی تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری و نیز ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۳۱۱).

۳. پیشنهاد عملی تحقیق

وفایی، فضل‌الهی و طالع‌ی فرد (۱۳۹۶) در تحقیق خود به بررسی میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. روش پژوهش توصیفی از نوع تحلیل محتوا

بود. جامعه تحلیلی شامل کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۹۵ و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) بود که با توجه به ماهیت موضوع و محدودیت جامعه پژوهش، نمونه‌گیری انجام نشد و کل جامعه تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج تحقیق آنان نشان داد که در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی، ۵۲۸ مرتبه به ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شده، که به تفکیک در پایه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم به ترتیب ۱۳۸، ۸۷، ۱۳۶ و ۱۶۷ مرتبه است. رهبری، بلباسی و قربی (۱۳۹۴) در مطالعه خود در زمینه جایگاه هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه دست یافتند که هویت ملی ایرانی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ترکیبی از سه بُعد هویت اسلامی (توحید، اصول و آموزه‌های اسلامی، حیات طیبه، عدالت، مهدویت و انتظار، امر به معروف و نهی از منکر، ولایت فقیه، حجاب)، هویت ایرانی (توسعه بومی، وحدت ملی، زبان فارسی، روحیه انقلابی و جهادی، میراث فرهنگی و تمدنی، سرود و پرچم ملی، آمیختگی اسلام و ایران، سرزمین ایران) و هویت متجددانه است که می‌تواند موجبات همبستگی ملی را در میان دانش‌آموزان فراهم کند که در این میان، لایه هویت اسلامی از برجستگی و تأکید بیشتری در این سند برخوردار است.

محمدی پویا، صالحی و مومیوند (۱۳۹۴) در مطالعه خود در زمینه تحلیل محتوای نهج البلاغه براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دریافتند که در نهج البلاغه ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی با ۴۷ مؤلفه، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی با ۲۹ مؤلفه، ساحت تربیت زیستی و بدنی با ۸ مؤلفه، ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری با ۱۳ مؤلفه، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای با ۸ مؤلفه، ساحت تربیت علمی و فناوری با ۱۰ مؤلفه، قابل پیگیری هستند. ارتباط زیاد بین ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نهج البلاغه به عنوان یکی از متون اسلامی ارزشمند، حاکی از این است که پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند به غنی‌تر ساختن اسناد تعلیم و تربیت توسط متون دینی و اسلامی کمک کند.

سبحانی نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، در مطالعه خود در زمینه تبیین عوامل مفهومی فرهنگ ایشار

و شهادت و تحلیل جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران به این نتیجه دست یافتند که چارچوب مفهومی فرهنگ ایثار و شهادت را می‌توان براساس مدارک و مستندات مرتبط در ۴ بعد و ۴۳ عامل تدوین کرد. به علاوه در مجموع ۱۷۷ مرتبه به عوامل فرهنگ ایثار و شهادت توجه شده که میزان تراکم آن در بخش هدف‌های عملیاتی و راهکارها با ۳۹ فراوانی زیاد و در بخش چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین با ۲ فراوانی بسیار کم است. گودرزی (۱۳۹۲) در مطالعه خود در زمینه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و فلسفه و جایگاه تربیت بدنی نشان داد که در سند چشم‌انداز آموزش و پرورش، توجه ویژه و خاصی به تربیت بدنی شده و از آن به عنوان ابزاری مهم برای تعلیم و تربیت یاد شده است. بیجنوند و باقری (۱۳۹۱) در مطالعه خود که در زمینه ساحت‌های تربیت انجام شد، دریافتند که توجه به ساحت علمی و فناوریانه با مؤلفه‌هایی از قبیل قضاوت با معیار روشن و پرهیز از تعجیل در قضاوت، استدلال در امور، حقیقت‌جویی، بررسی مسائل از زوایای مختلف، دوری از اغراض شخصی، شفاف‌سازی و عینیت‌گرایی در امور، انعطاف‌پذیری در عقاید، شک‌گرایی معقول و احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها، همراه است.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی از نوع تحلیل محتواست. کرلینجر (به نقل از بیابان‌گرد، ۱۳۸۴، ص ۳۹۰) تحلیل محتوا را روشی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی متغیرها دانسته است. جامعه تحلیلی پژوهش حاضر شامل ۳ عنوان کتاب درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی (دوره دوم) در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ است که در دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی تدوین شده است که با توجه به ماهیت موضوع و محدودیت جامعه پژوهش نمونه‌گیری انجام نشد.

واحد ثبت به بخش معنادار و قابل رمزگذاری محتوا اطلاق می‌شود که در این مطالعه، مضمون است. منظور از مضمون، پیام خاصی است که از جانب فرستنده پیام، مورد توجه قرار گرفته است. روش شمارش در این مطالعه، فراوانی است. در این پژوهش برای این که تحلیل محتوا انجام شود، ابتدا مؤلفه‌های مرتبط با ابعاد شش‌گانه تربیت از سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش استخراج شد و به دنبال آن محتوا براساس آن چارچوب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات در دو مرحله تدوین شد. مرحله اول، تعیین مؤلفه های مفهومی ساحت های شش گانه تربیت و مرحله دوم، تدوین فهرست سیاهه بررسی محتوا بود. به منظور آگاهی از روایی چهارچوب مفهومی ابعاد و مؤلفه های ساحت های شش گانه تربیت، چهارچوب تدوین شده در اختیار صاحب نظران آشنا به سند تحول بنیادین تربیت قرار داده شد و از آنها خواسته شد که چهارچوب فوق را با توجه به انطباق هر ساحت با مؤلفه های آن مورد بررسی قرار دهند. صاحب نظران پس از مطالعه چهارچوب مفهومی، دیدگاه های خود را درباره ی مؤلفه های هر کدام از ابعاد، در اختیار گذاشتند. به دنبال آن براساس نظرات دریافتی از صاحب نظران، اصلاحات پیشنهادی انجام و چهارچوب اصلاحی دوباره در اختیار صاحب نظران قرار داده شد. صاحب نظران چهارچوب نهایی و همین طور انطباق ابعاد با مؤلفه ها را مورد تأیید قرار دادند. برای تأمین پایایی این ابزار، براساس فرمول اسکات، ضریب توافق بین صاحب نظران درباره ی فرم تحلیل محتوای تدوین شده ۹۱/۵ است که ضریب توافق بالا و قابل ملاحظه ای است.

۵. یافته های پژوهش

پرسش اول پژوهش: میزان توجه به ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در محتوای کتاب های درسی هدیه های آسمان دوره ی ابتدایی ایران چگونه است؟

جدول شماره ۱- سیاهه فراوانی تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان
براساس مؤلفه‌های تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

ردیف	مؤلفه‌ها	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	جمع
۱	دینداری و اخلاق	۳	۵	۳	۱۱
۲	حفظ کرامت و عزت نفس	۰	۰	۰	۰
۳	عقلانیت محوری	۵	۴	۴	۱۳
۴	کسب بصیرت دینی	۲	۳	۴	۹
۵	مسئله محوری	۰	۰	۰	۰
۶	تعالی ارزش‌های دینی	۰	۰	۱	۱
۷	پرهیز از ایمان‌گروری صرف	۱	۰	۰	۱
۸	پرهیز از تکفیر و تفسیق	۱	۱	۲	۴
۹	پرهیز از تحجر و خرافه‌گویی	۱	۱	۰	۲
۱۰	ارزش‌های عام انسانی	۷	۸	۷	۲۲
۱۱	حرکت از الزام بیرونی به الزام درونی	۱	۲	۴	۷
۱۲	مدرنیته و سنت	۰	۰	۰	۰
۱۳	توازن بین ظاهر و باطن	۰	۰	۰	۰
۱۴	رعایت اعتدال	۰	۰	۰	۰
۱۵	رفع و دفع رذایل	۳	۶	۳	۱۲
۱۶	مستدل در انتخاب	۱	۰	۱	۲
۱۷	گسترده‌نگری فکر (ذهن باز)	۲	۲	۸	۱۲
۱۸	خدا محور (اطاعت از خدا)	۲	۵	۴	۱۱
۱۹	خودشناسی	۰	۰	۰	۰
۲۰	عدالت محوری	۰	۲	۱	۳
۲۱	توجه‌کردن به ارزش‌های الهی به جای ارزش‌های غیرالهی	۴	۲	۱	۷
۲۲	اقدام به عمل برای خدا	۶	۶	۸	۲۰
۲۳	ناظر دانستن خداوند در همه‌ی احوال	۱	۰	۰	۱
۲۴	توکل بر خدا	۰	۰	۰	۰
۲۵	راضی بودن به رضای خداوند	۰	۱	۰	۱

ردیف	مؤلفه ها	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	جمع
۲۶	دعا و استعانت از خدا	۶	۴	۵	۱۵
۲۷	امیدواری به رحمت خدا	۲	۱	۱	۴
۲۸	اعتقاد به روز رستاخیز	۱	۱	۱	۳
۲۹	یادآوری مرگ	۰	۰	۲	۲
۳۰	پرهیز از دلبستگی به دنیا	۱	۰	۱	۲
۳۱	پرهیز از آرزوی دراز	۰	۰	۰	۰
۳۲	اکتفا به حد ضرورت از دنیا	۰	۰	۰	۰
۳۳	عبرت از درگذشتگان	۲	۱	۳	۶
۳۴	محوریت دین در همه ی امور زندگانی	۲	۱	۱	۴
۳۵	تقوا	۰	۰	۱	۱
۳۶	جهاد با نفس	۰	۰	۱	۱
۳۷	انجام واجبات	۵	۵	۵	۱۵
۳۸	پرهیز از عُجب و خودپسندی	۰	۰	۰	۰
۳۹	پرهیز از ستم	۰	۱	۰	۱
۴۰	صبر و تحمل در راه حق	۱	۰	۱	۲
۴۱	توبه	۰	۰	۱	۱
۴۲	تسلیم بودن در برابر قضا و قدر الهی	۲	۰	۱	۳
۴۳	خاشع بودن	۰	۰	۰	۰
۴۴	گریستن از خوف الهی	۰	۰	۰	۰
۴۵	تواضع	۰	۰	۱	۱
۴۶	امر به معروف و نهی از منکر	۰	۱	۲	۳
۴۷	یادآوری و شکرگزاری نعمت ها	۶	۴	۳	۱۳
جمع		۶۸	۶۷	۸۱	۲۱۶
		۳۱/۴۸	۳۱/۰۱	۳۷/۵	۱۰۰

همان طور که داده های آمده در جدول ۱ نشان می دهد، در محتوای کتاب های درسی هدیه های آسمان دوره ی ابتدایی از میان مضامین مطرح شده در (متن، تصاویر و تمرین ها)، ۲۱۶ مورد به مولفه های تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی پرداخته شده است که از این تعداد،

کتاب پایه ششم با ۸۱ واحد (۳۷/۵ درصد)، دارای بیشترین فراوانی و کتاب پایه پنجم با ۶۷ واحد (۳۱/۰۱ درصد) دارای کم‌ترین فراوانی در میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی هستند. همچنین مؤلفه‌ی ارزش‌های عام انسانی با ۲۲ واحد، دارای بیشترین فراوانی و مؤلفه‌های تعالی ارزش‌های دینی، پرهیز از ایمان‌گروی صرف، ناظر دانستن خداوند در همه‌ی احوال، راضی بودن به رضای خداوند، تقوا، جهاد با نفس، پرهیز از ستم، توبه و تواضع با ۱ واحد، دارای کم‌ترین فراوانی هستند.

پرسش دوم پژوهش: میزان توجه به ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی ایران چگونه است؟

جدول شماره ۲- سیاهه فراوانی تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان
براساس مؤلفه‌های ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی

ردیف	مؤلفه‌ها	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	جمع
۱	ارتباط با دیگران	۴	۳	۳	۱۰
۲	ارتباط با خانواده	۲	۴	۰	۶
۳	ارتباط با نهادهای دولتی	۰	۰	۰	۰
۴	ارتباط با نهادهای مدنی و اجتماعی	۱	۰	۰	۱
۵	کسب دانش و مهارت‌های اجتماعی	۱	۲	۱	۴
۶	خانواده صالح، جامعه صالح	۰	۰	۰	۰
۷	توجه به نهاد خانواده	۱	۰	۰	۱
۸	اخلاق شهروندی	۲	۱	۰	۳
۹	اخلاق اجتماعی	۳	۳	۱	۷
۱۰	هنجارهای اجتماعی	۱	۰	۲	۳
۱۱	آیین‌نامه‌های اخلاقی	۵	۲	۱	۸
۱۲	فضیلت‌مداری	۰	۳	۰	۳
۱۳	جلوگیری از خودکامگی و استبداد	۰	۱	۰	۱
۱۴	مدیریت زندگی فردی و اجتماعی	۲	۶	۲	۱۰
۱۵	توجه به اقلیت‌های دینی	۰	۲	۰	۲

ردیف	مؤلفه ها	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	جمع
۱۶	مردم سالاری	۰	۰	۰	۰
۱۷	حفظ شأن و جایگاه انسانی	۰	۰	۰	۰
۱۸	قانونمندی	۰	۰	۰	۰
۱۹	شایسته سالاری	۰	۰	۰	۰
۲۰	تأکید بر حقوق متقابل مردم و حاکمان	۰	۱	۰	۱
۲۱	مشارکت مردم در تعیین سرنوشت	۰	۱	۰	۱
۲۲	حق برخورداری از احترام و محبت	۴	۰	۲	۶
۲۳	حفظ اسرار دیگران	۱	۰	۱	۲
۲۴	وفای به عهد	۱	۲	۲	۵
۲۵	نظارت و پاسخگویی	۱	۰	۰	۱
۲۶	رسیدگی و نظارت بر زندگی محرومین	۰	۱	۲	۳
۲۷	اصلاح شرایط	۰	۱	۲	۳
۲۸	پرهیز از مصاحبت با بدان	۱	۲	۰	۳
۲۹	توصیه به همنشینی با نیکان	۱	۱	۱	۳
جمع		۳۱	۳۶	۲۰	۸۷
		۳۵/۶۳	۴۱/۳۷	۲۲/۹۸	۱۰۰

همان طور که داده های آمده در جدول ۲ نشان می دهد، در محتوای کتاب های درسی هدی های آسمان دوره ی ابتدایی از میان مضامین مطرح شده در (متن، تصاویر و تمرین ها)، ۸۷ مورد به مؤلفه های تربیت اجتماعی و سیاسی پرداخته شده است که از این تعداد، کتاب پایه پنجم با ۳۶ واحد (۴۱/۳۷ درصد) دارای بیشترین فراوانی و کتاب پایه ششم با ۲۰ واحد (۲۲/۹۸ درصد) دارای کم ترین فراوانی در میزان توجه به مؤلفه های تربیت اجتماعی و سیاسی هستند. همچنین مؤلفه های ارتباط با دیگران و مدیریت زندگی فردی و اجتماعی با ۱۰ واحد، دارای بیشترین فراوانی و مؤلفه های ارتباط با نهادهای مدنی و اجتماعی، توجه به نهاد خانواده، جلوگیری از خودکامگی و استبداد، تأکید بر حقوق متقابل مردم و حاکمان، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و نظارت و پاسخگویی با ۱ واحد، دارای کمترین فراوانی هستند.

پرسش سوم پژوهش: میزان توجه به ساحت تربیتی زیستی و بدنی در محتوای کتاب های درسی هدیه های آسمان دوره ابتدایی ایران چگونه است ؟

جدول شماره ۳- سیاهه فراوانی تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه های آسمان
براساس مؤلفه های ساحت تربیتی زیستی و بدنی

ردیف	مؤلفه ها	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	جمع
۱	حفظ بهداشت زیستی	۱	۳	۰	۴
۲	آرایش و زیبایی ظاهری	۰	۱	۰	۱
۳	منابع طبیعی	۰	۱	۰	۱
۴	احترام به طبیعت	۱	۱	۱	۳
۵	سلامت فردی و اجتماعی	۱	۲	۱	۴
۶	تعامل مستمر روح و بدن	۰	۰	۰	۰
جمع		۳	۸	۲	۱۳
		۲۳/۰۷	۶۱/۵۳	۱۵/۳۸	۱۰۰

همان طور که داده های آمده در جدول ۳ نشان می دهد، در محتوای کتاب های درسی هدیه های آسمان دوره ی ابتدایی از میان مضامین مطرح شده در (متن، تصاویر و تمرین ها)، ۱۳ مورد به مؤلفه های تربیت زیستی و بدنی پرداخته شده است که از این تعداد، کتاب پایه پنجم با ۸ واحد (۶۱/۵۳ درصد) دارای بیشترین فراوانی و کتاب پایه ششم با ۲ واحد (۱۵/۳۸ درصد) دارای کمترین فراوانی در میزان توجه به مؤلفه های تربیت زیستی و بدنی هستند. همچنین مؤلفه های حفظ بهداشت زیستی و سلامت فردی و اجتماعی با ۴ واحد، دارای بیشترین فراوانی و مؤلفه های آرایش و زیبایی ظاهری و منابع طبیعی با ۱ واحد، دارای کمترین فراوانی هستند.

پرسش چهارم پژوهش: میزان توجه به ساحت تربیتی زیبایی شناختی و هنری در محتوای کتاب های درسی هدیه های آسمان دوره ی ابتدایی ایران چگونه است ؟

جدول شماره ۴- سیاهه فراوانی تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان
براساس مؤلفه‌های ساحت زیبایی شناختی و هنری

ردیف	مؤلفه‌ها	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	جمع
۱	خیال پردازی و عواطف	۴	۴	۵	۱۳
۲	نیکوداشتن هنر	۰	۰	۰	۰
۳	آرامش روانی	۰	۱	۰	۱
۴	زیبایی ظاهری	۴	۱	۲	۷
۵	درک موضوعات ذهنی	۰	۰	۰	۰
۶	توان درک خلق آثار هنری	۰	۰	۰	۰
۷	خلق معنا و کشف معنا	۲	۰	۱	۳
۸	دریافت احساس و معنا	۱۲	۱۱	۸	۳۱
۹	ارزش‌مداری	۰	۲	۱	۳
۱۰	احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها	۰	۱	۰	۱
جمع		۲۲	۲۰	۱۷	۵۹
		۳۷/۲۸	۳۳/۸۹	۲۸/۸۱	۱۰۰

همان‌طور که داده‌های آمده در جدول ۴ نشان می‌دهد، در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی از میان مضامین مطرح شده در (متن، تصاویر و تمرین‌ها)، ۵۹ مورد به مؤلفه‌های زیبایی شناختی و هنری پرداخته شده است که از این تعداد، کتاب پایه چهارم با ۲۲ واحد (۳۷/۲۸ درصد) دارای بیشترین فراوانی و کتاب پایه ششم با ۱۷ واحد (۲۸/۸۱ درصد) دارای کمترین فراوانی در میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت زیبایی شناختی و هنری هستند. همچنین مؤلفه‌ی دریافت احساس و معنا با ۴۱ واحد، دارای بیشترین فراوانی و مؤلفه‌های آرامش روانی و احترام قایل شدن برای سایر دیدگاه‌ها با ۱ واحد، دارای کمترین فراوانی هستند.

پرسش پنجم پژوهش: میزان توجه به ساحت تربیتی اقتصادی و حرفه‌ای در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی ایران چگونه است؟

جدول شماره ۵- سیاهه فراوانی تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان
براساس مؤلفه‌های ساحت تربیتی اقتصادی و حرفه‌ای

ردیف	مؤلفه‌ها	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	جمع
۱	حفظ و توسعه ثروت	۰	۰	۰	۰
۲	اقتصاد و معیشت	۰	۰	۰	۰
۳	قوانین کسب و کار	۰	۱	۰	۱
۴	پرهیز از بطالت و بیکاری	۰	۱	۰	۱
۵	توجه به کارآفرینی	۰	۰	۰	۰
۶	پرهیز از اسراف و تبذیر	۰	۱	۱	۲
۷	درآمد و کسب حلال	۰	۰	۰	۰
۸	تحول مشاغل و حرف	۰	۰	۰	۰
جمع		۰	۳	۱	۴
		۰	۷۵	۲۵	۱۰۰

همان‌طور که داده‌های آمده در جدول ۵ نشان می‌دهد، در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی از میان مضامین مطرح شده در (متن، تصاویر و تمرین‌ها)، ۴ مورد به مؤلفه‌های تربیت اقتصادی و حرفه‌ای پرداخته شده است که از این تعداد، کتاب پایه پنجم با ۳ واحد (۷۵ درصد) دارای بیشترین فراوانی و کتاب پایه پنجم با ۱ واحد (۲۵ درصد) دارای کمترین فراوانی در میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اقتصادی و حرفه‌ای هستند. همچنین مؤلفه‌ی پرهیز از اسراف و تبذیر با ۲ واحد، دارای بیشترین فراوانی و مؤلفه‌های قوانین کسب و کار و پرهیز از بطالت و بیکاری با ۱ واحد، دارای کمترین فراوانی هستند.

پرسش ششم پژوهش: میزان توجه به ساحت تربیتی علمی و فناوری در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی ایران چگونه است؟

جدول شماره ۶- سیاهه فراوانی تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمانی
براساس مؤلفه‌های ساحت تربیتی علمی و فناوری

ردیف	مؤلفه‌ها	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	جمع
۱	تلفیق علم و فناوری	۰	۰	۰	۰
۲	تلفیق و هماهنگی علم و دین	۰	۱	۰	۱
۳	تفکر علمی و منطقی	۰	۰	۰	۰
۴	خلافت و نوآوری	۴	۴	۴	۱۲
۵	فهم و درک دانش	۵	۱۲	۱۲	۲۹
۶	تحول در دانش	۰	۱	۰	۱
۷	تلفیق و هماهنگی علم و عمل	۱	۰	۰	۱
۸	حقیقت‌جویی	۱	۲	۰	۳
جمع		۱۱	۲۰	۱۶	۴۷
		۲۳/۴۰	۴۲/۵۵	۳۴/۰۴	۱۰۰

همان‌طور که داده‌های آمده در جدول ۶ نشان می‌دهد، در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی از میان مضامین مطرح شده در (متن، تصاویر و تمرین‌ها)، ۴۷ مورد به مؤلفه‌های علمی و فناوری پرداخته شده است که از این تعداد، کتاب پایه پنجم با ۲۰ واحد (۴۲/۵۵ درصد) دارای بیشترین فراوانی و کتاب پایه چهارم با ۱۱ واحد (۲۳/۴۰ درصد) دارای کمترین فراوانی در میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت علمی و فناورانه هستند. همچنین مؤلفه‌ی فهم و درک دانش با ۲۹ واحد، دارای بیشترین فراوانی و مؤلفه‌های تلفیق و هماهنگی علم و دین، تحول در دانش، تلفیق و هماهنگی علم و عمل با ۱ واحد، دارای کمترین فراوانی هستند.

جدول شماره ۷- سیاهه فراوانی تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان
براساس مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه تربیت

ردیف	ساحت‌های تربیت	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	جمع
۱	ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی	۶۸	۶۷	۸۱	۲۱۶
۲	ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی	۳۱	۳۶	۲۰	۸۷
۳	ساحت تربیت زیستی و بدنی	۳	۸	۲	۱۳
۴	ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری	۲۲	۲۰	۱۷	۵۹
۵	ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای	۰	۳	۱	۴
۶	ساحت تربیت علمی و فناوری	۱۱	۲۰	۱۶	۴۷
	جمع	۱۳۵	۱۵۴	۱۳۷	۴۲۶

براساس نتایج جدول ۷، از مجموع فراوانی مؤلفه‌های مرتبط با ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین در کتاب هدیه‌های آسمان (۴۲۶)، ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی ۲۱۶ واحد، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی ۸۷ واحد، ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری ۵۹ واحد، ساحت تربیت علمی و فناوری ۴۷ واحد، ساحت تربیت زیستی و بدنی ۱۳ واحد و ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای ۴ واحد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین کتاب پایه پنجم با ۱۵۴ واحد دارای بیشترین فراوانی است.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه بررسی میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (دوره دوم) است. یافته‌های حاصل، نشان می‌دهد که در مجموع ۴۲۶ مرتبه به ساحت‌های شش‌گانه تربیتی (اعتقادی، اخلاقی و عبادی، سیاسی و اجتماعی، زیستی و بدنی، علمی و فناوری، اقتصادی و حرفه‌ای و زیبایی‌شناسی و هنری) توجه شده که در این میان، سهم کتاب هدیه‌های آسمان در پایه چهارم ۱۳۵ فراوانی، در پایه پنجم ۱۵۴ فراوانی و در پایه ششم ۱۳۷ فراوانی است. همچنین محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی ایران از

لحاظ مقادیر فراوانی در ابعاد اعتقادی، اخلاقی، عبادی ۲۱۶، در بُعد سیاسی و اجتماعی ۸۷، در بُعد زیستی و بدنی ۱۳، در بُعد زیبایی شناختی و هنری ۵۹، در بُعد اقتصادی و حرفه‌ای ۴ و در بُعد علمی و فناوری ۴۷ است.

یافته‌های حاصل در رابطه با میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه در کتاب هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی ایران (چهارم، پنجم و ششم) نشان می‌دهد که میزان توجه به این ساحت‌ها در کتاب هدیه‌ها نامتوازن است. این یافته، با نتایج پژوهش‌های وفایی، فضل‌الهی و طالع‌ی فرد (۱۳۹۶) همسواست. دیگر یافته‌های این پژوهش آن است که از میان ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین در کتاب هدیه‌های آسمان، ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بیشترین توجه مؤلفان و برنامه‌ریزان درسی را به خود جلب کرده است که با توجه به عنوان کتاب درسی، طبیعی به نظر می‌رسد. این یافته‌ها با پژوهش محمدی پویا، صالحی و مومیوند (۱۳۹۴) همسواست و با بیجنوند و باقری (۱۳۹۱) ناهم‌سواست.

نتایج پژوهش بیانگر این است که از میان ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین در کتاب هدیه‌های آسمان، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای کمترین توجه مؤلفان و برنامه‌ریزان درسی را به خود جلب کرده است، این در حالی است که تربیت اقتصادی موجب می‌شود تا کودکان به گونه‌ای تربیت شوند که نعمت‌های دنیا را امانت خدا بدانند و به کار و کوشش علاقه داشته باشند و از تنبلی و بیکاری بپرهیزند، با توجه به استعدادشان جهت آشنایی با مشاغل مباح هدایت شوند و روحیه‌ی تعاون، انفاق و طلب روزی حلال، زهد و قناعت در آنان پرورش یابد. همان‌طور که نتیجه‌ی تحقیقات نشان داد، می‌توان با فراهم کردن زمینه‌ی مطلوب آموزشی، زمینه‌ساز رشد اقتصادی در کودکان بود. قدر مسلم لازمه‌ی دست‌یابی به این سطح مطلوب، دسترسی به برنامه‌های درسی مطلوب است. برنامه‌های درسی، یک رکن اساسی در هر نظام آموزشی هستند که در صورت نارسایی در آنها، اهداف نظام آموزشی عقیم خواهند ماند. یکی از این اهداف که در سند تحول بنیادین نیز بر تحقق آن تأکید شده است، تربیت اقتصادی است. در این میان یکی از برنامه‌های درسی که ظرفیت خوبی برای همسویی با این هدف را دارد، درس هدیه‌های آسمان است.

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ای را جهت بازاندیشی و بازنگری کتاب‌های درسی

هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی ایران فراهم آورد تا سیاست‌گذاران آموزشی به ساحت‌های شش‌گانه تربیتی توجه بیشتری داشته باشند. علاوه بر این با توجه به اقتضائات آموزش و پرورش در عصر جدید و لزوم همخوانی بیشتر کتاب‌های درسی با رویکردها و ساحت‌های سند تحول بنیادین به برنامه‌ریزان درسی پیشنهاد می‌شود طی برنامه‌ای حساب شده، زمینه تدریجی آشناسازی دانش‌آموزان با این ابعاد، حیطه‌ها و مؤلفه‌های سازماندهی هر حیطه در طول دوره‌ی ابتدایی فراهم شود، مطالب با یکدیگر بین پایه‌های مختلف ارتباط طولی داشته باشند و مؤلفه‌ها و همچنین ابعاد به صورت متوازن مورد تأکید قرار گیرند. از محدودیت‌های این پژوهش این است که تنها کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (دوره دوم) به عنوان محدوده مطالعاتی مد نظر قرار گرفته است. از این رو این یافته محدود به کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی آن هم در حوزه ساحت‌هاست و قابل تعمیم به کتاب‌های تعلیم و تربیت دینی دوره متوسطه و همین‌طور سایر بخش‌های دیگر سند نیست. از این رو به سایر محققین علاقه‌مند هم در حوزه سند تحول بنیادین و هم حوزه مطالعات دینی پیشنهاد می‌شود که در مطالعات خود، کتاب‌های درسی را از زوایای دیگر سند تحول بنیادین نیز مورد توجه قرار دهند.

فهرست منابع

قرآن کریم

الف. کتب

۱. اعتصامی، محمد مهدی و راصد، سعید. (۱۳۹۰). مبانی و روش تدریس تعلیم و تربیت دینی در دوره ابتدایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
۲. بیجنوند، فرامرز و باقری، خسرو. (۱۳۹۱). تبیین مؤلفه ها و مصادیق عبودیت از منظر نهج البلاغه. اولین همایش نهج البلاغه و علوم انسانی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
۳. شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). مبانی نظری سند تحول بنیادین. تهران: شورای عالی وزارت آموزش و پرورش.
۴. عمید، حسن. (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۵. گودرزی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فلسفه و جایگاه تربیت بدنی، رشد آموزش تربیت بدنی. ۱۳ (۴)، ۳۲-۳۴.
۶. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). جاذبه و دافعه ی امام علی (ع). تهران: انتشارات صدرا.
۸. ملکی، حسن. (۱۳۹۴). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: پیام اندیشه.
۹. نوریان، محمد. (۱۳۹۵). تحلیل برنامه درسی دوره ابتدایی ایران. تهران: گویش نو.

ب. مقالات

۱. بناری، علی. (۱۳۸۹). «بررسی اولویت های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه». فصلنامه تربیت اسلامی. ۴ (۱۲)، صص ۳۳-۵۴.
۲. رهبری، مهدی؛ بلباسی، میثم و قربی، سید محمد جواد. (۱۳۹۴). «هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات ملی. ۶ (۶۱)، صص ۶۶-۴۵.
۳. سبحانی نژاد، مهدی و همکاران. (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای کتاب های دین و زندگی دوره متوسطه از لحاظ میزان توجه به مباحث سبک زندگی اسلامی مبتنی بر سوره مبارکه حجرات». فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی. ۱۱ (۴۱)، صص ۷۹-۱۰۱.
۴. کاویانی، محمد. (۱۳۸۸). «تربیت اسلامی گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری». پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم. ۱ (۳)، صص ۷۹-۹۱.
۵. محمدی پویا، فرامرز و صالحی، اکبر و مومیوند، فاطمه. (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای نهج البلاغه بر اساس ساحت های شش گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش». پژوهشنامه نهج البلاغه. ۳ (۱۰)، صص ۸۲-۶۱.
۶. مهرمحمدی، محمود و محمودی، فیروز. (۱۳۹۱). «وارونگی رویکردی نوین به طراحی برنامه های درسی معطوف به تربیت حرفه ای با تأکید بر علوم تربیتی». دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. ۳ (۱۴۱)، صص ۱۷۷-۱۴۱.
۷. نیلی، محمد رضا؛ موسوی، ستاره؛ نصر، احمد رضا و مسعود، محمد. (۱۳۹۳). «بررسی میزان آگاهی اعضای هیئت علمی گروه های فنی مهندسی دانشگاه های اصفهان و صنعتی اصفهان از مؤلفه های اساسی نوآوری برنامه ریزی درسی و میزان کاربست آن ها». فصلنامه آموزش مهندسی ایران. ۱۶ (۶۴)، صص ۵۹-۸۸.
۸. وفاپی، رضا؛ فضل الهی، سیف الله و طالعی فرد، احمد. (۱۳۹۶). «بررسی میزان توجه به ساحت های شش گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی». فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۲ (۳)، صص ۱۵-۱۳۱.

بررسی اثربخشی آموزش‌های مدارس قرآنی بر مهارت روخوانی فارسی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مدارس شهر بردسکن^۱

یوسف ایرانی^۲

حسین ضرغامی^۳

حسن ضرغامی^۴

چکیده

در برنامه‌های نظام آموزشی، آموزش قرآن همواره مورد توجه بوده است. مدارس قرآنی به همین منظور و با هدف ارتقای امور دینی، فرهنگی و تربیتی دانش‌آموزان ایجاد شده است. در این مقاله، کوشش شده است با رویکرد تحقیقی طرح‌های آزمایشی کلاسیک، تأثیر آموزش‌های مدارس قرآنی بر مهارت روخوانی فارسی دانش‌آموزان دوره ابتدایی بررسی، تحلیل و ارزیابی شود. بدین منظور، شهر بردسکن به عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شد و دو گروه از دانش‌آموزان مقطع ابتدایی این شهر به عنوان گروه آزمایش و گروه کنترل، انتخاب شدند. قبل از برگزاری کلاس‌های آموزشی و بعد از آن، آزمونی در زمینه مهارت‌های قرآنی در بخش‌های مختلف از هر گروه به عمل آمد؛ با این تفاوت که دانش‌آموزان گروه کنترل، در این کلاس‌ها حضور نداشتند. یافته‌ها حاکی از آن است که دوره‌های آموزشی یادشده، بر مهارت روخوانی درس فارسی دانش‌آموزان ابتدایی تأثیرگذار است. روش‌های آماری شامل میانگین و انحراف استاندارد، نمودارهای شبکه‌ای، آزمون‌های ناپارامتری و به ویژه تحلیل کوواریانس در این نتیجه‌گیری مورد استفاده قرار گرفت. واژه‌های کلیدی: مدارس قرآنی، پیش‌آزمون، پس‌آزمون، گروه آزمایش، گروه کنترل، نمودار شبکه‌ای، تحلیل کوواریانس.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۸

۲. دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، استادیار دانشگاه فرهنگیان قم پردیس حضرت معصومه علیها السلام iraniyousef44@yahoo.com

۳. دکتری علوم اجتماعی دانشگاه تهران ho.zarghami@gmail.com

۴. کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی و کارمند آموزش و پرورش شهرستان بردسکن zarghami1350@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم زیباترین و کامل‌ترین جلوه‌ی جمال الهی و ثقل اکبر رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ و معجزه‌ی جاوید مقام نبوت است. قرآن یگانه منشور جاوید الهی است که توسط معلّمی بی‌نظیر، کامل‌ترین دستورات سعادت را برای انسان‌های تشنه‌ی حقیقت به ارمغان آورده است. بی‌شک آرامش جوامع بشری و سعادت دنیوی و اخروی آن‌ها جز در گرو یادگیری قرآن و عمل به دستورات وحی شده‌ی این کتاب عزیز میسر نخواهد شد. در این مسیر، یکی از اولین گام‌ها، حرکت به سوی روخوانی و روان‌خوانی این کتاب شریف است که خود دارای قواعد خاص برای قرآن‌آموز است. هر طالب قرآنی باید این قواعد را فرا گیرد و سپس با فراگیری علوم تکمیلی روان‌خوانی که تجوید و ترتیل است، گام‌های بعدی را بردارد. هر قرآن‌آموز شعاری تحت عنوان «خوب بخوانم تا خوب بدانم تا خوب عمل کنم و خوب عمل کردن را به دیگران بیاموزم» را باید سرلوحه حرکت قرآنی خود قرار دهد (شفیعی مؤمن، ۱۳۹۰).

با توجه به اهمّیت موضوع، سیاست‌گزاران برنامه‌های آموزشی، دوره‌های آموزش قرآن در مقاطع مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان را با عنوان مدارس قرآن با تأکید بر صحت روخوانی دانش‌آموزان گسترش داده‌اند. در کشور ما، به اقتضای جایگاه خاصّ دین اسلام در فرهنگ مردم و جایگاه ویژه‌ی قرآن در اعتقادات دینی افراد، آموزش کتاب خدا همواره مورد توجه همگان بوده است و در اهداف کلی نظام آموزشی به ضرورت یادگیری قرآن به طور عام و یادگیری روخوانی آن به طور خاص در دوره‌ی ابتدایی توجه شده است. مهم‌ترین مقطع در یادگیری‌های پایدار، مقطع ابتدایی است و در صورتی که در این مقطع دانش‌آموزان روخوانی صحیح را فرا گیرند، خواهند توانست در آینده قرآن را به طور صحیح و به راحتی تلاوت کنند. برخی تحقیقات گذشته این موضوع را مورد بررسی قرار داده و میزان نیل به اهداف مربوطه را مورد ارزیابی قرار داده‌اند (انوشه‌پور، ۱۳۶۴؛ مقدّس، ۱۳۶۸). با این حال، تأثیرات آموزش‌های مدارس قرآنی را در حوزه روان‌خوانی و روخوانی را نباید تنها محدود به تلاوت قرآن بدانیم و می‌توانیم اثرات آن را در برخی زمینه‌های دیگر از جمله در روان‌خوانی فارسی هم مد نظر قرار دهیم. این نکته از آن جهت قابل توجه است که در نظر داشته باشیم که از مهم‌ترین اهداف دوره‌های آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی، روخوانی صحیح قرآن به صورت شمرده و

آرام از روی مصحف با استفاده از رسم الخط آموزشی است که این رسم الخط، نزدیک‌ترین رسم الخط به زبان فارسی است (انوشه پور و همکاران، ۱۳۸۹). از آن جا که زبان فارسی آمیخته به زبان عربی است و خط فارسی امروز برگرفته از رسم الخط عربی است، این آموزش‌ها می‌تواند بر مهارت خواندن دانش‌آموزان تأثیر مثبت داشته باشد. در واقع، این انتظار وجود دارد که برای دانش‌آموزان در کنار آموزش‌های قرآنی و تقویت خواندن متون قرآنی، تقویت خواندن متون فارسی آنها نیز اتفاق افتد. بنابراین، پرسش اصلی تحقیق آن است که آیا آموزش‌های مدارس قرآنی در مقطع ابتدایی می‌تواند به تقویت مهارت‌های خواندن متون فارسی دانش‌آموزان کمک کند یا خیر؟ در این مقاله به تأثیرات این آموزش‌ها بر روخوانی درس فارسی خواهیم پرداخت.

۱. ملاحظات نظری

برنامه‌ی آموزش قرآن از یک سو در پی آن است که راهی روشن، مطمئن و دائمی برای انس و ارتباط همه‌ی دانش‌آموزان با قرآن کریم که به بهره‌گیری مادام‌العمر ایشان از هدایت کتاب الهی منجر شود، باز کند. قرآن کتاب همه‌ی مردم است. هر فردی در هر سطحی از علم و تقوا به شرط این که زبان این کتاب را درک کند، می‌تواند از آن بهره‌گیر (بقره: ۱۸۵). از سوی دیگر این برنامه تمامی موضوعات ضروری آموزش قرآن، مانند روخوانی، روان‌خوانی، صحت قرائت، توانایی درک معنای عبارات و آیات ساده‌ی قرآن کریم، آشنایی با معارف انسان‌ساز قرآن و تدبیر آیات الهی را در حد امکان شامل می‌شود. تلقی رایج از آموزش قرآن در سطح عمومی جامعه - حداقل در سده‌ی اخیر- توانایی روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم بوده است، یعنی از نظر عموم مردم، بسیاری از مراکز فرهنگی سنتی و حتی بخش قابل توجهی از صاحب نظران، هر فردی که می‌توانست قرآن را بخواند، اولین مرحله‌ی ضروری و عمومی آموزش را فرا گرفته بود. در برنامه جدید آموزش قرآن نیز توجه به مهارت‌های اولیه آشنایی با قرآن، یعنی روخوانی در آموزش ابتدایی، مد نظر قرار گرفته و برنامه‌هایی برای آن تدراک دیده شده است که مدارس قرآنی یکی از آخرین آنهاست. مدارس قرآن، به مدارس اطلاق می‌شود که در آن‌ها دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند، علاوه بر برنامه رسمی، حداکثر ۶ ساعت

آموزشی در هفته (حداقل ۲ ساعت در ابتدایی و ۳ ساعت در راهنمایی و متوسطه)، معارف، شایستگی‌ها و مهارت‌های تکمیلی قرآنی را فرا می‌گیرند.

مهارت خواندن یک مهارت پایه‌ای است که همه‌ی آموزش‌های رسمی بدان وابسته هستند. پیشرفت مهارت‌های خواندن و نوشتن روزبه‌روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. سال‌های آموزش ابتدایی در این موضوع اهمیت خاصی دارد زیرا مهارت‌های زبان‌شناختی در طول این سال‌ها شکوفا می‌شود. مهارت‌های خواندن و نوشتن که در این سال‌های اولیه‌ی تحصیل کسب می‌شود در سواد دانش‌آموزان در طول زندگی مؤثر خواهد بود. برای اکثر کودکان، یادگیری خواندن مستلزم تدریس رسمی است. به نظر می‌رسد تدریس مستقیم خواندن بیش از صرف وقت روی تمرین‌هایی برای آمادگی خواندن، که ممکن است مستقیماً به خواندن مرتبط باشد یا نباشد، سودمند است (پولاچک، رینر، ۱۳۷۸، ص ۴۶۲). خواندن عبارت از توانایی بیرون‌کشیدن اطلاعات بصری از صفحه‌ی کاغذ و درک معنای آن متن است (همان، ص ۳۰). خواندن فرآیندی پویا و تعاملی است که هم خواننده و هم محتوا در آن چه آموخته می‌شود، سهیم هستند. بعضی خواندن را تفسیر معنادار نمادهای کلامی نوشته شده یا چاپ شده تعریف کرده‌اند. خواندن مهارتی است که شاید بیشتر افراد آن را عادی به شمار آورند، ولی در اصل، خواندن، فرآیندی است عالی و پیچیده که جزییات متعددی را در برمی‌گیرد.

روخوانی یکی از پایه‌های اصلی و اساسی و البته اولیه خواندن است و اگر فردی در روخوانی صحیح و درست دچار اشکال باشد، دست کم در رساندن محتوای مطلب به شنونده با دشواری‌هایی مواجه خواهد شد. روخوانی، عبارت است از خواندن عبارات و جملات متون به صورت شمرده و آرام. روخوانی در سطح آموزش ابتدایی به معنای توانایی تشخیص حروف، صداها، علائم و ادای آن‌ها به نحو صحیح، هرچند با مکث زیاد است و حتی در صورت قرائت نادرست و اصلاح دوباره، روخوانی صحیح تلقی می‌شود. محورهای اصلی روخوانی شامل: بخش خوانی، شمرده خوانی، روان خوانی و لحن است که در ادامه به صورت مختصر در مورد هر کدام توضیحی ارائه می‌شود.

یک. **بخش خوانی:** روخوانی از بخش خوانی شروع می‌شود. در این مرحله دانش‌آموز می‌تواند کلمات و عبارات را به صورت بخش بخش بخواند، یعنی این که دانش‌آموز با دیدن

هر بخش، همان بخش را می‌خواند. این یادگیری و مهارت، مهم‌ترین عامل در پیشگیری از خطاهای رایج در روخوانی است. در بخش خوانی وجود اندکی مکث در بین بخش‌ها طبیعی است، اما به تدریج به شکل عادی نزدیک می‌شود و کلمات و عبارات به صورت شمرده و بدون مکث در بین بخش‌ها تلفظ می‌شوند.

دو. شمرده خوانی: خواندن بخش‌های کلمات به آرامی و بدون مکث بین هر دو بخش، شمرده خوانی است. دانش‌آموزان با تمرین و تکرار بر حسب استعدادشان به طور طبیعی از بخش خوانی به شمرده خوانی دست می‌یابند.

سه. روان خوانی: خواندن کلمات و عبارات به صورت روان و با سرعت معمولی، روان خوانی نام دارد. دانش‌آموزان با تمرین و تکرار و بر حسب استعدادشان به طور طبیعی از شمرده خوانی به روان خوانی دست می‌یابند.

چهار. لحن: در این پژوهش منظور از لحن همان لهجه‌ی عربی است، یعنی این‌که دانش‌آموزان تلاش کنند تا قرآن را با لهجه‌ی عربی بخوانند. بحث لحن بیشتر در زبان عربی و متون قرآنی مطرح است و در زبان فارسی به اندازه زبان عربی دارای اهمیت نیست.

۲. روش تحقیق

با توجه به ماهیت، موضوع و هدف تحقیق، این بررسی در زمره تحقیقات کمی و از نوع آزمایشی قرار گرفته و روش انجام آن به صورت پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است. هدف این بررسی، شناخت اثرگذاری کلاس‌های آموزش قرآن مدارس قرآنی بر مهارت‌های مربوط به روخوانی فارسی بوده است و به همین جهت، دو گروه از دانش‌آموزان ابتدایی انتخاب شدند، یکی آن دسته از دانش‌آموزان ابتدایی که در مدارس قرآنی حضور یافته و از آموزش‌های قرآنی بهره‌جسته‌اند که ما آنها را به عنوان گروه آزمایش در نظر می‌گیریم و گروه دوم؛ آن دسته از دانش‌آموزان ابتدایی که در این کلاس‌ها شرکت نکرده‌اند و به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شده‌اند. منطق انتخاب این دو گروه نیز بر اساس روش پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل یا همان طرح آزمایش کلاسیک (دواس، ۱۳۸۳، ص ۴۴) بوده است. در این پژوهش، آزمایش یا مداخله، آموزش‌های دریافتی در کلاس‌های مدارس قرآنی بود. روش کار بدین صورت بود

که قبل از برگزاری کلاس‌های یادشده از هر دو گروه، آزمایش و کنترل ارزیابی مهارت‌های روخوانی آنان انجام شد. بعد از اتمام کلاس‌ها، دوباره از هر دو گروه ارزیابی صورت گرفت. از آنجا که در مورد گروه کنترل، مداخله‌ای انجام نشده است، یعنی آنها در کلاس‌های قرآنی شرکت نکرده بودند، هرگونه تفاوت مشاهده شده را می‌توانیم به تأثیر کلاس‌ها نسبت دهیم. شروع به کار آموزش‌های مدارس قرآن در جامعه‌ی مورد نظر بدین صورت بوده است که دانش‌آموزان علاقه‌مند علاوه بر این که در نوبت صبح در مدارس به فراگیری آموزش‌های مندرج در کتاب‌های درسی می‌پردازند، در نوبت بعد از ظهر و طی سه روز در هفته در سه جلسه‌ی دو ساعته‌ی آموزش‌های مدارس قرآن شرکت می‌کنند و آموزش‌های لازم را که عموماً به شیوه‌های قرائت قرآن به صوت و لحن عربی می‌پردازد، فرا می‌گیرند. دوره‌ی آموزشی مدارس قرآن در مقطع ابتدایی در یک ترم سه ماهه انجام می‌شود. به این ترتیب، تحقیق از منظر زمانی به صورت طولی به انجام رسیده و چه بسا عوامل دیگری (مثل آموزش‌های رسمی مدرسه) غیر از اثر مداخله در ایجاد تفاوت‌های دو گروه تأثیر گذاشته باشند. برای کنترل این مورد، معمولاً انتخاب تصادفی اعضای دو گروه صورت می‌گیرد (همان، ص ۴۵) که در کار حاضر، این موضوع لحاظ شده و دانش‌آموزان در هر دو گروه، به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند.

۲-۱. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان بردسکن در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱ بوده است. تعداد کل آنها به تفکیک پایه تحصیلی در جدول ادامه نشان داده شده است. چون دانش‌آموزان پایه اول در کلاس‌های قرآنی شرکت نمی‌کنند، باید آنها را از جامعه مورد مطالعه حذف کرد که به این ترتیب تعداد دانش‌آموزانی که امکان شرکت در مدارس یادشده را داشتند به ۱۷۲۵ نفر تقلیل یافت. از این تعداد، در مجموع ۴۷۷ نفر در کلاس‌های آموزشی قرآن در سطح شهرستان شرکت کرده‌اند که تعداد آنها را به تفکیک پایه در جدول شماره ۲ می‌توان ملاحظه کرد. توجه داشته باشید که این دانش‌آموزان زیرمجموعه گروه بالا و بخشی از آنها هستند.

جدول ۱: تعداد دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر بردسکن در پایه های مختلف - سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱

پایه	اول		دوم		سوم		چهارم		پنجم		جمع
جنسیت	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر و دختر
تعداد	۲۲۰	۲۳۹	۲۵۱	۲۱۴	۲۳۵	۲۰۸	۲۱۱	۲۱۶	۱۸۶	۲۰۴	۲۱۸۴

جدول ۲: تعداد دانش آموزان مدارس قرآنی شهر بردسکن به تفکیک پایه - سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱

پایه	اول		دوم		سوم		چهارم		پنجم		جمع
جنسیت	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر و دختر
آمار	-	-	۶۳	۴۵	۶۲	۵۲	۷۵	۶۰	۶۷	۵۳	۴۷۷

به این ترتیب، انتخاب نمونه های تحقیق از بین این دو مدارس و با توجه به مطالب گفته شده قبلی صورت پذیرفت. همان گونه که گفته شد، افراد گروه آزمایش، یعنی دانش آموزان مدارس قرآنی زیرمجموعه گروه کنترل یعنی کل دانش آموزان هستند، پس باید هنگام انتخاب نمونه ها به این موضوع دقت می شد. با در نظر گرفتن این نکته، ما با دو گروه دانش آموزان، یکی در مدارس قرآنی به تعداد ۴۷۷ نفر و دوم، دانش آموزانی که در مدارس قرآنی شرکت نکرده بودند به تعداد ۱۲۴۸ نفر (با کسر تعداد ۴۷۷ دانش آموز مدارس قرآنی از ۱۷۲۵ کل دانش آموزان مدارس ابتدایی)، مواجه بودیم که باید نمونه ها را از بین آنها انتخاب می کردیم. نمونه گیری بر اساس روش تصادفی ساده و به تعداد برابر برای هر دو گروه و در هر کلاس و جنس انجام شد. بدین ترتیب در مجموع ۳۲۰ نفر از دانش آموزان نمونه آماری تحقیق را تشکیل دادند و هر ردی طبقه بندی شده یاد شده، به تعداد ۲۰ نفر درآمد که در جدول زیر ملاحظه می کنید. همان طور که مشخص است جدول به طور کامل متقارن است و فراوانی افراد در هر دو گروه آزمایش و کنترل و به تفکیک جنسیت برابر ۸۰ است تا سوگیری ناشی از عدم تعادل حجم نمونه کنترل شود.

جدول ۳: تعداد نمونه در گروه آزمایش (همچنین گروه کنترل) به تفکیک جنسیت و پایه تحصیلی

جنس / پایه	دوم	سوم	چهارم	پنجم	مجموع
پسر	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۸۰
دختر	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۸۰
مجموع	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۱۶۰

۲-۲. ابزار اندازه‌گیری

جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌های ارزیابی مهارت قرآن که براساس روش استاندارد ارزشیابی مهارت‌های قرآنی در مدارس ابتدایی است، استفاده شده است. البته تغییرات و اصلاحاتی در روش ارزیابی توسط مجری کار صورت گرفت و سپس به تعداد مورد نیاز تکثیر و در اختیار همکاران مدارس قرار گرفت. این همکاران به طور کامل به شیوه ارزیابی تسلط داشته و آموزش‌های لازم را فرا گرفته بودند. شیوه نمره‌گذاری پرسشنامه مذکور به این صورت بود که به هر حوزه از مهارت روخوانی، یک تا پنج امتیاز تعلق می‌گرفت. چهار حوزه اصلی در ارزیابی خواندن متون فارسی برای دانش‌آموز در نظر گرفته شد که در نهایت، از مجموع ۲۰ نمره، با توجه به توانایی قرآن‌آموز نمره‌ای داده می‌شد. (بخش خوانی ۵ نمره، شمرده خوانی ۵ نمره، روان خوانی ۵ نمره و لحن ۵ نمره).

در مؤلفه‌ی بخش خوانی، فراگیر، کلمات و عبارات فارسی را به صورت بخش‌بخش و همراه با مکث مختصر میان هر بخش می‌خواند؛ این نحوه‌ی خواندن پایین‌ترین سطح روخوانی است. بدین منظور به هریک از آزمودنی‌ها تعدادی کلمه یا عبارت فارسی داده می‌شود و از آن‌ها می‌خواهیم تا کلمات را به صورت بخش‌بخش بخوانند. تعداد کلمات باید حداقل ۲۰ مورد باشد. در این مرحله به ازای هر کلمه‌ای که غلط خوانده می‌شود ۲۵٪ امتیاز کسر می‌شود؛ چنان‌چه آزمودنی کلمه یا عبارت را با راهنمایی معلم یا بدون آن تصحیح کند، نمره‌ای از وی کسر نمی‌شود. در حیطه‌ی شمرده خوانی، دانش‌آموز کلمات و عبارات مربوط را به صورت شمرده و بدون مکث در بین بخش‌ها می‌خواند. به هریک از آزمودنی‌ها بین

پانزده تا بیست کلمه یا عبارت فارسی از داخل کتاب درسی یا خارج از آن داده می‌شود تا بخوانند. در این مرحله نیز به ازای هر کلمه‌ای که غلط خوانده شود ۲۵/۰ امتیاز کسر خواهد شد. در بخش روان خوانی دانش‌آموز باید بتواند کلمات و عبارات قرآنی را به صورت روان و با سرعت معمولی بخواند. هریک از فراگیران نیم صفحه یا حدود ۵ خط از عبارات فارسی را می‌خوانند، در صورتی که دانش‌آموز نتواند کلمات، عبارات و واژه‌های فارسی را مطابق سطح انتظار ارزشیابی بخواند و یا این که مکث و برگشت‌های زیاد داشته باشد، با توجه به میزان نقص، حداکثر ۲ نمره از وی کسر خواهد شد. در مؤلفه‌ی لحن، قرآن‌آموز باید بتواند کلمات، عبارات و آیات قرآنی را با لهجه‌ی عربی بخواند. در هریک از موارد سه‌گانه‌ی فوق (بخش خوانی، شمرده خوانی و روان خوانی) آزمودنی باید موادّ آزمایش را به لهجه‌ی عربی بخواند، در صورتی که دانش‌آموز نتواند واژه‌ها و عبارات را به لحن عربی بخواند، به ازای هر کلمه‌ی غلط خوانده شده ۲۵/۰ نمره از وی کسر خواهد شد. نمره روخوانی هر دانش‌آموز با جمع چهار حیطه مورد اشاره و میانگین آنها به دست می‌آید. با توجه به توضیحات ارائه شده، در نهایت داده‌های مربوط به نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون تمام ۳۲۰ دانش‌آموز در چهار حیطه یادشده به دست آمد و برای تجزیه و تحلیل‌های مورد نظر، وارد بسته نرم‌افزاری SPSS شد.

۳. یافته‌ها

گفته شد ۳۲۰ دانش‌آموزی که در این تحقیق به عنوان آزمودنی به کار گرفته شدند، به طور مساوی در دو گروه کنترل و آزمایش (هر گروه ۱۶۰ نفر) و در ۴ پایه تحصیلی به طور برابر پخش شدند (جدول قبلی را نگاه کنید). با توجه به این موضوع، آزمون به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای تمام دانش‌آموزان اجرا شد. بخش خوانی، شمرده خوانی، روان خوانی و لحن که محورهای اصلی متغیّر روخوانی‌اند، قبل از دوره‌ی آموزشی (به عنوان متغیّر آزمایشی یا مداخله) و بعد از دوره‌ی آموزشی در هر دو گروه آزمایش و کنترل برای درس فارسی سنجیده شد. در نهایت نمره‌ی روخوانی از میانگین نمرات بخش‌های مختلف آن به دست آمد.

در جدول شماره ۴، نتایج به دست آمده از آزمون‌های پیش و پس از دوره آموزشی کلاس‌های قرآن برای هر دو گروه آزمایش و کنترل برای درس فارسی دیده می‌شود. تعداد

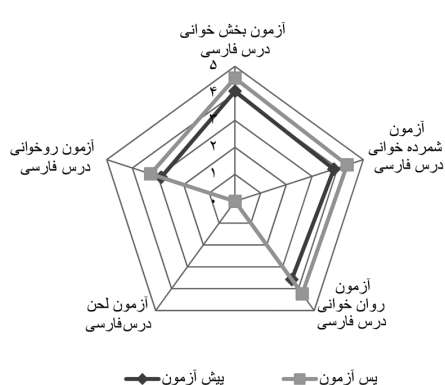
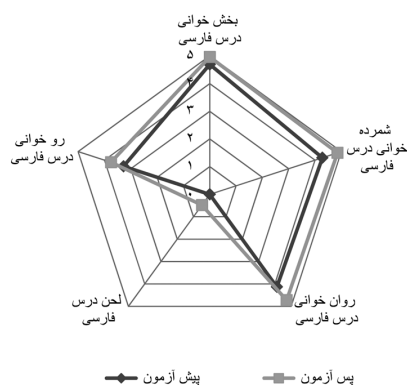
نمونه در هر بخش ۱۶۰ نفر بوده که در مورد آن قبلا صحبت شد (چهار پایه تحصیلی و هر پایه ۲۰ نفر به تفکیک دختر و پسر). کمترین و بیشترین نمرات به دست آمده که به طور نظری می توانست بین صفر تا پنج باشد، در قسمت مربوط دیده می شود.

جدول ۴- آمارهای توصیفی مربوط به نمرات پیش آزمون و پس آزمون
گروه آزمایش و کنترل در بخش های مختلف روخوانی فارسی

گروه	حیطه	آزمون	حجم نمونه	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف استاندارد
کنترل	بخش خوانی	پیش آزمون	۱۶۰	۲	۵	۴,۰۸۱	۰/۸۷
		پس آزمون	۱۶۰	۲	۵	۴,۵۶۶	۰/۶۸
	شمرده خوانی	پیش آزمون	۱۶۰	۲	۵	۳,۸۵۳	۰/۹۰
		پس آزمون	۱۶۰	۲	۵	۴,۳۶۹	۰/۸۲
	روان خوانی	پیش آزمون	۱۶۰	۰	۵	۳,۵۸۱	۱/۱۰
		پس آزمون	۱۶۰	۲	۵	۴,۲۳۸	۰/۸۴
	لحن	پیش آزمون	۱۶۰	۰	۰	۰	۰
		پس آزمون	۱۶۰	۰	۰	۰	۰
	روخوانی	پیش آزمون	۱۶۰	۱/۱۳	۴	۲,۸۷۹	۰/۶۸
		پس آزمون	۱۶۰	۲	۴	۳,۲۲۱	۰/۵۵۴
آزمایش	بخش خوانی	پیش آزمون	۱۶۰	۳	۵	۴,۶۹۴	۰/۴۷
		پس آزمون	۱۶۰	۴	۵	۴,۹۶۳	۰/۱۷
	شمرده خوانی	پیش آزمون	۱۶۰	۲	۵	۴,۲۷۸	۰/۶۸
		پس آزمون	۱۶۰	۳/۵	۵	۴,۸۵۳	۰/۳۵
	روان خوانی	پیش آزمون	۱۶۰	۲	۵	۴,۱۲۸	۰/۷۸
		پس آزمون	۱۶۰	۰	۵	۴,۷۲۲	۰/۵۹
	لحن	پیش آزمون	۱۶۰	۰	۰	۰	۰
		پس آزمون	۱۶۰	۰	۴/۵	۰/۴۷۸	۰/۷۱
	روخوانی	پیش آزمون	۱۶۰	۱/۷۵	۳/۷۵	۳,۲۷۵	۰/۴۳
		پس آزمون	۱۶۰	۲/۵	۴/۸۸	۳,۷۵۳۹	۰/۳۱

باید توجه داشت که این دامنه نمره، براساس نمرات فردی دانش‌آموزان به دست آمده است، بنابراین، تعجبی ندارد که برای مثال، نمره حداقل پیش‌آزمون روان‌خوانی در گروه آزمایش ۲ و در پس‌آزمون صفر به دست آمده باشد، چرا که اینها، نمره میانگین گروه نیستند. قسمت مهم جدول که باید دقت زیادی در مورد آن داشت، ستون میانگین نمرات است. با تأمل در این جدول، درمی‌یابیم که میانگین نمرات آزمون‌ها در پس‌آزمون برای هر دو گروه و در تمام مواد آزمون افزایش یافته است، اما میزان افزایش در گروه آزمایش بیش از گروه کنترل بوده است، هرچند میزان افزایش در هر کدام از مواد آزمون متفاوت بوده است. برای مثال، افزایش در نمرات دانش‌آموزان در قسمت روان‌خوانی در گروه کنترل بیش از بقیه بوده است. به منظور مقایسه‌ی میانگین روخوانی و بخش‌های مختلف آن در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایشی استفاده از روش‌های دیداری‌سازی بسیار مفیدتر و آسانتر است. به همین علت، نمودار شبکه‌ای یا عنکبوتی به کار گرفته شده است تا بتوان به صورت هم‌زمان نمرات را روی یک نمودار نمایش داد. این نمودار امکان مقایسه‌ی بخش‌های مختلف روخوانی با یکدیگر در پیش‌آزمون و پس‌آزمون مهیا کرده و درک تفاوت‌ها را بسیار راحت‌تر می‌سازد. علاوه بر این امکان مقایسه‌ی هم‌زمان دو گروه با هم در یک نمودار را با کمک نمره‌ی روخوانی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون وجود دارد. دو نمودار بعدی به روشنی مطالب ذکر شده را نشان می‌دهند.

نمودار ۱: مقایسه نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش (راست) و گروه کنترل (چپ)



ملاحظه می‌کنید که افزایش نمرات در گروه آزمایش بیش از گروه کنترل اتفاق افتاده است، هرچند افزایش خیلی چشمگیر و قابل ملاحظه‌ای به نظر نمی‌رسد. برای دست یافتن به میزان دقیق تغییرات، مناسب آن است که به جدول مربوطه مراجعه شود.

۴. تحلیل استنباطی

در قسمت قبل در مورد تفاوت‌های موجود در پیش‌آزمون و پس‌آزمون نمرات درس فارسی در دو گروه آزمایش و کنترل بحث شد. نمودارها تا حدی مجموعه‌ای از تفاوت‌های را نشان دادند، اما چه بسا این تفاوت‌ها ناشی از خطای نمونه‌گیری یا موارد دیگری باشد تا تأثیر دوره آموزشی قرآن. از این رو در این قسمت به دنبال آن هستیم تا مشخص کنیم که این تفاوت‌ها تا چه حد واقعی و ناشی از آموزش‌های مربوط است.

از آن جا که آموزش تنها در گروه آزمایش انجام شده است، لازم است نمرات قبل از اعمال متغیر مستقل (دوره‌های آموزش قرآن) و بعد از آن مقایسه شوند. با توجه به اینکه افراد یکسانی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون شرکت داشته‌اند و مقیاس اندازه‌گیری، رتبه‌ای است، نمی‌توان از آزمون‌های پارامتری که فاصله‌ای و نسبی بودن داده‌ها جزو مفروضات آنهاست، استفاده کرد. بنابراین لازم است از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون که معادل آزمون تی وابسته است، کمک گرفت. تنها مفروضه‌ی آزمون‌های ناپارامتری استقلال داده‌هاست. شرایط اجرای آزمایش بیان‌گر استقلال داده‌ها از یک دیگر است.

جدول ذیل نتایج آزمون ویلکاکسون را در چهار بخش مختلف روخوانی قرآن نشان می‌دهد. نتایج بیانگر آنست که بین میانگین رتبه‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون، تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی، با توجه به سطح معناداری به دست آمده، می‌توان با اطمینان کامل گفت که آموزش‌های مدارس قرآنی بر بهبود بخش‌های مختلف روخوانی قرآن اثر مثبتی داشته است. تأثیر مثبت این آموزش‌ها را این گونه می‌توان استنباط کرد که چون مقدار Z به دست آمده (قسمت آماره آزمون در سطر مقدار آزمون جدول) مقداری مثبت است و نمرات پس‌آزمون از نمرات پیش‌آزمون تفریق شده‌اند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این تفاوت در جهت مثبت، یعنی در جهت افزایش مهارت بخش‌های مختلف روخوانی

فارسی در دانش‌آموزان بوده است. با توجه به مقادیر Z به دست آمده در این جدول، می‌توان به میزان اثرگذاری هر قسمت بر روخوانی فارسی پی برد. برای مثال، در مورد لحن، مقدار آمار بیش از بقیه قسمت هاست، یعنی آموزش مدارس قرآن تأثیر بیشتری بر بهبود لحن نسبت به سایر بخش‌های روخوانی دانش‌آموزان داشته است. توجه کنید که این نتیجه با آن چه در نمودارهای قبلی مطرح شد، هماهنگ است.

در مورد متغیر روخوانی، چون این متغیر میانگین بخش‌های مختلف بالاست، بنابراین بر اساس تبصره‌های موجود می‌توان متغیر یادشده را به عنوان یک متغیر فاصله‌ای در نظر گرفت و از آزمون‌های پارامتری استفاده کرد. زمانی که می‌توان با متغیری به عنوان متغیر فاصله‌ای برخورد کرد، ترجیح آن است که از آزمون‌های پارامتری استفاده شود، به همین جهت برای درک تفاوت‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون، نمره‌های گروه آزمایش از آزمون T وابسته استفاده شده است. همان‌گونه که انتظار می‌رفت، تفاوت‌ها در این قسمت نیز معنادار و در سطح اطمینان بالا می‌توان مدعی شد که آموزش‌های مدارس قرآنی بر روخوانی درس فارسی دانش‌آموزان تأثیر مثبت می‌گذارد. به سخن دیگر، اگرچه آموزش‌های مدارس قرآنی با هدف بهبود در روخوانی و روان‌خوانی قرآن طراحی و پیاده شده‌اند، اما این آموزش‌ها، در بهبود اثرات آموزشی درس فارسی نیز مؤثر واقع شده است، به گونه‌ای که می‌توان آن را به عنوان اهداف جانبی این مدارس در نظر گرفت.

جدول ۵: نتایج مربوط به آزمون ویلکاکسون در بخش‌های مختلف روخوانی قرآن در گروه آزمایش

عنوان	بخش خوانی	شمردن خوانی	روان خوانی	لحن
حجم نمونه	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰
مقدار آزمون	۶,۱۲۹	۸,۷۶۲	۸,۳۸۷	۷,۲۰۹
معنی داری	./۰۰۰	./۰۰۰	./۰۰۰	./۰۰۰

از جهت بررسی دقیق‌تر اثرات آموزش‌های مدارس قرآنی بر مهارت‌های روخوانی فارسی دانش‌آموزان ابتدایی، مناسب آن است که از روش تحلیل کوواریانس استفاده کرد. از آزمون

تحلیل کوواریانس به منظور بررسی اثر متغیر پیش‌بینی‌کننده بر متغیر وابسته که متغیری پیوسته است، استفاده می‌شود. تحلیل کوواریانس را می‌توان تلفیق تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیونی دانست. بنابراین لازم است مفروضات مربوط به این دو مدل در این تحلیل واریانس شود تا بتوان از این آزمون به عنوان یک آزمون پارامتری استفاده کرد. به طور مختصر، مفروضات این آزمون عبارت است از: استقلال داده‌ها از یک‌دیگر، نرمال بودن متغیر وابسته، هم‌گونی واریانس و هم‌گونی ضرایب رگرسیونی. پژوهش‌گر معتقد است براساس تمهیدات آزمایشی در نظر گرفته شده، مفروضه استقلال داده‌ها که به روش پژوهش برمی‌گردد، برقرار است. به دلیل یکسانی تعداد افراد در گروه‌ها و زیرگروه‌های مختلف و تقارن ماتریس فراوانی نیازی به بررسی و چک کردن همگنی واریانس نیست. به منظور بررسی نرمال بودن متغیر وابسته از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن حاکی از برقرار بودن این مفروضه است. مقدار ارزش p ($p < .06$) نشان می‌دهد که فرض صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان نمی‌تواند رد شود. بنابراین فرض صفر پذیرفته می‌شود. از آن‌جا که فرض صفر آزمون کولموگروف اسمیرنوف تفاوت توزیع را از توزیع نرمال نشان می‌دهد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها از توزیع نرمال تفاوت معناداری وجود ندارد و فرض نرمال بودن داده‌ها برقرار است. به منظور بررسی همگنی ضرایب رگرسیونی تعامل متغیر کوواریانس با عامل ثابت مهم است. در این‌جا متغیر کوواریانس پیش‌آزمون درس فارسی است و عامل ثابت همان گروه‌هاست. در صورتی که در مدل طرح شده تعامل بین متغیر کوواریانس با عامل‌ها معنادار نباشد، می‌توان گفت که ضرایب رگرسیونی برابرند. این نتایج در جدول اثرات بین آزمودنی‌ها نشان داده شده است. مشاهده می‌شود که سطح معناداری ۰/۰۷۵ است که نشان‌دهنده عدم رد فرض صفر است و بنابراین فرضیه‌ی همگنی ضرایب رگرسیونی تأیید می‌شود. به این ترتیب امکان استفاده از تحلیل کوواریانس وجود دارد.

جدول ۶: نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها به منظور بررسی فرضیه‌ی همگنی ضرایب رگرسیونی

معنی داری	F	میانگین مجزورات	df	مجموع مجزورات	منابع تغییر
۰/۰۷۵	۱/۰۰۳	۰/۸۲۷	۱	۰/۸۲۷	تعامل بین پیش‌آزمون و گروه‌ها

برای بررسی فرضیه‌ی اصلی تحقیق از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد که خلاصه‌ای از نتایج آن در جدول شماره ۷ آورده شده است. در این جا یادآور می‌شویم که با انجام تحلیل کوواریانس تأثیر متغیر همراه متغیر مستقل (کووریت) که در این تحقیق پیش‌آزمون می‌باشد، کنترل می‌شود.

جدول ۷: نتایج تحلیل کوواریانس نمرات روخوانی فارسی

معنی داری	F	میانگین مجذورات	df	مجموع مجذورات	منابع تغییر
./۰۰۰	۳۸۸٫۹۵	۶۰۷٫۵۸۸	۱	۳۳٫۹۲۶	تأثیر پیش‌آزمون
./۰۰۰	۴۴٫۷۹۵	۳٫۹۰۷	۱	۳٫۹۰۷	بین گروه‌ها
./۰۸۷		۳۱۷		۲۷٫۶۵۱	خطا
۳۱۹				۷۸٫۵۷۴	کل

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌کنید، مقدار f به دست آمده برای گروه‌ها با درجه‌ی آزادی (۱) ($df=1$) در سطح ($p<./۰۰۰$) معنی دار است. به عبارت دیگر بین اختلاف نمرات پس‌آزمون روخوانی درس فارسی گروه آزمایش با گروه کنترل تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج نیز نشان می‌دهد که میانگین نمرات روخوانی گروه آزمایشی بیشتر از گروه کنترل است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دوره‌های آموزش قرآن برای بهبود روخوانی درس فارسی دانش‌آموزان دبستانی مؤثر بوده و موجب تقویت مهارت‌های روخوانی فارسی آن‌ها می‌شود.

نتیجه‌گیری

آموزش قرآن در کشور ما همواره از جایگاه والایی برخوردار بوده و این کار چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی مورد توجه بوده است. برنامه ایجاد مدارس قرآنی جهت آموزش قرآن در مقاطع مختلف تحصیلی را باید در همین راستا ارزیابی کرد. مقاله حاضر نتیجه یک برنامه تحقیقی در مورد اثربخشی این مدارس بر مهارت روخوانی فارسی در مقطع ابتدایی است. از آن جا که کلاس‌های قرآنی به آموزش قرآن و زبان آن یعنی زبان عربی می‌پردازد، انتظار می‌رود

یادگیری و صحت روخوانی در درس فارسی نیز اتفاق افتاده باشد؛ چراکه زمینه‌ها و ویژگی‌های مشترک زیادی بین خط فارسی و عربی وجود دارد. یادگیری به معنای ثبات رفتاری در طول زمان است، بنابراین در صورت که یادگیری در دانش‌آموزان اتفاق افتاده باشد، برنمرات روخوانی دانش‌آموزان در درس فارسی به عنوان یکی از دروس تحصیلی تأثیر مثبت خواهد داشت. به این معنا که نمرات پس‌آزمون دانش‌آموزان به طور معناداری بیشتر از نمرات پیش‌آزمون آن‌ها خواهد بود. بر مبنای چنین فرضی، طرح تحقیقاتی یادشده به شیوه آزمایش کلاسیک در مورد دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر بردسکن به اجرا درآمد.

دو گروه از دانش‌آموزان به تعداد برابر بر مبنای جنسیت و پایه تحصیلی (غیر از کلاس اول ابتدایی که برنامه آموزش قرآن شامل آنها نمی‌شود) به صورت تصادفی انتخاب شدند. هر دو گروه (گروه آزمایش و گروه کنترل) قبل و بعد از اتمام دوره آموزشی مورد ارزیابی مهارت روخوانی فارسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد که آموزش‌های قرآنی تأثیرات معناداری بر مهارت‌های مختلف روخوانی فارسی دارند. نمرات پس‌آزمون در هر دو گروه حکایت از افزایش نسبت به پیش‌آزمون داشت، اما مقدار افزایش در گروه آزمایش بیش از میزان افزایش در گروه کنترل بود. به طور طبیعی انتظار افزایش نمرات پس‌آزمون در هر دو گروه بود؛ چراکه دانش‌آموزان طی دوره بیش از ۳ ماه از آموزش‌های رسمی مدرسه بهره می‌جستند که خود این می‌توانست مهارت‌های آنان را در خواندن متون فارسی افزایش دهد. همان‌طور که در قبلاً گفته شد، رسم الخط زبان فارسی و عربی یکسان است و آموزش‌های فارسی ابتدایی بر مهارت روخوانی فارسی آنها نیز تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب، افزایش نمرات گروه کنترل و بخشی از افزایش نمرات گروه آزمایش را باید به این عامل نسبت داد. به خاطر این که بتوانیم این تأثیرات تعاملی بین گروه آزمایش و گروه کنترل را کنترل کنیم، از روش کوواریانس استفاده کردیم که نتایج این آزمون باز هم نشان داد که تفاوت نمرات پس از این کنترل باقی می‌ماند و حکایت از مؤثر بودن آموزش‌های مدارس قرآنی بر مهارت روخوانی دانش‌آموزان دارد. روش‌های مختلفی برای بهبود روخوانی در درس فارسی دانش‌آموزان ابتدایی به کار گرفته می‌شود و تحقیقاتی در این زمینه به انجام رسیده است. برای مثال، بازرگان و برارپور (۱۳۹۱) با روش تحقیقی مشابه این پژوهش به اثربخشی مثبت آموزش متقابل بر مهارت روخوانی در درس فارسی

دانش‌آموزان دوم ابتدایی دست یافته‌اند. مهارت روخوانی فارسی یکی از پیش‌نیازهای اصلی پیشرفت آموزشی دانش‌آموزان است و بدون آن بسیاری از برنامه‌های آموزشی دچار مشکل و ضعف اساسی خواهد بود. بنابراین، به شیوه‌های مختلفی باید به تقویت این مهارت پایه‌ای همت گمارد. مطالعه حاضر نیز نشان می‌دهد که آموزش‌های مدارس قرآنی می‌تواند تأثیر مثبتی در بهبود مهارت روخوانی دانش‌آموزان ابتدایی داشته باشد. نتایج این پژوهش برای بسیاری از والدین که ممکن است توجه چندانی به بهبود مهارت‌های روخوانی قرآن فرزند خود نداشته، اما به مهارت و توانایی خواندن فرزند خود اهمیت بیشتری می‌دهند، این پیام را برساند که حضور فرزندان آنها در کلاس‌های آموزش قرآن می‌تواند آنها را در راه رسیدن به هدف تقویت مهارت روخوانی فارسی کمک کند، هرچند که این هدف جزو اهداف یاد شده در برنامه آموزش مدارس قرآنی نباشد. به بیانی دیگر، یکی از مهمترین اختلالات یادگیری در دانش‌آموزان ابتدایی، اختلال در خواندن است که آموزش‌های مدارس قرآنی می‌تواند در رفع یا کاهش این اختلال مؤثر باشد.

محدودیت‌ها و ملاحظات

هر فعالیت پژوهشی در حین اجرا با کاستی‌هایی مواجه می‌شود که برطرف کردن این کاستی‌ها در پژوهش‌های مشابه بعدی می‌تواند به نتایج مطمئن‌تری منجر شود. این تحقیق در عمل با محدودیت‌هایی مواجه بود. حوزه میدانی تحقیق تنها محدود به یک شهر بود که این موضوع تعمیم نتایج را مستلزم احتیاط بیشتری می‌کرد. با توجه به این که، محدودیت‌های مالی و زمانی و نیز کمبود نیروی با مهارت در این پژوهش میدانی همچون بیشتر پیمایش‌های دیگر وجود داشت، امکان پیاده‌سازی طرح تحقیقاتی در حوزه جغرافیایی بزرگتر وجود نداشت. به نظر می‌رسد تحقیقات بیشتری لازم است انجام شود تا نتایج این پژوهش از پشتوانه تجربی بیشتری برخوردار شود. علاوه بر این، مطالعه حاضر تنها مقطع ابتدایی را به عنوان جامعه هدف خود در نظر گرفته بود، در حالی که باید اثرگذاری این آموزش‌ها در مقاطع دیگر تحصیلی نیز مورد توجه قرار گیرد و این موضوعی است که می‌تواند در تحقیقات و مطالعات آینده مد نظر قرار گیرد.

فهرست منابع

الف. کتب

۱. انوشه‌پور، ابوالفضل و همکاران. (۱۳۸۴). روش آموزش قرآن دوره‌ی ابتدایی، ویژه مراکز تربیت معلم کد ۶۰۱۱. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش.
۲. انوشه‌پور، ابوالفضل و مقدس، هادی. (۱۳۶۸). سنجش میزان توانایی دانش‌آموزان پایه پنجم در روخوانی قرآن کریم. گروه برنامه‌ریزی ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
۳. پولچک، الکساندر و رینر، کیث. (۱۳۷۸)، روانشناسی خواندن. ترجمه مجدالدین کیوانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴. دواس، دی‌ای. (۱۳۸۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: انتشارات نشر نی.
۵. شفیعی مؤمن، محمدرضا. (۱۳۹۰). آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم. مشهد: انتشارات ضریح آفتاب.

ب. مقالات

۶. بازرگان، زهرا و برابرپور، گلرخ. (۱۳۹۱). «اثربخشی آموزش متقابل بر درس روخوانی فارسی و عزت نفس دانش‌آموزان مقطع ابتدایی». فصلنامه پژوهش‌های روانشناختی. ۱۵ (۱).
۷. ضرغامی، حسین، ضرغامی، محمدحسین و ضرغامی، حسن. (۱۳۹۴). «بررسی اثربخشی آموزش‌های مدارس قرآن بر مهارت روخوانی قرآن دانش‌آموزان مقطع ابتدایی». فصلنامه تربیت اسلامی، ۲۱ (۱۰).

بررسی تطبیقی آموزه‌های اعتقادی و تربیتی سوره طه در تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن^۱

زینب طیبی^۲

مریم محمدی^۳

چکیده

در آیات مختلف وحی، تجلّی هدایتی قرآن کریم برترین هدایت در میان مکاتب، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های گوناگون معرفی شده است. در این آیات به روشنی آمده است که برنامه هدایتی قرآن کریم جامع و بیانگر تمام نیازهای هدایتی بشر است. از آنجا که بسیاری از موانع و رهنمون‌های رشد و هدایت انسان در ابعاد مختلف حیات وی در این کتاب آسمانی انعکاس یافته است، شماری از تفاسیر قرن چهاردهم، واکاوی آموزه‌های هدایتی قرآن با محوریت تفسیر قرآن به قرآن را مهمترین راهبر استخراج رهنمودها و راهبردهای هدایتی قرآن در مسائل اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی حیات بشر قرار داده‌اند. از جمله‌ی این تفاسیر، المیزان فی تفسیر القرآن و فی ظلال القرآن است که به پویایی، فرازمانی و فرامکانی بودن آموزه‌های هدایتی این کتاب مقدس و تبیین اعجاز هدایتی آن توجه داشته‌اند. نظریه آن که در بیستمین سوره قرآن کریم، سخن از اساسی‌ترین مباحث اعتقادی یعنی مبدأ و معاد، نبوت و توجه به یاد خدا از بستر مثال‌های متعدد رفته است و باری تعالی در سوره‌ی طه، فرازهای مختلف زندگی حضرت موسی (ع) را بازگو کرده است و درس‌های اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی این سوره ما را در پیشرفت زندگی و رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه یاری می‌کند، در این پژوهش کوشش شده است با گردآوری اطلاعات از منابع

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۸

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران ztayyebi62@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان قم mohammady12145@yahoo.com

مکتوب کتابخانه ای و روش تحقیق تحلیلی - توصیفی، مهمترین آموزه های اعتقادی و اخلاقی - تربیتی سوره طه از منظر علامه طباطبائی رحمته الله علیه و سید قطب، روشن شود. نتایج تحقیق نشان می دهد تبیین توحید باری تعالی، اهداف ارسال انبیا، اهمیت و جایگاه معاد، هدایتگری معجزه ی جاوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهداف تربیتی قصه موسی علیه السلام، عوامل اضلال و گمراهی بشر، نفی ترس و خشیت از غیر خدا، تحول فکری و معنوی انسان پس از ایمان به خدا، ضرورت یادآوری نعمت های الهی و راه های رسیدن به مقام رضای الهی، از جمله آموزه های اعتقادی و اخلاقی - تربیتی سوره طه است که با گستردگی و عمق بیشتری در تفسیرالمیزان نسبت به تفسیر فی ظلال القرآن آمده است. واژه های کلیدی: آموزه های اعتقادی، آموزه های تربیتی، سوره طه، «المیزان فی تفسیر القرآن»، «فی ظلال القرآن».

مقدمه

قرآن کریم، کامل ترین کتاب انسان سازی و شایسته ترین نسخه شفابخشی است که از ناحیه خداوند متعال برای هدایت بشر و شکوفاسازی خرد و قدرت بخشیدن به اراده انسان برای وصول به کمال و سعادت دنیوی و اخروی وی نازل شده است. در این معجزه جاوید، ضمن احاطه و پوشش همه ابعاد و نیازمندی های هدایتی بشر، عوامل تعالی و انحطاط حیات دنیوی و اخروی انسان ترسیم شده است و در فرازهای متعدد، بر مهمترین هدف نزول قرآن، یعنی تربیت و هدایت انسان تأکید شده است؛ چرا که هدایت انسان به سوی استوارترین روش اخلاق و زندگی و بهترین آیین عبودیت و تعلیم و تربیت انسان در جهت رشد و کمال و سعادت دنیا و آخرت، هدف اساسی نزول این کتاب آسمانی است و شناساندن اسمای حُسنای الهی و توضیح و توجیه نقش اسماء و اوصاف خداوند متعال در نظام آفرینش و رشد و بالندگی انسان و تبیین عوامل تعالی و سعادت انسان و موجبات انحطاط و شقاوت وی از طریق تلاوت قرآن و تزکیه نفس در پرتوأنس با قرآن و در نتیجه تربیت فرد و جامعه ی انسانی بر محور آموزه های هدایتی قرآن، روشن ترین طریق دستیابی به کمال و سعادت دنیوی و اخروی است. به این ترتیب، از آنجا که سیره نبوی منبع قابل ملاحظه ای برای مطالعه و تحقیق در اصول و مبانی مکتب هدایتی و تربیتی قرآن و چگونگی اجرای آن ها در عرصه های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است، تفاسیر ماثور روایی یا اثری را می توان نخستین تفاسیری دانست که در حوزه تفسیر هدایتی و تربیتی به نگاش درآمده اند، تفاسیر عرفانی و اشاری نیز از آنجا که بیش از هر چیز بر تزکیه و نفس و تحکیم مبانی اخلاقی برپایه کشف و شهود و سیر

و سلوک تأکید دارند، به نحوی در این حوزه قرار می‌گیرند. در سایر تفاسیر مانند تفسیر اشاری، تفسیر عرفانی و برخی از کتب آیات الاحکام و فقه القرآن نیز بیشتر به این آموزه‌های در ارتباط با احکام فرعی شرعی (عبادات و معاملات) پرداخته شده است. در قرن چهاردهم، برخی تفاسیر تربیتی و هدایتی به نحو قابل توجهی، به واکاوی آموزه‌های هدایتی و تربیتی آیات قرآن پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها تفسیر گرانسنگ «المیزان فی تفسیر القرآن» با محوریت روش قرآن به قرآن و تفسیر «فی ظلال القرآن» با تمرکز بر مسایل اجتماعی است. هر دو تفسیر تلاوت و تدبر در آیات وحی، توجه به سیاق آیات و روح کلی حاکم بر قرآن کریم را مهم‌ترین راهبرد استخراج آموزه‌های هدایتی قرآن کریم در مسایل اعتقادی، اخلاقی و تربیتی می‌دانند و به پویایی، فرازمانی و فرامکانی بودن رهنمون‌های این کتاب مقدس عنایت داشته و به روشنی به توصیف آموزه‌های این کتاب مقدس پرداخته‌اند. نظریه آن‌که در بیستمین سوره‌ی قرآن کریم، سخن از اساسی‌ترین مباحث به میان آمده و باری تعالی در سوره‌ی طه قسمت‌های مختلفی از داستان زندگی حضرت موسی علیه السلام را بازگو کرده است و این داستان، درس‌های اخلاقی و حکمت‌های فراوانی در بر دارد، در این مقاله کوشش شده است با گردآوری اطلاعات از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و روش تحقیق با رویکرد توصیفی، مهم‌ترین آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی-تربیتی سوره‌ی طه را از منظر علامه طباطبائی رحمته الله علیه و سید قطب، فراروی تشنگان معارف ناب اسلام محمدی قرار گیرد.

۱. آموزه‌های هدایتی سوره طه در بُعد اعتقادی

مهمترین آموزه‌های هدایتی این سوره در بُعد اعتقادی، به شرح ذیل است.

۱-۱. تبیین توحید باری تعالی

توحید به معنای یکتادانستن خدا از اصلی‌ترین آموزه‌های اعتقادی در اسلام است (ر.ک. یحیی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۶؛ صافی، ۱۳۹۲، ص ۲۱). به اعتقاد مسلمانان، خداوند یگانه، خالق جهان است و شریک ندارد (کریمی، ۱۳۷۹، ص ۲۰-۱۹). ملاصدرا در کتاب تفسیر خود، هدف اصلی قرآن کریم را اثبات توحید خداوند دانسته است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ص ۵۴). آیات قرآن کریم به

تبیین موضوع توحید بارها اشاره کرده است؛ از جمله آیه ی شریفه ی «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي» (طه: ۱۴)؛ هیچ معبودی جز من نیست پس مرا عبادت کن. این آیه به روشنی به تبیین توحید باری تعالی پرداخته است و بر دو موضوع مهم اشاره دارد: نخست توحید و دوم اسماء الهی که نیکو و زیبا هستند. ذکر کلمه مبارک «الله» در ابتدای آیه، دلالت بر تقدم ذاتی وجود حق بر دیگر موارد و مظاهر می کند. این آیه بر یگانگی خداوند، نفی هرگونه اله به غیر از وجود حضرت حق و یادآوری کلمه طیبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تأکید می کند. در بخش دوم آیه برای خداوند، اسمای نیکو و مختلف لحاظ شده است تا به این موضوع اشاره داشته باشد که خداوند در عین حال که یگانه و احد و واحد است، اما اسمای او متکثر و مکرر هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۴۰). اهمیت موضوع از این لحاظ است که هرکس باید با اسمای الهی، انس و الفت گیرد تا به درک یگانگی خداوند نایل آید و ایمان به توحید را در خود تثبیت کند.

۲-۱. توحید ذاتی

توحید ذاتی بدین معناست که ذات خداوند یکتا و یگانه است، تعدد پذیر نیست، مثل و مانند ندارد و در مرتبه وجودی او موجودی نیست (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰). در تعریف توحید از دیدگاه علامه طباطبایی باید به دو نکته توجه داشت: نخست آن که یگانگی در ذات و ماهیت خداوند است که شامل نفی تعدد و تکثر وجودی حضرت اوست. این مبنا بیشتر برای نفی ثنویت و تثلیث رایج در دیگر ادیان مورد بحث قرار می گیرد. دوم آن که توحید بیشتر بر اساس نوع کارکرد وجودی و رویکرد الهی حضرت اوست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۲۴). علامه طباطبایی در این جا بیشتر به یگانگی خدا در نوع رفتار او توجه دارد و انسان چون در این گونه امور از حضرت حق، یگانگی محض می بیند، زبان به توحید او می گشاید و به توحید او شهادت می دهد.

در آیه ی ۱۴ سوره طه آمده است: «إِنِّی أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ من خدای یکتایم، معبودی جز من نیست، عبادت من کن و برای یاد کردن من نماز به پا کن. تجلی توحید الهی را می توان در کلام حضرت حق مشاهده کرد که بعد از این که خود را «الله» معرفی می کند، توحید را با عبارت «إِنِّی أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا» یادآور می شود. در تفسیر فی

خلال آمده است که این جمله اثبات الوهیت برای خدا است و ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا﴾ نفی الوهیت از هر کسی و هر چیزی جز خدا است. همچنین از ادامه آیه چنین استنباط می شود که عبادت مترتب بر الوهیت است (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳). علامه نیز درباره ی جمله ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَأَعْبُدْنِي﴾ معتقد است که کلمه ی توحید از نظر عبارت و لفظ مترتب بر جمله «أَنَا اللَّهُ» شده است؛ چون وقتی خدای تعالی کسی باشد که هر چیزی از او آغاز شده و به وجود او قائم و منتهی است، پس دیگر جا ندارد که کسی جز برای او عبادت کند؛ پس اوست الله، معبود به حق و اله دیگری غیر از او نیست؛ از این رو امر به عبادت متفرع بر این حقیقت است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۴۰). به بیان دیگر در آیه دو موضوع توحید و عبودیت خداوند به همدیگر متصل شده و همراه با هم ذکر شده است.

۳-۱. توحید صفاتی

توحید صفاتی از جمله آموزه های اعتقادی مطرح شده در سوره طه است: ﴿إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلُّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طه: ۹۸)؛ خدای شما فقط خدای یکتاست که جز او خدایی نیست و علم او به همه چیز می رسد. حضرت موسی علیه السلام خطاب به قوم خود می گوید خدای شما فقط خداوند یکتاست، خدایی که جز او پروردگاری وجود ندارد و علم او به همه ی هستی مسلط است. این سخنان حضرت موسی علیه السلام در واقع نفی بر خدای خودساخته ی سامری است که عامل گمراهی قوم او شده بود. در این آیه به دو صفت خدا اشاره شده است؛ توحید و علم الهی. این موضوع به روشنی در تفسیر المیزان بیان شده، ولی سید قطب در مورد این آیه نظری ارائه نکرده است. در المیزان آمده است:

«ظاهر چنین می نماید که این آیه تتمه کلام موسی علیه السلام خطاب به سامری و بنی اسرائیل باشد و با این جمله از کلام خود، خدای را در الوهیت یکتا دانسته، می فهماند که هیچ چیز نه گوساله و نه چیزی دیگر شریک او نیست، و این طرز سخن در چنین سیاقی لطیف ترین استدلال است، چون (در کوتاه ترین بیان) بر دو مسأله استدلال کرده است؛ یکی بر این که معبودی جز خدا نیست، به این دلیل که چون او الله است و دوم بر این که معبودی غیر خدا برای ایشان

نیست، به این دلیل که جز او معبودی نیست، چون الله است» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۹۸).

۴-۱. توحید عبادی

خضوع و تسلیم در مقابل قدرت برتر، از اصول تکوینی حاکم بر جهان دارای نظام علت و معلول است. معلول از علت تأثیر می پذیرد و مقهور و مستخرآن می شود. انسان نیز وقتی احساس کند منافعش با تسلیم و خضوع تأمین می شود، آن را می پذیرد (کوثری، ۱۳۹۶، ص ۹۹). موضوع عبادت با توجه به این که خداوند خود را معبود مطلق برمی شمارد، یکی از آموزه های اصلی آیه «إِنِّی أَنَا اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِی وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِکْرِی» (طه: ۱۴)؛ همانا من خودم خدای یکتا هستم که هیچ معبودی جز من نیست، پس مرا عبادت کن و نماز را برای یاد من به پا دار، است. از آیه برمی آید که نماز در بین عبادات دیگر دارای جایگاه ویژه ای است. علامه می گوید آن چه از عبادات بسیار شایان ذکر است، نماز است و خدا امر می کند که نماز را بخوان تا (همیشه) به یاد من باشی، چرا که نماز کامل ترین شکل از اشکال عبادت و بهترین راه یاد خدا است. ذکر خصوص نماز در جمله «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِکْرِی»، با توجه به آن که در جمله ی قبل «فاعبدنی»، عبادت را به طور عموم ذکر کرده بود، بدین جهت است که هم اهمیت نماز را برساند و هم بفهماند که نماز از هر عملی که خضوع عبودیت را ممثل کند، بهتر است (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۴۰). سید قطب نیز آورده است:

«نماز کامل ترین شکل از اشکال عبادت و همچنین کامل ترین وسیله از وسایل ذکر و یاد خدا است؛ چرا که نماز مختص به این هدف است و از همه شرایط و ظروف دیگر می پردازد و جان در آن تنها برای این هدف آماده می شود، و خود را جمع وجور فقط برای ارتباط با خدا می سازد» (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳).

۵-۱. اثبات ربوبیت باری تعالی

حضرت موسی علیه السلام در جواب به پرسش فرعون که گفت: پروردگار شما کیست؟ در آیه «قَالَ رَبُّنَا الَّذِی أَعْطٰی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدٰی» (طه: ۵۰)، گفت: پروردگار ما همان است که خلقت هر چیزی را به آن داد و سپس هدایتش کرد، به معرفی خدای خود می پردازد و می گوید خدای

ما آن وجود مقدّسی است که به همه چیز هستی وجود داده و سپس با توجه به کم و کیف خلقت آن چیزها، آنان را هدایت و رهنمون کرده است. در حقیقت حضرت موسی علیه السلام با این جواب، فرعون را بخشی از مخلوقات خدا معرفی می‌کند که اکنون پیامبرانش را برای هدایت او معرفی کرده و به نزد او فرستاده است. به بیانی دیگر از لحاظ فلسفه محتوایی کلام باید گفت که جواب حضرت موسی علیه السلام به پرسش فرعون، مناسب‌ترین و دقیق‌ترین پاسخ بوده است. علامه، آیه مذکور را مشتمل بر برهان ربوبیت الهی می‌داند؛ چون خلقت موجودات و ایجاد آن‌ها فرع بر این است که مالک وجود آن‌ها خدا باشد، موجودات به «وجود» قائمند و خدا مالک تدبیر آن‌ها است (رک. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۳۳). سید قطب هم اشاره می‌کند که این صفتی که قرآن از زبان حضرت موسی علیه السلام آن را روایت می‌کند، کامل‌ترین آثار الوهیت آفریدگار هستی بخش جهان و اداره‌کننده آن را خلاصه می‌کند (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳۸).

۱-۶. اهمّیت اعتقاد به یگانگی باری تعالی

در آیه ی «فَلَمَّا آتٰیہَا نُودِیْ یَا مُوسٰی اِنِّیْ اَنَا رَبُّکَ فَاحْلَعْ نَعْلَیْکَ اِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی» (طه: ۱۲ و ۱۱)؛ و چون به آتش رسید ندا داده شد که ای موسی! من خود پروردگار توام کفش‌های خود را بیرون آر که تو در سرزمین مقدس طوی هستی، خداوند همراه با معرفی خود به حضرت موسی علیه السلام با ذکر قید بی‌تردید که قید تأکید است به یگانگی خود اشاره می‌کند. بیان این موضوع در بخش آغازین کلام خداوند با موسی علیه السلام دلالت بر اهمّیت موضوع توحید دارد. این اهمّیت هم در ذات وجود الهی است و هم در ذات امر نبوت. تأکید خداوند در آیه برای این است که هیچ‌گونه شک و تردیدی در ذهن و زبان موسی علیه السلام وجود نداشته باشد. علامه می‌نویسد:

«و این حال، حال هر نبی و پیامبر است، در اولین وحیی که به او می‌شود، و نبوت و رسالت او را به او اعلام می‌دارد، هیچ شک و ریبی نمی‌کند، در این که صاحب این وحی خدای سبحان است، و در درک این معنا هیچ احتیاجی به اعمال نظر، یا درخواست دلیل، یا اقامه حجتی نیست، زیرا اگر محتاج به یکی از آن‌ها شود باز هم یقین پیدا نمی‌کند که راستی پیامبر شده است، چون ممکن است اطمینانی که به دست آورده اثر و خاصیت دلیل و استفاده قوه تعقل از

آن دلیل باشد، نه تلقی از غیب بدون واسطه» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۳۸). این مهم در تفسیر المیزان به روشنی آمده است و سید قطب نیز اشاره می‌کند که آن چه وحی می‌شود در سه چیز مربوط به هم خلاصه می‌شود: اعتقاد به وحدانیت، توجه به عبادت و ایمان به قیامت. این ها پایه های بنیادین رسالت هستند (قطب، ۱۴۲۵ق، ص ۲۳۳).

۷-۱. رسالت نجات بخشی انبیا

نبوت یا پیامبری گزینشی الهی بر پایه آیات وحی است که خداوند، معارف الهی را بر بنده برگزیده اش وحی می‌کند تا اخلاق و کردار بندگان را در مسیر کمال و سعادت، رهبری و هدایت کند (پرچم، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲). نبوت و مشتقات آن در زبان عربی در چند معنا به کار رفته است؛ خبردهنده (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۲)، مکان مرتفع (طریحی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۰۵)، خروج از مکان (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۹۱) و صدای مخفی (جوهری، ۱۹۹۰، ص ۷۴). در کتب کلامی از مباحث نبوت در دو بخش عمده؛ نبوت خاصه و نبوت عامه بحث می‌شود. منظور از نبوت عامه مجموعه مباحث درباره اصل نبوت همچون ضرورت بعثت انبیاء، عصمت و معجزه است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲) و مراد از نبوت خاصه هم مسایلی است که درباره نبوت یک فرد خاص مطرح می‌شود؛ از جمله دلایل پیامبری یک شخص خاص و معجزات او (مطهری، ۱۳۶۸) که در سوره طه مباحث مربوط به حضرت موسی علیه السلام آمده است.

در آیه ی ﴿إِذْ رَأَوْنَاهُ فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى﴾ (طه: ۱۰)؛ آن دم که آتشی دید، و به اهل خود گفت: بمانید که من آتش می بینم شاید شعله ای از آن برایتان بیاورم یا به وسیله آتش راه را پیدا کنم پیرامون آن کسی را بینم که راه را وارد است، مبنای کلام خداوند آن است که حضرت موسی علیه السلام به عنوان کسی که قرار است پیامبر شود، هدایت کننده برای دیگران است. ذکر آتش و امید موسی علیه السلام به راهنمایی گرفتن از آن، با توجه به رسم بادیه نشینان که از آتش برای راهنمایی گم شدگان در شب های بیابان استفاده می کردند، مؤید همین امر است. در تفسیر المیزان آمده است:

«مکث به معنای (لبث) است و (آنست) از ایناس، به معنای دیدن و یا یافتن چیزی است که در اصل از انس گرفته شده که ضد نفرت است و به همین جهت در معنای ایناس گفته اند: دیدن چیزی است که با آن انس بگیرند که

قهرأ دیدن چنین چیزی دیدنی است قوی. و کلمه (قبس) - با دو فتحه - به معنای شعله است که به وسیله نوک چوب یا مانند آن، از آتشی دیگر گرفته شود و کلمه (هدی) مصدر به معنای اسم فاعل است و یا مضاف الیه است برای مضاف حذف شده و تقدیرش (ذاهدایه) بوده و در هر حال، مراد کسی است که هدایت به وجود او قائم باشد» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۳۷).

علامه طباطبایی معتقد است که منظور آیه، هدایت‌گری و راهنما بودن موسی علیه السلام است که این دلالت می‌تواند دلالت عام نسبت به همه پیامبران باشد. در واقع هدایت‌گری به گونه‌ای غیر مستقیم در آیه به موسی علیه السلام نسبت داده شده است. نوع روایت و ساختار روایی آیه نیز این مفهوم را به ذهن متبادر می‌کند. در تفسیر فی ظلال نیز با توجه خاص به این موضوع اشاره شده است:

«پس بیابان‌نشینان طبق آداب و رسوم که دارند، بر بلندی‌های زمین آتش می‌افروزند تا مسافریابانی آن را از دور ببینند و در بیابان سرگشته نشود و آتش راهنمای او در مسیر راه باشد یا بیاید از پذیرایی و مهمانی بهره‌مند شود و کسی را بیابد که راه را بدو نشان دهد» (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳).

در واقع سید قطب تصریح می‌کند که هدف موسی علیه السلام از تمام این قضایا آن است که راهنما و هدایت‌گراهل خانواده و همراهان خود در آن شب تاریک باشد که راه را گم کرده‌اند.

۸-۱. برگزیدگی حضرت موسی علیه السلام به رسالت

آیات ۱۱ و ۱۲ سوره طه، در حقیقت آغاز نزول وحی از سوی خداوند به حضرت موسی علیه السلام است. «فَلَمَّا آتَاهَا نُودَىٰ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ. فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه: ۱۱-۱۲)؛ و چون به آتش رسید ندا داده شد که ای موسی! من خود پروردگار توام کفش‌های خود را بیرون آر که تو در سرزمین مقدس طوی هستی. خداوند به واسطه آتشی که برافروخته شده بود، حضرت موسی علیه السلام را مورد خطاب قرار می‌دهد و خود را خدای او معرفی می‌کند. سپس مقدس بودن سرزمین طوی در طور را به او با امر به درآوردن کفش از پاهایش، یادآوری می‌کند. موضوعی که در آیات فوق اهمیت دارد، نخست نوع معرفی خداوند است که در آن اشاره به

یگانگی و توحید خود کرده و دوم مقدس بودن منطقه طوی از سرزمین طور بواسطه نزول وحی در آن است. علاوه بر این قید بدون شک قبل از ذکر وحدانیت و یگانگی خداوند نوعی تصریح و تأکید را به ذهن متذکر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۳۸).

ذکر مطلب با همین فعل مجهول منبع و منشأ، جهت و رویکرد و شکل و چگونگی ندا را مشخص نمی‌کند و نمی‌توان گفت موسی علیه السلام چگونه وحی را شنیده و دریافت کرده است. موسی علیه السلام به شکلی نامعلوم ندا داده شد و به شکلی نامعلوم دریافت داشته است. این وحی الهی است که به وقوع آن ایمان داریم و از چگونگی آن نمی‌پرسیم؛ زیرا چگونگی آن در فراسوی اسباب و ابزار درک و فهم انسان قرار دارد (قطب، ۱۴۲۵).

آیه ی «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ» (طه: ۱۳)؛ من تو را برگزیده‌ام به آن چه بر تو وحی می‌شود گوش فرا دار، نیز دلالت دیگری بر مبعوث شدن موسی علیه السلام به مقام نبوت دارد. خداوند در آیه به تصریح این بعثت را اعلام می‌کند. علاوه بر این در بخش دوم و پایانی آیه نیز نکته مهمی وجود دارد و آن اشاره خداوند به این است که آن چه که الان بر تو ابلاغ می‌شود، چیزی جز وحی و کلام خداوند نیست، از این رو با دقت و با تمام وجود به این کلام مقدس گوش بسپار و توجه کن. این تصریح در حقیقت برای این است تا تمام وجود موسی علیه السلام در اختیار قدرت و جبروت و حیانی حضرت حق قرار بگیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۳۹). سید قطب اعتقاد به وحدانیت خداوند، توجه به عبادت و ایمان به قیامت را پایه‌های بنیادین رسالت می‌داند (قطب، ۱۴۲۵، ص ۲۳۳۱).

۹-۱. تَکَلَّمَ خدا با حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام در میان پیامبران به «کلیم الله» ملقب است و سخن گفتن خداوند با پیامبران از اقسام «وحی» است. وحی و ماهیت آن در میان متفکران اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و همیشه این سخن در میان بوده که منشأ و ریشه اصلی سخنان و کلماتی که بر زبان پیامبر به عنوان وحی جاری می‌شود از کجاست؟ آیا پیامبر دخل و تصرفی هم در آن چه از طرف خدا به او می‌رسیده، انجام می‌داده یا این که عین سخن خدا را منتقل می‌کرده است؟ با توجه به این که حضرت حق از هرگونه تجسم و اوصاف نقصانی مخلوقات مبرا است، سخن گفتن

او چگونه قابل تصور است؟ خداوند متعال در ندا دادن موسی علیه السلام، این یگانگی الوهیت را با اثبات مؤکد مؤید می‌سازد: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا» (طه: ۱۴). اولی اثبات الوهیت برای خدا و دومی نفی الوهیت از هرکس و هرچیز جز خدا است؛ یعنی عبادت مترتب بر الوهیت است. درباره‌ی قیامت، یزدان سبحان می‌فرماید: «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ» (طه: ۱۵)؛ رستاخیز به‌طور قطع خواهد آمد. این مرحله نخستین ندای آسمانی است که همه جنبه‌ها و گوشه‌های هستی با آن هم‌آوا می‌شود و یزدان سبحان، اصول و ارکان توحید را به بنده برگزیده خود می‌رساند. قطعاً موسی علیه السلام باید خود و آن چه را که برای آن آمده است را فراموش کرده باشد تا آن صدای آسمانی را بپاید و بدان گوش جان بسپارد. در آن حال و احوال ناگهان پرسشی از او می‌شود، پرسشی که نیازی به پاسخی ندارد: «وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى» (طه: ۱۷)؛ ای موسی! در دست راست تو چیست؟ (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳۲)

گفتگو میان خداوند و حضرت موسی علیه السلام ادامه پیدا می‌کند و خداوند متعال معجزاتی را به موسی علیه السلام عنایت می‌فرماید و بعد از تمهید این مقدمات، خداوند موسی علیه السلام را مأمور به هدایت فرعون می‌کند: «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (طه: ۲۴)؛ خطاب شد ای موسی با این دو معجزه روشن برو به طرف فرعون که او طغیان در کفر و شرک و ظلم کرده است و او را دعوت به سوی خدای یگانه کن و بگو من آن هستم که تومی شناسی و اینک برای نجات بنی اسرائیل به مصر آمده‌ام تا آن‌ها را به سوی کنعان ببرم. موسی از وادی ایمن سرازیر شد و در اندیشه انجام وظیفه بود که عرض کرد: «رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ» (قصص: ۳۳)؛ پروردگارا من از آن‌ها یک نفر را کشته‌ام، بیم آن دارم که مرا به قصاص آن بکشند خطاب آمد، ای موسی، بیم به خود راه مده خون خواهان قانون مقتول همه در گذشته‌اند، اکنون کسی زنده نیست که از تو طلب خونی کند. حضرت موسی علیه السلام بعد از اطمینان از این فرموده‌ی خداوند با توجه به سختی کاری که به عهده‌اش قرار داده شده بود، درخواست‌هایی را بیان کرد: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي. وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي. وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي. يَفْقَهُوا قَوْلِي. وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي. هَارُونَ أَخِي. اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي» (طه: ۳۱-۲۵)؛ پروردگارا، سینه مرا موسع گردان و شرح صدری عنایت کن تا بتواند مخزن اسرار تو باشد و کار مرا در این وظیفه آسان کن تا در مشکلات و حوادث نیفتم، گرفتگی و عقده زبان مرا بگشا تا مقالات و سخنان مرا مردم خوب بفهمند و

بگروند و برادریم هارون را که از خاندان من و در عقیده اهل بیت با من دارد، وزیر من قرار ده و پشت مرا به او قوت بخش تا به فصاحت او بتوانم رسالت را خوب تبلیغ کنم. خطاب شد: ﴿قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى﴾ (طه: ۳۶)؛ آنچه خواستی به تو ارزانی داشتیم. به این صورت رسالت اصلی حضرت موسی علیه السلام بعد از آن شروع شد.

باید توجه کرد که معنی آیات گفته شده این نیست که خدا با حضرت موسی علیه السلام با چشم و گوش ظاهری سخن گفته، بلکه جلب توجه موسی علیه السلام به تجلی نور مجرد حق بود که ایشان هم با همه نیروی روانی عشق بیهوش افتاد و خداوند خلق صوت و نور کرد تا قدرت خود را به موسی علیه السلام و پیروانش بیاموزد، نه آن که درخت سخن گفته باشد (حسینی اصفهانی، ۱۳۶۰، ص ۵۳۴). پس وحی در پس حجاب و یا به وسیله تکلیم اشیا منافات ندارد با این که وحی هم مانند سایر افعال خدا بدون واسطه نیست. در واقع امر دایر مدار توجه مخاطبی است که کلام را تلقی می کند، اگر مخاطب متوجه آن واسطه ای که حامل کلام خدا است بشود و آن واسطه میان او و خدا حاجب باشد، در این صورت آن کلام همان رسالتی است که مثلاً فرشته ای می آورد و وحی آن فرشته است (دیگر به چنین چیزی گفته نمی شود فلانی با خدا یا خدا با فلانی تکلم کرد)، اما اگر مخاطب متوجه خود خدای تعالی باشد، وحی مستقیم خواهد بود (در این صورت صحیح است گفته شود خدا با فلانی سخن گفت) هر چند که در واقع حامل کلام خدا فرشته ای باشد، ولی چون وی متوجه واسطه نشده، وحی مستقیم است؛ شاهد این معنا آیه ای است که خطاب به موسی علیه السلام می فرماید: ﴿فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى﴾ (طه: ۱۳)؛ گوش کن به آن چه وحی می شود، که عین ندا از جانب طور را وحی هم خوانده و در موارد دیگر کلامش اثبات حجاب هم نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۳۸).

۱-۱۰. اهمیت و جایگاه معاد

«معاد» از ماده «عود» به معنی برگشتن است (راغب اصفهانی: ذیل ماده عود). مسأله معاد، ابتدایش مرگ و سپس قبر وبرزخ و قیامت کبری و پایش بهشت یا جهنم است که با حواس ظاهری درک نمی شود، هر چند اصل معاد با دلایل عقلی قابل اثبات است، اما محال است کسی به تنهایی با خبر شود پس از مرگ چه اتفاقاتی رخ می دهد. شناخت این امر غیر از وحی

راه دیگری ندارد؛ زیرا هرکس در هر عالم و مقامی است، ادراکش از حدود آن عالم تجاوز نخواهد کرد (دستغیب، ۱۳۹۵، ص ۸).

در آیه ۵۵ سوره طه آمده است: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾؛ ما شما را از زمین آفریدیم و بدان بازتان می گردانیم و بار دیگر از آن بیرونتان می کشیم. در قرآن کریم، بارها به موضوع رستاخیز و معاد تأکید شده است. انسان آفریده از زمین است. همگی عناصر وجودی او از زمین نشأت می گیرد. از کشت و زرع آن می خورد، از آب آن می آشامد، از هوا تنفس می کند. همچنین وقتی لاشه ای شد، دوباره به زمین باز می گردد و زمانی که جسم او فرسوده می شود، با خاک زمین مخلوط می شود. یادآوری زمین در اینجا مناسبتی در صحنه ی گفت و گو با فرعون سرکش و خود بزرگ بین دارد که خود تا مقام ربوبیت بالا می کشید؛ در حالی که از زمین بود و به همین زمین بر می گشت (قطب، ۱۴۲۵) علامه بیان می کند که ضمیر در «منها» و آن دوتای دیگر به کلمه «ارض» بر می گردد و آیه ی شریفه ابتدای خلقت آدمی را از زمین و سپس اعاده ی او را در زمین و جزئی از زمین بودن انسان و در آخر بیرون شدنش را برای بازگشت به سوی خدا از زمین می داند. پس در زمین یک دوره کامل از هدایت بشر صورت می گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۳۸).

۱۱-۱. فلسفه قیامت

بر اساس آیه ۱۵ سوره طه: ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِيُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى﴾؛ قیامت آمدنی است، می خواهم آن را پنهان کنم تا هرکس در مقابل کوششی که می کند سزا ببیند، علت اصلی وجود قیامت آن است که انسان ها با توجه به اعمالی که در این دنیا انجام می دهند، در آن دنیا از سوی خداوند پاداش یا کیفر ببینند. عبارت «لِيُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى» یعنی بندگان به میزان سعی و تلاشی که می کنند پاداش و جزا می بینند. سید قطب می گوید: چون آنان نمی دانند که قیامت چه وقت می آید، پیوسته خود را می پایند از گناه برحذرند و آمادگی و بیدارباش همیشگی را خواهند داشت. این هم نصیب کسی می شود که فطرت او سالم مانده باشد و از راه راست منحرف نشده باشد. ولی کسی که فطرت او تباهی گرفته است و به راه هوا و هوس خود افتاده است، قطعاً سقوط می کند و فرو می افتد و فرجام او هلاک و نابودی

است (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳۱). در همین راستا علامه طباطبایی درباره‌ی عبارت «اکاد اخفیها» در آیه مورد بحث می‌آورد:

«ممکن هم هست معنای جمله (نزدیک است پنهانش بدارم) این باشد که نزدیک است از آن خبر ندهم، تا مخلصین از غیر مخلصین جدا شده و شناخته شوند، چون بیشتر مردم خدا را به امید ثواب و ترس از عقاب عبادت می‌کنند، و یا از نافرمانیش خودداری می‌نمایند، در حالی که درست‌ترین عمل آن عملی است که تنها برای رضای خدا انجام شود، نه به طمع بهشت و ترس از جهنم، و با پنهان داشتن روز قیامت این تمیز به خوبی صورت می‌گیرد، و معلوم می‌شود چه کسی خدای را به حقیقت بندگی می‌کند، و چه کسی در پی بازگانی خویش است» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۴۲).

این تعبیر و تفاسیر دلالت بر آن دارد که پنهان بودن زمان وقوع قیامت تماماً و تماماً به جزای خوب و بد اعمال بندگان خدا در این دنیا ارتباط دارد و بدان خاطر است که انسان‌ها در این دنیا فرصت آن را داشته باشند تا بر اساس شاخصی به نام قیامت رفتارهای خود را منزه و مهذب کنند.

۱-۱۲. بهشت پاداش مومنان

درباره‌ی پاداش مومنان در سوره طه آمده است: «وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ» (طه: ۷۵)؛ هرکه مؤمن به پیشگاه او رود و کار شایسته کرده باشد، آنان مرتبت‌های بلند دارند. نتیجه این آیه به عنوان یک آموزه هدایتی آن است که ایمان به همان اندازه که نداشتنش باعث عذاب و شکنجه اخروی خواهد بود، داشتنش نیز موجب پاداش الهی است که کم و کیف آن در عبارات بعدی سوره مشخص می‌شود. در المیزان آمده است که وعده خدا به ایشان همان طور که قبلاً گفته بود- آن است که از مقربان تن می‌کنم و اجر تن می‌دهم: «قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُفْرَبِينَ» (اعراف: ۱۱۳)؛ ایشان هم در پاسخ گفتند: «مَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ». اشاره با کلمه «اولئک» به منظور تعظیم شأن چنین کسانی بوده و منظور از «درجات عالی و بلند»، مقابله با وعده‌ای است که فرعون داده بود که شما را از مقربین قرار می‌دهیم و در جمله «جَنَاتُ

عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ﴿طه: ۷۶﴾ با وعده ای که فرعون به اجر داده بود، مقابله کردند و پاسخ دادند.

خداوند در آیه ۷۶ طه نوع پاداشی را که در آیه قبلی بدان اشاره کرده است را معلوم می‌کند. ﴿جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى﴾؛ بهشت‌های جاوید که در آن جوی‌ها روان است و جاودانه درآیند. این پاداش کسی است که پاک‌خویی کرده باشد. توضیح آیه براین مبناست که بهشت پاداش کسانی است که با اعمال صالح، خود را پاک نگه داشته‌اند. در واقع انسان‌هایی که با ایمان به خدا به تزکیه و تهذیب نفس پرداخته‌اند، شایسته پاداش الهی یعنی بهشت هستند. مناسبت زیبایی که در معرفی بهشت الهی در این آیه مشاهده می‌شود، در واقع نوعی مقابله با فضای شکنجه و تهدید فرعون نسبت به جادوگرانی است که به خدا ایمان آورده‌اند. در مقابل مناسبت ذکر دوزخ و شکنجه‌ای که در آن است برای مقابله با شکنجه و تهدید فرعون بیان شده تا مقایسه‌ای بین رفتار خدای یگانه با رفتار خدای ساختگی و بشری یعنی فرعون در آیه صورت گرفته باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۸۴). سید قطب نیز معتقد است از آن‌جا که فرعون جادوگران مؤمن را به عذاب سخت‌تر تهدید می‌کرد، در این‌جا شکلی از کسی به تصویر آمده است که بزه‌کارانه به پیش‌پروردگارش می‌آید و او دارای عذاب سخت‌تری خواهد بود (قطب، ۱۴۲۵).

۱۳-۱. احوال مجرمان

قوانین و دستورات الهی در قرآن کریم، راه رسیدن انسان‌ها به سعادت دنیوی و اخروی است، اما عوامل گوناگونی در این راه، مانع شده و از سعادت‌مند شدن انسان جلوگیری کرده و ایشان را در گروه مجرمان قرار می‌دهد. خداوند در آیات گوناگون از سرنوشت مجرمان و گنهکاران در روز قیامت خبر می‌دهد: ﴿سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرُمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ﴾ (انعام: ۱۲۴)؛ به زودی کسانی که مرتکب گناه شدند و مردم را از راه حق منحرف ساختند، در مقابل مکرو فریب و نیرنگی که می‌کردند، گرفتار حقارت در پیشگاه خدا و عذاب شدید خواهند شد» و تمامی گناهان و نافرومانی‌های گنهکاران، ثبت و ضبط می‌شود و آن‌ها توانایی انکار و فرار کردن از عواقب و جزای آن‌ها را ندارند.

همچنین خداوند می‌فرماید: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا» (طه: ۱۰۲)؛ روزی که در صور دمیده شود و در آن روز گناهکاران را کور محشور کنی. کلمه «زرق» جمع «أزرق» است که به معنای کبود است و آیه ی «وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمًيًا» (اسراء: ۹۷)؛ و روز قیامت، آن‌ها را بر صورت‌هایشان محشور می‌کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کردند. بنابراین آن روز که قیامت برپا می‌شود مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می‌روند. بدیهی است اگر چیزی که انسان از آن ناامید می‌شود امری ضروری نباشد، نومیدیش مهم نیست، اما غم و اندوه نشان می‌دهد که در این موارد از یک امر ضروری نومید شده است، چرا که نه ایمان و عمل صالحی با خود به عرصه محشر آورده‌اند، نه یار و یاور دارند و نه امکان بازگشت به دنیا و جبران گذشته وجود دارد (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۴۰).

هرگاه به شیپور گردهمایی محشر دمیده شد، گناهکاران با چهره‌های کبودی که گرد غم و اندوه به آن نشسته و سیاه شده است، جمع‌آوری می‌شوند. ایشان از ترس بیمی که در میدان محشر خیمه زده است، آهسته پیچ‌پیچ می‌کنند و از هراس صدای خود را بلند نمی‌کنند (قطب، ۱۴۲۵).

۱-۱۴. تجسم اعمال در قیامت

از قرآن کریم و اخبار و روایات پیشوایان دینی چنین استنباط می‌شود که نه تنها انسان باقی و جاوید است، اعمال و آثار او نیز ضبط و نگه‌داری می‌شود و از بین نمی‌رود. انسان در قیامت تمام اعمال و آثار گذشته خود را مصور و مجسم می‌بیند. اعمال و آثار خوب بسیار زیبا تجسم می‌یابند و به صورت کانون لذت و بهجت در می‌آیند، اما آثار بد انسان بسیار زشت و وحشت‌زا هستند و به صورت درد، رنج و عذاب در می‌آیند. آیات سوره طه اشاره به تجسم اعمال دارند: «مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا. خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا» (طه: ۱۰۱-۱۰۰)؛ و هرکس از آن روی گرداند روز رستاخیز بارگناهی می‌برد، در گناهشان جاودانند و بارشان روز رستاخیز چه بد است. خداوند در آیه اول، گناه را از آن جهت که قائم به گناهکار است، تشبیه به ثقلی کرده که آدمی به دوش خود می‌کشد، آن وقت به طور استعاره همان گناه را وزر و سنگینی نامیده است. در آیه دوم، مراد از «خالد بودنشان در وزر» خلودشان در کیفر آن است. سید قطب در اینجا تفسیر خاصی ارائه نکرده است، ولی علامه معتقد است این آیه از

روشن‌ترین آیات قرآنی است که بر تجسّم اعمال و جاودانه بودن آن‌ها در آخرت دلالت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۲۰۹). بنابراین مجازات آخرت، تجسّم یافته عمل است. نعیم و عذاب آن‌جا همین اعمال نیک و بد است که وقتی پرده کنار رود، تجسّم و تمثّل پیدا می‌کند.

۲. آموزه‌های هدایتی سوره طه در بُعد اخلاقی-تربیتی

برخی از مهمترین آموزه‌های تربیتی-اخلاقی سوره طه که در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن به روشنی آمده است، به شرح ذیل است.

۲-۱. اهداف تربیتی داستان حضرت موسی (ع)

حق سبحانه بعد از بیان آیات انزال قرآن کریم و ذکر صفات کمالیه جهت تکریم و تعظیم نبوّت، پیغمبر (ص) را به تفقه در قصه حضرت موسی (ع) امر کرده است تا در تحمل تکالیف رسالت و صبر بر سختی‌ها و شداید به ایشان متأسی شود. در این سوره آمده است: ﴿وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى﴾ (طه: ۹)؛ و آیا خبر موسی بن عمران به تو آمده است (کاشانی، ۱۳۵۱، ص ۴۴۶). سرگذشت حضرت موسی (ع)، پیامبر بزرگ خدا در بیش از هشتاد آیه از سوره طه بیان می‌شود تا دل‌داری و تسلی خاطری باشد برای پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان که در مکه، سخت از سوی دشمنان در فشار بودند. در تفسیر فی ظلال القرآن به آیه ۹ سوره طه با دقت بیشتری توجه شده است. سیّد قطب با نگاهی ظریف به ماهیت این آیه اشاره می‌کند:

«آن‌گاه خدا سرگذشت موسی (ع) را برای پیغمبر (ص) خود روایت می‌فرماید، به عنوان انسان نمونه‌ای که از میان برگزیدگان مورد رعایت خدا است، برگزیدگانی که برای حمل دعوت او انتخاب می‌گردند. داستان موسی (ع) بیش از همه داستان‌ها در قرآن آمده است و در حلقه‌هایی ذکر شده است که با موضوع سوره‌ای که در آن و در فضا و در سایه روشن آن عرضه می‌شود مناسبت دارد» (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۲۹).

درحقیقت اخبار پیامبران در قرآن و اخبار و سیره موسی (ع) در سوره طه برای توضیح این نکته آمده است که پیامبر اسلام (ص) را مورد ارشاد و راهنمایی قرار دهد. بر همین اساس است که

دانستن و خواندن و تعقیب اخبار پیامبران از اهمیت خاصی برخوردار است. علامه معتقد است استفهام در این آیه برای تقریر است و مقصود از حدیث داستان است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۳۷). همه این موارد دلالت معنایی مهمی دارد بر این موضوع که اخبار پیامبران در قرآن دارای اهمیت ویژه‌ای است.

۲.۲. اهمیت و ضرورت تربیت الهی

از راه‌های تشخیص میزان موفقیت هر مکتب، شخصیت تربیت‌شدگان آن مکتب است. این نقش زمانی برجسته‌تر می‌شود که موقعیت فرهنگی و تربیتی افراد پیش از ظهور آن مکتب در نظر گرفته شود. با مطالعه و شناخت زندگی تربیت‌یافتگان مکتب اسلام می‌توان به جلوه‌هایی از آموزه‌های هدایتی قرآن کریم دست یافت و تجسم آن را در نمونه‌های عملی مشاهده کرد (کوثری، ۱۳۹۶، ص ۳۷۳).

یکی از آموزه‌های قابل توجه در سوره طه، تربیت الهی است: «أَنْ أَفْذِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْذِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوُّهُ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي» (طه: ۳۹)؛ که او را در صندوق بگذار و صندوق را به دریا بیفکن، تا دریا به ساحلش اندازد، و دشمن من و دشمن او بگیرد او را و از جانب خویش محبوبیتی بر تو افکنم تا زیر نظر من تربیت شوی. خداوند تأکید می‌کند که اراده من آن است که موسی علیه السلام تحت تربیت من بزرگ شود. برای پیامبران و انسان‌های خاص که اولیا الله هستند این تربیت، امری ضروری و مهم است. در تفسیری ظلال القرآن این نوع تربیت به نوعی منزلت و مقام تعبیر شده است و حرمت دارد؛ این که انسانی در لحظه‌ای به عنایت خدا دسترسی پیدا کند. پس کسی که تحت نظارت خدا ساخته و پرداخته می‌شود، باید به چه عنایتی رسیده باشد؟! به سبب همین عنایت بود که موسی علیه السلام توانست آن عنصر آسمانی را دریافت کند (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳۵). در واقع خداوند عده‌ای خاص را مورد تربیت الهی خود قرار نمی‌دهد، بلکه هر انسانی که به درک درستی از خداشناسی و انجام رسالت انسانی خود دست یابد، به این مقام و مرتبت دست پیدا می‌کند. حضرت موسی علیه السلام برای انجام رسالت نبوی خود به این تربیت آراسته می‌شود و خدا خود تربیت او را برای مبارزه با فرعون به دست می‌گیرد. علامه طباطبایی نیز معتقد است

که این اراده خداوند است که باید موسی عليه السلام در آغوش مادرش تربیتی الهی و ملکوتی داشته باشد و محتوای در تقدیر گرفته شده آیه را چنین توضیح می دهد: «ما محبت را بر توافکندیم برای اموری چنین و چنان و برای این که فرعون زیر نظر من به تواحسان کند، زیرا من با تو و مراقب حال تو هستم و به خاطر آن مزید عنایت و شفقتی که به تو دارم از تو غافل نمی شوم» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۵۱).

۳-۲. نقش معادباوری در تربیت انسان

خداوند درباره ی نقش معادباوری در تربیت انسان در سوره طه فرموده است: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه: ۵۵)؛ ما شما را از زمین آفریدیم و بدان بازتان می گردانیم و بار دیگر از آن بیرونتان می کشیم. در این آیه تذکر زیبایی به انسان داده می شود که بر خاکی بودن او دلالت دارد. خاک در قرآن کریم، معنا و مفهومی مساوی با تواضع و فروتنی دارد؛ لذا در آیه اشاره به آن دارد که انسان نباید مانند فرعون تکبر بورزد. تفسیر فی ظلال القرآن در این باره بیان می کند:

«انسان آفریده ای از ماده همین زمین است. همگی عناصر بدن انسان به طور خلاصه از عناصر زمین است. از کشت و زرع آن می خورد. از آب آن می آشامد. از هوای آن می مکد و تنفس می کند. انسان فرزند زمین و زمین گهواره اوست. انسان وقتی که لاشه ای شد دوباره به زمین برمی گردد و زمین او را در خود می پیچد. و زمانی که استخوان های پوسیده و فرسوده ای می شود با خاک زمین مخلوط می شود، و بعدها گازی می شود و آمیزه هوای آن می شود. از همین زمین دوباره به زندگی برگردانده می شود، بدانگونه که قبلاً در پیدایش نخستین از زمین ساخته و پرداخته و زنده شده است و حیات به پیکره او دمیده است» (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳۹).

در واقع سید قطب معتقد است که روحیه و رفتار انسان باید مانند خاک همراه با خاکساری باشد، در غیر این صورت نمی تواند به منزلت های بلند معنوی دست یابد. در تفسیر المیزان، توجه به این موضوع از سیاقی دیگر است. علامه معتقد است: «آیه شریفه ابتدای خلقت آدمی

را از زمین و سپس اعاده او را در زمین و جزیی از زمین و در آخر بیرون شدنش را برای بازگشت به سوی خدا از زمین می‌داند، پس در زمین یک دوره کامل از هدایت بشر صورت می‌گیرد» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۷۲).

علامه با اعتقاد به این که از نظر قرآن کریم، زمین یک دوره کامل از هدایت بشر را در خود دارد، تأکید بر این نکته دارد که توجه انسان به همین زنجیره می‌تواند در رشد روحیه او به سوی کمال تأثیری عمیق برجای بگذارد.

۴-۲. آیات انذار و تربیت انسان

انسان فطرتاً دارای باورهایی است، ولی چون از آن‌ها غافل می‌شود، نیاز به تذکر دارد. هدف اصلی سوره طه تذکر و یادآوری از راه انذار است و آیات انذار آن بر آیات تبشیرش غلبه دارد. سوره طه داستان‌هایی را ذکر می‌کند که به هلاکت تکذیب‌کنندگان آیات خدا اشاره دارد و حجت‌های روشنی را متضمن است که عقل هر کس را ملزم به اعتراف به توحید خدای تعالی و اجابت دعوت حق می‌کند. همچنین به یادآوری آینده انسان از احوال قیامت و مواقف آن و حال نکبت بار مجرمین و خسران ظالمین منتهی می‌شود. می‌توان گفت روح مطالب سوره طه در آیه «إِلَّا تَذَكَّرُ لِمَنْ يَخْشَى» (طه: ۳) متجلی است و غرض سوره، تذکر و بیداری از راه انذار و یادآوری حقائق است (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۶).

سید قطب معتقد است کسی که می‌ترسد، پند می‌گیرد و وقتی که تذکر داده می‌شود، از خشم و عذاب خدا بر حذر می‌شود. وقتی هم که ترسید و بر حذر شد از خدا طلب آمرزش می‌کند (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۲۷). علامه طباطبائی، پند و اندرز موجود در آیه را به معنای ایجاد ذکر (یادآوری) در شخصی می‌داند که چیزی را فراموش کرده است و اگر در قرآن این حقایق فراموش شده خاطرنشان می‌شود برای یادآوری نفس اوست تا بعد از فراموشی دوباره به یادش آید. مفسر المیزان پند گرفتن انسان از قرآن کریم را یادآوری غرائز الهی فراموش شده‌ای می‌داند که آیات الهی می‌تواند دوباره آن‌ها را در ذهن و زبان او تثبیت کند. از این رو نسیان در حقیقت، نسیان نیست، بلکه اعراض و روی گردانی است؛ و گرنه کسی ندای وجدان را فراموش نمی‌کند و اگر نام فراموشی بر آن اطلاق شده، به نوعی عنایت است و بی‌اعتنایی با فراموشی

فرقی ندارد. از این رو علامه طباطبایی معتقد است که قرآن از آن نظر پند و اندرز است که عاملی می‌شود تا انسان آن ذات فراموش شده الهی خود را دوباره باز یابد. در عبارت «لَمَنْ يَخْشَى» در آیه بالا، می‌توان به مصدر خشیت پی برد. قبل از توضیح درباره خشیت الهی، رابطه‌ای میان ترس و خشیت وجود دارد که دانستن آن مهم به نظر می‌رسد. مراد از این قید، کسی است که طبعاً نگرانی و ترس دارد؛ یعنی قلبش مستعد ظهور خشیت باشد، به طوری که اگر کلمه حق را شنید نگران شود و چون تذکر قرآن به او برسد در باطنش خشیتی پدید آید و در نتیجه ایمان آورد و با تقوی شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۲۰). با این اشاره باید دریافت که رابطه‌ای ظریف میان تذکر، پند و اندرز با خشیت وجود دارد. از این رو خشیت را باید بالاتراز مفهوم عادی و معمولی ترس قلمداد کرد. ترس امری غریزی است، ولی خشیت ترسی است که در ذات و نهاد خداجوی انسان وجود دارد و با آگاهی و اطلاع همراه است؛ به همین علت با تلنگری قرآنی همین ترس و خشیت الهی، زمینه‌ساز اندرز گرفتن و پند پذیرفتن می‌شود و انسان را به سوی رستگاری رهنمون می‌شود. از این رو باید رابطه بین ترس و خشیت را در این آیه درک کرد و بعد مفهوم زیبای خشیت الهی و نتیجه آن، یعنی پندگرفتن از آیات خدا را فهمید. خشیت الهی در انسان مؤمن، در واقع ذهنیت مستعد و مهیای او برای به یاد آوردن خویشتن گمشده خود در برابر انواع هواهای نفسانی است که انسان در چرخه نهاد و هستی خود، به ناچار با آن‌ها درگیر و عجین است. صرف ترس در بسیاری موارد برای فراموشی این غرایز کافی نیست، ولی خشیت الهی در انسان مؤمن انرژی لازم را دارد که او را در جایگاه حقیقی خود بنشانند. بنابراین قرآن کریم برای تمامی مردمان تذکره و پند است؛ آن‌کس که از خدا می‌ترسد از آیات قرآنی بهره‌مند می‌شود و کسی که قلبش تیره شده، نمی‌تواند از آن بهره‌مند شود و در تاریکی و ضلالت باقی می‌ماند و در آخرت عذاب دردناکی در انتظار اوست.

۵-۲. ایمان حقیقی سبب آمرزش گناهان

در سوره طه ایمان حقیقی و توبه سبب آمرزش گناهان و کسب رضایت الهی معرفی شده است: «إِنَّا أَمْنَا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَنبَىٰ» (طه: ۷۳)؛ ما به پروردگارمان ایمان آورده‌ایم که گناهانمان را با این جادوگری که با زور بدان وادارمان کردی

بیامرزد که خدا بهترو پاینده تراست. این آیه بیانگر این نکته است که ایمان حقیقی باعث آمرزش و بخشایش گناهان انسان می شود؛ به همین دلیل است که جادوگرانی که ایمان آورده اند در خطابی عتاب گرانه به فرعون می گویند ما به خدای خود ایمان آوردیم تا گناهان ما را مورد بخشایش قرار دهد. به دنبال این خطاب از گناه جادوگری خود یاد می کنند که آن را مربوط به زور و قدرت تحمیلی فرعون دانسته و امید دارند خداوند آنان را مورد غفران و آمرزش قرار دهد. در تفسیر المیزان آمده است:

«کلمه (خطایا) جمع خطیئه است که قریب المعنا با کلمه سیئه است، و جمله (ما اکرهتنا علیه) عطف است بر (خطایانا)، و کلمه (من السحر) بیان آن است و معنایش این است که ما به پروردگارمان ایمان آوردیم، تا خطاهای ما را و آن سحری که تو ما را بر آن مجبور کردی بیامرزد، و این خود دلیل برای این است که فرعون ایشان را بر به کار بردن آن سحرها مجبور کرده بود، حال یا موقعی که از شهر و ده خود احضار شده اند به جبر بوده و یا در موقعی که در بین خود نزاع نموده و محرمانه گفتگو می کرده اند مجبور به مقابله و مسابقه با موسی علیه السلام شده اند. اول آیه تعلیل جمله (لن نؤثرک...) است، یعنی اگر ما خدای را که خالق ما است برتو اختیار کردیم و به او ایمان آوردیم برای این بود که خطاهای ما و آن سحری که تو ما را بر آوردن آن مجبور کردی بیامرزد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۸۲).

در حقیقت، ایمان به خدا می تواند انسان را به سوی توبه و رستگاری سوق دهد و زمینه لازم برای پاک شدن گناهان و معاصی را فراهم کند. در آیه ای دیگر در این سوره آمده است: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّسَن تَابٍ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (طه: ۸۲)؛ و من آمرزگار آن کسانم که توبه آورده و کار شایسته کرده و بر هدایت استوار بوده اند. از مهم ترین آموزه های هدایتی این سوره موضوع توبه است. خداوند خطاب به قوم موسی می گوید: سه مورد از رفتارهای شما در نزد من بی تردید موجب غفران برای شما خواهد شد؛ اول این که توبه کنید از آن چه که بودید و رفتار نامناسبی که داشتید، دوم عمل صالح انجام دهید که دلالت بر توبه حقیقی شما باشد و در نهایت در راه هدایت و صراط مستقیم باشید. به همین خاطر است که در تفسیر فی ظلال

توضیح داده می‌شود:

«توبه و برگشت تنها واژه‌ای نیست که گفته شود، بلکه توبه و برگشت تصمیمی است در دل و مدلول و مفهوم آن با ایمان و عمل صالح تحقق پیدا می‌کند و اثر آن در رفتار عملی در جهان واقع جلوه‌گر می‌شود. هرگاه توبه و برگشت وقوع پیدا کرد و ایمان صحیح و درست شد و عمل آن را تصدیق کرد، در این جا است که انسان در پرتو هدایت ایمان و با ضمانت عمل صالح، راه را در پیش می‌گیرد چه راهیابی در این جا ثمره و نتیجه تلاش و کار است» (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۴۶).

درالمیزان هم اشاره‌ای تلویحی به این امر شده است که دارای اهمّیت است:

«اغلب مواردی که در کام خدای تعالی ذکر توبه و ایمان هر دو شده، همین معنا مراد است، و بنابراین، مراد از جمله (و عمل صالحاً) اطاعت احکام خدای تعالی باشد به این که از اوامرش مؤتمرو از نواهیش منتهی گردد، و معنای آیه چنین می‌شود: (هرکسی از شرک توبه کند و به خدا ایمان آورد، و آن چه را که خدا تکلیفش کرده است انجام دهد، من برای گناهانش بسیار آمرزنده‌ام، لغزش‌هایش را یکی پس از دیگری می‌آمرزم)، و بدیهی است که وقتی موارد لغزش او و آمرزش خدا بسیار شد او بسیار آمرزنده خواهد بود» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۸۹).

۲-۶. فلسفه تأخیر عذاب دنیوی

خداوند انسان‌های صالح را دوست دارد، از این رو اگر خلافتی کنند، فوراً آنان را با عذاب خود می‌گیرد تا متذکر شوند: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ» (حاقه: ۴۴)؛ اگر پیامبر سخنی را که ما نگفته‌ایم به ما نسبت دهد با قدرت او را به قهر خود می‌گیریم. همچنین اگر مؤمنین خلافتی کنند، چند روزی نمی‌گذرد مگر آن که گوشمالی می‌شوند، اما اگر کافران و ناهلان خلاف کنند، آن‌ها که کافر شدند (و راه طغیان پیش گرفتند) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنها مهلت می‌دهیم فقط برای این که برگناهان

خود بیفزایند و برای آن‌ها، عذاب خوارکننده است! (آل عمران: ۱۷۸)

در سوره طه نیز بیان شده است: «وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى» (طه: ۱۲۷). کلمه «اسراف» به معنای تجاوز از حد آمده است و ظاهراً «واو» در «وَكَذَلِكَ» برای استیناف و از سرگرفتن سخن است، نه عطف به ما قبل و اشاره «کذلک» به گذشته است که خداوند کسانی را که از ذکر خدا اعراض کرده و آیات او را فراموش کردند، مؤاخذه می‌کرد؛ چون عمل آنان نیز یکی از مصادیق تجاوز از حد، یعنی تجاوز از حد عبودیت و کفر به آیات پروردگار است که کیفرش، کیفر همان کسی است که آیات پروردگار خود را فراموش کند و عمداً از یاد او اعراض نماید. خداوند عذاب آخرت را از عذاب دنیا شدیدتر و دائمی‌تر معرفی می‌کند؛ چراکه عذاب آخرت محیط به باطن آدمی است، همان‌طور که محیط به ظاهر او است و همچنین عذاب آن دائمی است. غافل بودن از یاد خدا و رویگردان شدن از هدایت الهی منجر به سخت‌ترین عذاب الهی خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۲۶).

خداوند در آیات یادشده از وعده و وعید خود نسبت به انسان‌ها سخن می‌گوید، همان وعده‌ای که به انسان‌های گذشته داده بود و آن‌ها با انتخاب راه نادرست به انواع بلاها گرفتار شده بودند. در این آیه روی سخن با کسانی است که با وجود هدایت الهی، راه تغافل و روی‌گردانی را در پیش گرفتند و به عذابی سخت و دائمی گرفتار شدند. کسی که از یاد خدا غافل و رویگردان شده است، قطعاً اسراف کرده است. کسی که هدایت خدا را نادیده گرفته، اسراف کرده است. اسراف در این‌که چشمش را برای دیدن آیات استفاده نکرده است. این چنین فردی زندگی دشوار و سختی را پیش رو دارد و روز قیامت کور محسور می‌شود (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۵۶). بنابراین خداوند با هر کس متناسب با شَقَافِیت یا تیرگی روحش رفتار می‌کند و کیفر او را به تأخیر می‌اندازد؛ مانند این‌که اگر لکه‌ای روی شیشه عینک شما بریزد، فوراً آن را پاک می‌کنید، اما اگر روی لباس شما بیفتد، صبر می‌کنید تا به منزل بروید و لباس خود را عوض کنید.

۲-۷. مدارای الهی با دشمنان

یکی از زیباترین تجلی اخلاق الهی در برخورد با دشمنان کافر و مشرک را می‌توان در این آیه

مشاهده کرد: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّئِنَّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴)؛ و با او به نرمی سخن بگوئید، شاید اندرز گیرد یا بترسد. در این آیه خداوند به حضرت موسی علیه السلام و هارون دستور می دهد به نزد فرعون بروید و تأکید می کند که با او به نرمی و همراه با مدارا سخن بگوئید تا شاید اندرز بپذیرد یا بترسد. دو مضمون اخلاقی در این آیه موجود است که می تواند تأکید خداوند بر رفتار متساهلانه نسبت به دشمنان را نشان دهد. نخست امر الهی مبنی بر سخن گفتن به نرمی و دوم نتیجه حاصل از این رفتار نرم که پندگرفتن احتمالی فرعون است. در تفسیر المیزان آمده است که مراد از عبارت «وَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّئِنَّا» این است که در گفتگوی با فرعون از تندى و خشونت خودداری کنند که همین خویشتن داری از واجب ترین آداب دعوت است و در جمله «لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» تذکرو یا خشیت فرعون آرزو شده و این امید، قائم به مقام محاوره است نه به خدای تعالی که عالم به همه حوادث است که پیش خواهد آمد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۵۵). سید قطب نیز در تأکید و تبیین این آیه بیان می کند که سخن نرم و گفتار آرام، عزت بزهکارانه و غرور گناه را برنمی انگیزد و طرف را به انجام گناه بیشتر نمی کشاند و نخوت و کبربای دروغین را به هیجان و تکان نمی اندازد که طاغیان با آن زندگی را به سر می برند. آرام سخن گفتن، دل را بیدار می کند. دل هم که بیدار شد خدا را به یاد می آورد و از فرجام طغیان می ترسد (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳۶).

۸-۲. عدم خوف در برابر غیر خدا

در آیه ی «قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى» (طه: ۴۶)، خداوند فرموده است نترسید که من با شما هستم، می شنوم و می بینم. خداوند پس از شنیدن حرف های موسی علیه السلام که دلالت بر ترس و هراس او از نوع برخورد فرعون دارد، با خطابی آمرانه به موسی علیه السلام می گوید: از فرعون نترسید؛ چرا که من به عنوان خداوند یکتا و مقتدر، همراه و پشتوانه شما هستم. خداوند در بخش پایانی آیه یادآور می شود که من حرف های او را می شنوم (سمیع) و اعمال فرعون را نیز می بینم؛ در نتیجه شما را از هرگونه گزند او از جمله کشتن و آزار در امان می دارم. تأکید آیه بر این است که در مقابل طاغیان نباید انفعال داشت و ترسید. قاعده کلی قرآن آن است که هیچکس نباید از کسی غیر از خداوند یگانه بترسد و فقط باید در مقابل خداوند ترس و خشیت

داشت. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه توضیحی زیبا دارد. او مبنای این آیه را تأمین و تعلیل تبیین می‌کند و می‌گوید:

«یعنی از فرط و طغیان فرعون نترسید که من با شما حاضرم و آن چه بگویم می‌شنوم و آنچه عمل کند می‌بینم و شما را یاری می‌کنم و تنهاتان نمی‌گذارم و در حقیقت این آیه تأمینی است که با وعده نصرت به آن دو می‌دهد، پس این که فرمود: ﴿لَا تَخَافُ﴾ تأمین است و این که فرمود: ﴿اِنِّی مَعَکُمَا اِسمع واری﴾ تعلیل آن تأمین است به این که با حضور و دیدن و شنیدن من دیگر جایی برای ترس شما نیست و این خود دلیل بر این است که جمله مذکور کنایه است از مراقبت و نصرت و گرنه صرف حاضر بودن و دیدن و شنیدن و صرف آگاهی داشتن به آن چه که رخ می‌دهد باعث نترسیدن موسی و هارون نمی‌شود، چون خدای تعالی همه چیز را می‌بیند و می‌شنود و از هر چیزی آگاهی دارد» (طباطبایی: ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۵۶).

در تفسیر فی ظلال بیان شده که خدایی با ایشان است که یزدان جهان، مقتدر و بزرگوار است. او بر بندگان خود چیره و آفریننده جهان، حیات، افراد و اشیاء است. این اعتقاد بر اطمینان و یقین ایشان می‌افزاید و با احساس یاری و مددکاری دل ایشان را آرام می‌کند (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳۷).

۹-۲. آزمون و فتنه امت در زمان غیبت رهبر

در نوع لحن و خطابی که در آیه ی ۸۳ سوره ی طور وجود دارد، می‌توان فهمید که خداوند حضرت موسی علیه السلام که قوم خود را تنها گذاشته و در رسیدن به میعادگاه (سمت راست کوه طور) عجله کرده است را مورد بازخواست قرار می‌دهد و از او علت این تعجیل را جویا می‌شود. این بدان معنی است که خداوند متوجه رفتار همه بندگان خود هست و نسبت به خطای پیامبران خود هم چشم پوشی نمی‌کند. ﴿وَمَا أَغْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى﴾ (طه: ۸۳)؛ ای موسی! برای چه با شتاب از قوم خود جلو افتادی؟ سید قطب در تفسیر آیه بیان می‌کند که موسی علیه السلام به طور ناگهانی مورد خطاب قرار می‌گیرد. ایشان برای رفتن به میعادگاه پروردگارش شتاب داشت

و پس از چهل شبانه‌روز با عجله می‌خواست خود را به میعادگاه برساند تا پروردگارش را ملاقات کند و از او رهنمودی را دریافت دارد که بر آن زندگی نوین بنی اسرائیل را پابرجا و استوار سازد. موسی علیه السلام، بنی اسرائیل را از خواری و بندگی رهانیده بود تا از ایشان ملتی صاحب رسالت و دارای تکالیف و وظائف بسازد (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۴۶).

باید توجه داشت وقتی پیامبران خدا مورد توجه و بازخواست خداوند قرار می‌گیرند، طبیعی است که دیگر بندگان باید دو چندان در مراقبت از رفتارهای خود دقت داشته باشند. صاحب المیزان نیز معتقد است که ظاهر سیاق می‌رساند که پرسش خدای تعالی، پرسش از علت جلو افتادن موسی از بنی اسرائیل در رفتن به طور است. گویا جا داشت موسی علیه السلام بایستد تا قوم خود را همراه ببرد؛ یعنی با هم بروند؛ چرا او عجله کرد و جلو افتاد؟ در پاسخ عرضه داشت: قوم من به دنبال من می‌آیند و به زودی به من ملحق می‌شوند و من برای رضای تو (خداوند) عجله کردم؛ یعنی علت عجله ام تحصیل رضای تو بود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۹۰).

۱۰-۲. عبرت‌گیری از سرگذشت پیشینیان

خداوند متعال در آیات زیادی احوال گذشتگان را بیان می‌کند و می‌فرماید که ما این چنین بر شما از اخبار گذشتگان و پیشینیان شرح می‌دهیم و متذکر می‌شویم. در قرآن کریم راه‌های سعادت و نجات در گرو عمل به احکام الهی بیان شده است؛ هر که آن‌ها را بپذیرد، سعادت و نجات یابد و هر که از آیات او که دال بر توحید و عدل است، اعراض کند و روی بگرداند، روز قیامت بار گران آن گناه را برمی‌دارد و در عقوبت آن جاوید باشد (جرجانی، ۱۳۷۸ق، ص ۹۱). در سوره طه نیز آمده است: «كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا» (طه: ۹۹)؛ این چنین اخبار مربوط به حوادث گذشته را برای تو بازگویی کنیم و به تواز نزد خود ذکر می‌کنیم (کتابی) هم داده ایم. در تفسیر المیزان بیان شده است که ظاهراً اشاره «كذلك» به خصوصیت داستان موسی علیه السلام است و مراد از «ما قد سبق»، حوادث و اموری است که در امت‌های گذشته رخ داده است و مقصود از ذکر جمله «وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا»، قرآن کریم و یا معارف متنوعی است که خدای عزوجل در قرآن کریم در خلال داستان‌ها و عبرت‌ها از حقایق، اخلاقیات، شرایع و ... بیان کرده است (رک. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴). در تفسیر فی

ظلال هم به این نکته اشاره شده است که قرآن یادآور ذکر خدا، نشانه‌های شناخت او و معجزه‌های خداوند سبحان است و نشانه‌های عظمت خداوند و معجزه‌های قرون پیشین را بازگو می‌کند (قطب، ۱۴۲۵ق).

نتیجه‌گیری

مطالعه در گستره معارف قرآن کریم و شیوه‌های گوناگون استدلالی آن، انسان را در رسیدن به سعادت حقیقی رهنمون می‌کند. با توجه به گستردگی حجمه‌های فرهنگی دشمن، اهمیت مسائل هدایتی و تربیتی سوره‌های قرآن کریم و نیاز نسل جوان به آشنایی با مسائل هدایتی و تربیتی آیات نورانی قرآن غیرقابل انکار است. یکی از تحولات بسیار مهم قرآن پژوهی در دوران معاصر، پیدایش گرایش تفسیر اجتماعی است و مفسر اجتماعی کسی است که در تلاش برای تطبیق نص قرآن کریم با اوضاع و احوال و نیازهای عصر جدید باشد. در این میان تفسیر *المیزان* یکی از شاخص‌ترین تفاسیر تربیتی از آغاز پیدایش گرایش تفسیر اجتماعی است. در این تفسیر، واکاوی آموزه‌های هدایتی و تربیتی آیات قرآن با روش تفسیر قرآن به قرآن مهم‌ترین راهبراستخراج رهنمودها و راهبردهای هدایتی قرآن در مسایل اعتقادی، اخلاقی و تربیتی است؛ زیرا مفسر تفسیر گرانسنگ «*المیزان فی تفسیر القرآن*»، به پویایی، فرازمانی و فرامکانی بودن آموزه‌های هدایتی و تربیتی این کتاب مقدس عنایت داشته است. سید قطب نیز در تفسیر *فی ظلال* به بحث تناسب آیات در هر سوره بسیار اهمیت می‌دهد. ایشان قبل از شروع شرح و تفسیر هر سوره از سیاق و چینش آیات و نیز ارتباطشان با کل سوره و محورهای موضوعی هر سوره بحث می‌کند. هدف از تطبیق بین این دو تفسیر پرداختن به بُعد هدایتی و تربیتی آیات سوره طه و نکات اخلاقی در آن بود. در سوره طه سخن از اساسی‌ترین مباحث اعتقادی به میان آمده و باری تعالی در این سوره فرازهای مختلف زندگی حضرت موسی علیه السلام را بازگو کرده است و درس‌های اعتقادی و اخلاقی - تربیتی این سوره ما را در رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه یاری می‌کند. بنا بر مطالبی که در این پژوهش گذشت این نتیجه حاصل شد که مهم‌ترین آموزه‌های هدایتی و تربیتی سوره طه که بخش قابل توجهی از آن در ذیل داستان موسی علیه السلام

در تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن آمده است، عبارت است از: تبیین توحید باری تعالی، اهداف ارسال انبیا، ابعاد تربیتی توجه به مسأله‌ی معاد، تجسم اعمال در قیامت، اهداف تربیتی قصه موسی ع‌ع، مدارای الهی با دشمنان و عبرت‌گیری از سرگذشت پیشینیان که در تفسیر المیزان با تعمیق و گستردگی بیشتر به مباحث پرداخته شده است و ابعاد مختلف آیه تفسیر شده است، در حالی که در تفسیر فی ظلال القرآن، با توجه تربیتی بودن تفسیر بیشتر در زمینه اخلاقی- تربیتی به مباحث پرداخته شده و سایر ابعاد به صورت کم‌رنگ تر آمده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

الف. کتب

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
۲. جرجانی، حسین بن حسن. (۱۳۷۸ق). *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*. تهران: دانشگاه تهران.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۹۰م). *الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربية*. چاپ چهارم، بیروت: دارالعلم للملایین.
۴. حسینی اصفهانی، عمادالدین. (۱۳۶۰). *تاریخ انبیاء*. چاپ بیست و پنجم، تهران: کتابفروشی اسلامی.
۵. دستغیب، سیدعبدالحسین. (۱۳۹۵). *معاد*. چاپ بیست و سوم، بی جا: انتشارات اسلامی.
۶. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان، دمشق: دارالقلم، الدار الشامیه.
۷. ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۹۲). *درآمدی به شیعه شناسی*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۸. صافی، لطف الله. (۱۳۹۲). *تجلی توحید در نظام امامت*. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.
۹. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۰. طریحی، فخرالدین. (۱۴۰۸ق). *مجمع البحرین*. تحقیق سید احمد حسینی، چاپ دوم، تهران: مکتبه نشر الثقافه الاسلامیه.
۱۱. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. بی جا: بی نا.
۱۲. قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵). *تفسیر احسن الحدیث*. چاپ دوم، تهران: بنیاد بعثت.
۱۳. قطب، سید ابراهیم حسین الشاربی. (۱۴۲۵ق). *فی ظلال القرآن*. چاپ سی و پنجم، بیروت: دار الشروق.
۱۴. کاشانی، فتح الله بن شکرالله. (۱۳۵۱). *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی اسلامی.
۱۵. کریمی، جعفر. (۱۳۷۹). *توحید از دیدگاه آیات و روایات (۲)*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۶. کوثری، عباس. (۱۳۹۶). *اعجاز هدایتی در قرآن*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). *مجموعه آثار*. چاپ چهارم، تهران: صدرا.
۱۸. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم*. قم: نشر بیدار.

ب. مقالات

۱. پرچم، اعظم. (۱۳۷۸). «گفتگوی سه دین الهی پیرامون معنی نبوت». نشریه تخصصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان. شماره ۱۶ و ۱۷.
۲. یحیی، عثمان بن اسماعیل. (۱۳۶۸). «سیر مسأله توحید در عالم اسلام تا قرن هفتم هجری». ترجمه علی رضا ذکاوتی قراگزلو. مجله معارف. شماره ۱۶ و ۱۷.

اخلاق همسایه داری و آپارتمان نشینی در قرآن و روایت^۱

محمد جواد فلاح^۲

لیلا علی بیگی علوی^۳

زینب ربیعی^۴

چکیده

در دنیای امروز، روابط عاطفی و انسانی چنان به ضعف گراییده است که همسایگان نزدیک، از یکدیگر خبر ندارند و گاه پس از چند سال سکونت در یک ساختمان، از نام یکدیگر بی اطلاعند. این در حالی است که باری تعالی در قرآن کریم، جایگاه ویژه‌ای برای همسایه و همسایه داری قایل شده است و همگان را به احسان به همسایه سفارش کرده است. همچنین در نزد پیشوایان دین، رفتار نیک همسایگان با یکدیگر، سرچشمه برکت‌های فراوان معرفی شده است و وجود همسایه خوب، نعمتی ارزشمند دانسته شده است. رفت و آمد و رسیدگی، احوال‌پرسی، یاری، عیادت، انفاق و صدقه، رفع نیاز و هم‌دردی از جمله وظایف همسایگان و نشانه جوانمردی در بیانات معصومین (علیهم‌السلام) است. از اشکال زندگی امروز، آپارتمان نشینی است که تأثیر عمیق آن بر تربیت، معاشرت، اختلافات خانوادگی، سرقت، بی‌خبری از حال همسایگان و خویشاوندان و آسیب‌های دیگران، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش که با روش تحقیق تحلیلی-توصیفی انجام شده است، نشان می‌دهد که افزایش استرس‌های روانی، آزار همسایگان، کاهش حیا، حاکم شدن زندگی فردی، دوری از جامعه‌پذیری، از بین رفتن هویت اجتماعی فرد، بروز بیماری‌های جسمی و روحی در اثر کم‌تحریکی ناشی از کمبود جا، از پیامدهای منفی آپارتمان نشینی است. بررسی اخلاق همسایه داری و آپارتمان نشینی و بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن و بیانات معصومین (علیهم‌السلام) برای کاهش آسیب‌های زندگی آپارتمان نشینی، ضرورتی برای راهیابی به مسیر صحیح اخلاق است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است. واژه‌های کلیدی: اخلاق، همسایه، آپارتمان نشینی، قرآن، روایت.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۳

۲. محمد جواد فلاح، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشگاه تهران، مدیر گروه و عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی
mjfallah.ac@gmail.com

۳. مدرس دانشگاه فرهنگیان قم، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اخلاق اسلامی lyalybygyhw@gmail.com

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده معارف اسلامی هدی z.rabiee.1212@gmail.com

مقدمه

به تعدادی واحد که در یک یا چند ساختمان واقع شده‌اند و در راه پله، ورودی اصلی و گاهی پارکینگ و حیاط با یکدیگر مشترک هستند، آپارتمان می‌گویند که از آن برای سکونت یا کسب و کار استفاده می‌شود. امروز فرهنگ غربی با همه لوازم و پیامدهای اجتماعی خود وارد جامعه‌ی دینی و اسلامی ما شده است. نظام اقتصادی غرب با القای این‌که زمین گنجایش جمعیت در آینده را نخواهد داشت، بشر را به خلاقیت ویژه‌ای سوق داد که کمبود جا در آینده را با سوارکردن چندین خانه روی هم و گسترش فضا در ارتفاع حل کند. ساختمان‌های چندطبقه که بعدها به برج‌های بلندتری تبدیل شد، از سنتی برخاست که کمبود منابع را مثل پتک بر سر جماعت کوهی زمین می‌کوبید تا شاید از این منابع کمیاب سهم بیشتری نصیب سرمایه‌داران بزرگ شود؛ بنابراین همه‌ی اقدامات و سیاست‌ها در راستای پیشرفت این فشرده‌سازی به مرور به همه بخش‌های زندگی اجتماعی از فرزندآوری گرفته تا معماری خانه‌های مردم راه پیدا کرد و سبک زندگی انسان‌ها را تغییر داد. البته این تفکر پیامدهای مثبتی هم داشته است. فشرده‌سازی اطلاعات فراوان در یک تراشه‌ی ریز با سرعت بازیابی بالا از نتایج اندیشه‌ی فوق است. از سوی دیگر با هجوم بی‌رویه مردم از شهرستان‌های کوچک به مناطق پرجمعیت شهری و تفاوت بین فرهنگ‌های آنان، زندگی در مجموعه‌های آپارتمانی را با مشکلات فراوانی همراه کرده است. ساختمان‌ها و برج‌های سربه فلک کشیده آن قدر رشد کرده‌اند که قطع آن‌ها، از بین بردن ریشه خود محسوب می‌شود؛ به راستی اگر آپارتمان‌ها ویران شود، چند میلیارد آواره به آوارگان کره زمین افزوده می‌شود؟ اگر زمین خمیازه کوتاهی بکشد و آپارتمان‌ها را در هم فروریزد، باقی ماندگان، مالک کدام قسمت فضا خواهند شد؟ اگر کسی در طبقه دهم یک ساختمان زندگی کند، بعد از یک حادثه طبیعی یا غیرطبیعی که کل ساختمان از بین رفت، اگر بخواهد خانه خود را بازسازی کند، فضای طبقه دهم را چگونه خواهد ساخت؟ در هر حال این پدیده با همه مزایا و معایب خود بر جامعه شهری ما سلطه عمیقی پیدا کرده و به نظر می‌رسد گریزی از پذیرفتن آن نیست. سلطه این فرهنگ تا حدی بوده که اخیراً به قبرستان‌ها نیز سرایت کرده و شاهد قبرهای چندطبقه در گورستان‌ها هستیم، اما

آیا راهی برای کاستن از اثرات منفی آپارتمان‌نشینی وجود دارد؟

خیلی‌ها آسیب‌های به وجود آمده در کشوری مثل ایران را به نداشتن فرهنگ آپارتمان‌نشینی نسبت می‌دهند. مدعیان این نظریه زندگی آپارتمان‌نشینی را زندگی مشترکی می‌دانند و همواره توصیه به یادگیری فرهنگ آن می‌کنند. این افراد ادعا می‌کنند که فرهنگ آپارتمان‌نشینی روز به روز در ایران در حال تقویت است؛ بنابراین رضایت از زندگی آپارتمانی نیز در حال افزایش است. در حالی که این رضایت حاصل از بین رفتن آسیب‌های فرهنگ آپارتمان‌نشینی نیست؛ بلکه پذیرفتن آن است. آپارتمان‌نشینان سعی نمی‌کنند سروصدا راه نیندازند و از رفت و آمدهای غیرضروری پرهیزند تا محیط‌های مشترک کمتر آلوده شود، آن‌ها ارتباطات خود را با اطرافیان کم می‌کنند و به نوعی به فردیت روی می‌آورند. برخی‌ها، کشمکش‌ها و تنش‌های جزئی را بخشی از فرهنگ آپارتمان‌نشینی می‌دانند؛ به گفته ایشان تنش در آپارتمان‌ها و به تبع آن در جامعه، در حال تبدیل شدن به یک فرهنگ مسلط و عمومی است. واقعیت این است که بزرگترین مشکل، خود فرهنگ آپارتمان‌نشینی است؛ چراکه ساکن هر آپارتمانی مجبور است، روابط خود با همسایگان را بر اساس حق شارژ، آزار همسایه، رفت و آمدهای خارج از اوقات معمول، نوع استفاده از مشاعات و... تنظیم کند که این موارد تنش‌آفرین و استرس‌زا، مقدمه‌ای بر پرخاشگری افراد در خانواده و جامعه هستند. در این فرهنگ، به مرور، افراد سعی می‌کنند ارتباط خود با دیگران را به حداقل برسانند تا از بروز تنش‌ها و تعارضات در آپارتمان‌ها جلوگیری کنند. فرهنگ آپارتمان‌نشینی هنوز به یک هنجار عمومی تبدیل نشده است و فرهنگ پذیرفته شده نیز بیشتر بر سرپوش گذاشتن بر جنبه‌های منفی تأکید دارد و به دلیل جنبه‌های مثبت آپارتمان‌نشینی روز به روز بر بی‌حرکی ساکنان افزوده می‌شود و ساکنان سعی می‌کنند خود را در جبر فرهنگ منفی آپارتمان‌نشینی گرفتار دیده و رهایی از آن را ممکن ندانند. پژوهش حاضر درصدد پی‌ریزی آیین‌نامه‌ای درست و کاربردی از اخلاق همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی با توجه به دستورهای دینی و سفارش‌های پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است.

۱. مفهوم‌شناسی

بیان مهمترین مفاهیم این پژوهش به شرح ذیل است.

۱-۱. اخلاق

واژه اخلاق، خُلُق و خُلُق در لغت به معنای سرشت، عادت و خوبی به کار می‌رود (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۳۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۹۴). این معنا هم شامل سجایای پسندیده است و هم خوی ناپسند را در بر می‌گیرد. عالمان لغت واژه خُلُق را هم ریشه با خُلُق دانسته‌اند و خصوصیات باطنی را خُلُق و خصوصیات ظاهری و جسمانی را خُلُق گفته‌اند. عالمان اخلاق، تعاریف گوناگونی برای اخلاق برشمرده‌اند؛ از جمله گفته‌اند: «صفات نفسانی که در نفس انسان رسوخ کرده است و پایدار شده باشند». برخی دیگر هم، آن را شامل صفات نفسانی غیر پایدار دانسته‌اند. ابن‌مسکویه در تعریف اخلاق می‌گوید: «اخلاق، حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل، آدمی را به سوی کار حرکت می‌دهد» (ابن‌مسکویه، ۱۳۸۳، ص ۵۷-۵۸). اگر از این حالت نفسانی کارهای خوب صادر شود، آن را «اخلاق خوب» و اگر کارهای بد صادر شود، آن را «اخلاق بد» می‌گویند و البته تقسیم فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاق نیز بر همین مبناست (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۷، ص ۳۳۷).

۱-۲. همسایه

از نظر لغت به دو یا چند نفر که زیر یک سقف باشند یا اتاق و خانه‌ی آن‌ها متصل یا نزدیک به هم باشد، همسایه می‌گویند (معین، ۱۳۶۲، ذیل واژه «همسایه»). در قرآن کلمه «جار» از اسم‌های متضایف و وابسته به طرف دیگر است؛ مثل دوست و برادر که محتاج به طرف دیگر خود است و اخلاق و حقوق همسایه نیز دو طرفه است. صاحب مفردات «جور» و «جار» را این‌گونه معنا کرده است: «همسایه، کسی است که مسکنش نزدیک توست» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲، ذیل واژه «جور»).

۱-۳. آپارتمان

قسمتی از عمارت، مرکب از چند اتاق و ضمایم آن‌ها را آپارتمان گویند. (معین، ۱۳۶۲، ذیل واژه «آپارتمان»). هرچند در قوانین مدون، تعریف خاصی از آپارتمان نشده است، در

اصطلاح می‌توان گفت: «آپارتمان، عبارت است از یک واحد مستقل در ساختمان چند طبقه که از آن برای سکونت یا کار استفاده می‌شود و مالکیت آن شامل دو قسمت اختصاصی و مشترک (عمومی) است» (قدس، ۱۳۸۴). به این نوع سکونت و هم‌جواری، در اصطلاح رایج «آپارتمان‌نشینی» گفته می‌شود.

۴-۱. محدوده همسایگی

«همسایه» در عرف شامل خانه‌های هم‌جوار می‌شود. حال آن‌که در دین اسلام این محدوده وسیع‌تر است. رسول اکرم ﷺ درباره حدّ همسایگی فرمود: «تا چهل خانه از روبرو، پشت سر، طرف راست و چپ همسایه محسوب می‌شوند» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۶۹). از این روایت فهمیده می‌شود که محل سکونت یک شخص در مرکز دایره‌ای قرار دارد که تا چهل خانه از هر طرف همسایه او به شمار می‌روند و باید اخلاق درست معاشرت، در مورد آن‌ها رعایت شود. در روایات معصومین علیهم‌السلام حتی به حد همسایگی نیز اشاره شده است؛ برای مثال از حضرت علی علیه‌السلام روایت شده است که کسی که صدا و ندای همسایه را می‌شنود، همسایه است. همچنین گفته شده است هرکس همراه تونماز صبح در مسجد بخواند، همسایه است (عسقلانی، ۱۳۰۰ق، ج ۴، ص ۱۶۶). از روایت‌های گفته شده در می‌یابیم که همسایگی، به خانه‌های مجاور و نزدیک به هم محدود نمی‌شود و طیف گسترده‌ای از ساکنان محله را شامل می‌شود که انسان در برابر آن‌ها مسئولیت اخلاقی و حقوقی دارد.

۲. کاربرد رسانه‌ای

رسانه‌های جمعی به ویژه صدا و سیما به دلیل روبه‌رو بودن با گستره وسیعی از مخاطبان نقش ویژه‌ای در فرهنگ‌سازی جامعه دارند. در این میان، تلویزیون به دلیل جذابیت بیشتر نسبت به سایر رسانه‌های دیگر و عامه‌پسند بودن، می‌تواند به آسانی مخاطبان خود را به سوی تفکری درست یا غلط رهنمون کند. از آن‌جا که این رسانه در کنار ارتباط شنیداری به شکل دیداری نیز با بینندگان خود مرتبط است به راحتی می‌تواند با نفوذ در بین مخاطبان بر رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و نوع اخلاق آن‌ها تأثیر بگذارد و آن‌ها را در جهت درست

رهنمون کند؛ بنابراین برای نهادینه کردن اخلاق همسایه داری و آپارتمان نشینی، برنامه سازان می توانند برنامه هایی از جمله سریال ها و برنامه های طنز که مورد توجه عموم افراد جامعه است را تهیه کنند تا ضمن پرکردن اوقات فراغت مخاطبان خود، گام شایسته ای در راه رشد و پیشرفت فرد و اجتماع بردارند.

۳. جایگاه همسایه داری در قرآن کریم و روایات

اهتمام به موضوع همسایه و همسایه داری در دین اسلام بسیار سفارش شده و نه تنها قرآن کریم برای این مسأله تأکید کرده، بلکه روایات فراوان در این زمینه از معصومین (علیهم السلام) آمده است. خداوند در قرآن در زمینه نیکی و احسان به همسایه می فرماید: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ» (نساء: ۳۶)؛ و خداوند را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و به بستگان و یتیمان و بینوایان و همسایه نزدیک و دور نیکی کنید».

در آیه بالا، احسان به همسایگان در کنار عبادت خداوند و نفی شرک قرار گرفته و این هم ردیفی اصل اعتقادی توحیدی با احسان به همسایه ی دور و نزدیک، بسیار با اهمیت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۰). درباره اینکه منظور از همسایه نزدیک و همسایه دور در آیه یاد شده چیست، مفسران احتمال های مختلفی نقل کرده اند؛ بعضی مفسران از نزدیکی مکانی یاد کرده اند و بعضی نزدیکی مذهب و دین را احتمال داده اند. البته در تفسیر المیزان از «جار ذی القُربى» به همسایه نزدیک و از «جار الجنب» به همسایه ای که خانه اش دور است، تعبیر شده است (طباطبایی، ۱۳۴۴، ج ۸، ص ۱۱۴). همچنین اشاره ی قرآن به همسایه دور به این دلیل است که بیشتر وقت ها در عرف به همسایه ی نزدیک دیوار به دیوار، همسایه گفته می شود. بنابراین برای آنکه احسان و مراعات اخلاق حسنه شامل معنایی وسیع تر شود و هم نوعان را نیز در برگیرد، در این آیه در کنار همسایه ذی القُربى، از جار الجنب هم سخن گفته شده است. بهتر است این دوری و نزدیکی را دوری و نزدیکی مکانی به شمار آوریم تا غیر هم کیشان و عقیده های مختلف را هم شامل شود و این با اصول اسلام سازگارتر است. البته از آیه می توان این گونه استنباط کرد که همسایه نزدیک در نیکی نسبت به همسایه

دور، مقدم است (رفسنجانی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۷۶-۳۷۷). در روایات و سخنان معصومان علیهم‌السلام همسایه‌داری جایگاه ویژه‌ای دارد. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «حرمتی بالاتر از حرمت هم‌نشینی و همسایگی نیست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۹۵۲۸؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۶۱۶). همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره جایگاه همسایه فرمود: «همسایه مانند نفس انسان است، نه زیان‌مند شود نه گناه ورزد» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۵۷۶). براساس این حدیث، همان‌گونه که انسان در حفظ نفس خویش می‌کوشد، همسایه نیز به همان اندازه اهمیت دارد و باید در مراقبت از آن کوشید. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حرمت همسایه برانسان را مانند حرمت مادر دانسته است و می‌فرماید: «احترام گذاردن به همسایه مانند احترام گذاردن به مادر است» (کلینی، ج ۴، ص ۴۹۸). همچنین نقل شده است که شخصی نزد پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و درمورد خرید خانه با ایشان مشورت کرد. پیامبر فرمود: «الجارُ ثم الدارُ...» (طبرسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۲۴)؛ اول همسایه، سپس خانه. همسایه و همسایگی نیک نه تنها در این دنیا ارجمند و محترم است، بلکه ائمه اطهار علیهم‌السلام به ما آموخته‌اند که هم‌نشینی و هم‌جواری با خوبان را در عالم آخرت و بهشت نیز از خداوند بخواهید.

۴. باید و نبایدهای همسایه‌داری

باید و نبایدهای همسایه‌داری که باید در حق گروه همسایگان رعایت شود، در کلام معصومان علیهم‌السلام بیان شده است. نمونه‌هایی از این سفارش‌ها در ذیل آمده است.

۴-۱. بایسته‌های اخلاق همسایه‌داری

معصومین علیهم‌السلام، همواره انسان را به احسان و نیکی به همسایگان سفارش می‌کردند. بایدهای اخلاق همسایه‌داری در نگاه معصومین به شرح زیر است:

۴-۱-۱. خوش‌همسایگی، دستور الهی

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «بر شما باد به حُسن همسایگی که خداوند به این کار فرمان داده است» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷، ص ۱۵۰). این فرمان، همان چیزی است که در آیه ی ۳۷ سوره نساء در مورد همسایه سفارش شده است.

۲-۱-۴. خوش همسایگی، نشانه مسلمانی و ایمان

رعایت حقوق همسایه از نشانه های مسلمانی است؛ زیرا مسلمانی و ایمان حقیقی به گفتار نیست، بلکه رفتار آدمی است که حقیقت ایمان را آشکار می کند. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «با همسایه ات نیکو همسایه داری کن تا مؤمن باشی» (صدوق، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۱۶۸).

۳-۱-۴. دلجویی از همسایه

از مواردی که در روایات به آن تأکید شده، جویاشدن از حال همسایه و همدردی با آن ها است. امروز زندگی شهرنشینی میان انسان ها فاصله ایجاد کرده است و کمتر اتفاق می افتد که همسایه ها خود را در غم و شادی یکدیگر شریک کنند. حضرت علی علیه السلام در کلامی، دلجویی کردن از همسایه را از نشانه های خوش همسایگی برشمرد و فرمود: «از نشانه های حسن همسایگی، جویاشدن از احوال همسایه است» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۵). یکی دیگر از مصادیق دلجویی کردن، جویاشدن از وضع اقتصادی همسایه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «به من ایمان نیاورده است آن که شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه باشد» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۴۲۹). امام صادق علیه السلام دایره توجه به همسایه را وسعت بخشیده و از اهل یک محل فراتر برده است. آن جا که می فرماید: «اهل آبادی که شب را بگذرانند و در میان ایشان گرسنه ای باشد، خداوند در روز قیامت به آنان نظر رحمت نمی افکند (همان). سیره اخلاقی بزرگان دین نیز به پیروی از رفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام در رسیدگی و احوال پرسی از همسایگان بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کوچک ترین امور، همسایه را در مقابل همسایه صاحب حق دانسته اند و در مورد آن به شخص مسلمان و مؤمن سفارش فرموده اند: «هرکس کالایی را از همسایه خود دریغ دارد، خداوند در روز رستاخیز، خیر خود را از او دریغ دارد و او را به خودش واگذارد» (صدوق، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۴۹). تفسیر موجود در روایات از آیه ی «وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (ماعون: ۷) نیز گویای همین منع امکانات خاص است. به نظر صاحب المیزان، کلمه «ماعون» به معنای هر کاریا هر چیزی است که به شخص محتاج داده شود و نیازی از نیازهای زندگی او را برآورده؛ قرض، هدیه، عاریه و امثال آن (طباطبایی، ۱۳۴۴، ج ۲۰، ص ۶۳۴). از دیگر مصادیق های دلجویی کردن از همسایه را می توان احوال پرسی، عفو و گذشت، نگه داشتن چشم از خانواده او و پیشی گرفتن در سلام بر او نام برد.

۲-۴. حقوق همسایه

بسیاری از بایسته های اخلاقی درباره همسایه، حقوقی هستند که باید رعایت شود. اولیای دین به طور جدی بر این موارد تأکید کرده اند که در دو دیدگاه مطرح می شوند: نخست تأکید و سفارش آن ها به جایگاه و ضرورت حقوق همسایه و دوم برشمردن مصداق های این حقوق است. نکته مهم این است که جایگاه همسایه به گونه ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حقی جداگانه برای این گروه قائل شده است، بدون این که قید کند، پیرو کدام آیین، مذهب و ملیت باشند. ایشان فرمود: همسایگان سه قسمند؛ همسایه ای که سه حق دارد: حق همسایگی، حق اسلام و حق خویشاوندی. همسایه ای که دو حق دارد: حق اسلام و حق همسایگی؛ همسایه ای که یک حق دارد و آن کافری است که فقط حق همسایگی دارد و بس (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۴۲۴). چنان که گفته شد این حق دوطرفه است. از این رو امام صادق علیه السلام، ملاک این حق شناسی را در بیان خود به خوبی ترسیم فرموده است: «برای مردم آن چه را خودتان دوست دارید، دوست بدارید. آیا مرد حیا نمی کند که همسایه اش نسبت به او حق شناس باشد و او نسبت به همسایه اش حق شناس نباشد» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۳۵). مطلب بعدی مصداق های حقوق همسایه است. در این باره به سخنانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام سجاد علیه السلام اشاره می شود. حقوق همسایه از دیدگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین است:

۱. اگر از تویاری خواست، به فریادش برسی؛
۲. اگر از تو قرض خواست، به او قرض دهی؛
۳. اگر نیازمند شد، نیازش را برطرف سازی؛
۴. اگر مصیبتی دید او را دلداری دهی؛
۵. اگر خیر و خوبی به او رسید، به وی تبریک و شادباش گویی؛
۶. اگر بیمار شد، به عیادتش روی؛
۷. وقتی مرد، در تشییع جنازه اش شرکت کنی؛
۸. خانه ات را بلندتر از خانه او نسازی تا جلوی جریان هوا را براو بگیرد. مگر آن که خودش اجازه دهد؛

۹. هرگاه میوه ای خریدی، برای او هدیه بفرستی و گرنه مخفیانه میوه را به خانه ات ببر؛

۱۰. فرزندان را همراه میوه بیرون نیاور که بچه همسایه با دیدن میوه در دست او ناراحت شود؛
۱۱. با بوی دیگت، او را ناراحت نکن، مگر آن که مقداری از غذای آن را برای او بفرستی
(محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۹۲۰).

حقوقی که در روایات نورانی از رسول خدا ﷺ برشمرده شد، از مسائل اخلاقی کلان تا مسائل معنوی جزئی را در برمی گیرد و اگر عمل به این توصیه ها سرلوحه اخلاقی و رفتاری خانواده ها باشد، تأثیر عظیمی در هدایت اخلاقی و شکوفایی معنوی جامعه انسانی خواهد داشت.

۳-۴. همسایه آزاری

یکی از اخلاق ناپسندی که پیشوایان دین همواره از آن نهی می کردند، آزار همسایه است.

۱-۳-۴. جایگاه همسایه بد

نقل شده است که مردی به محضر امام صادق علیه السلام رفت و از همسایه خود شکایت کرد. امام علیه السلام ضمن راهنمایی او چنین نقل کرد: «مردی از انصار خدمت پیامبر خدا ﷺ عرض کرد: من از قبيله بنی فلان، خانه ای خریده ام و نزدیک ترین همسایه ام، کسی است که امیدی به خیر و خوبی اش ندارم و از بدی او درامان نیستم. پس پیامبر خدا ﷺ به علی علیه السلام و سلمان و ابوذر دستور داد به مسجد بروند و با صدای بلند فریاد بزنند که ایمان ندارد هر آن کس که همسایه اش از شر او درامان نباشد. آنان سه بار این سخن را اعلام کردند» (حرّعاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۴۸۷). این نوع برخورد پیامبر ﷺ با شخص همسایه آزار، شدت زشتی این اخلاق ناپسند را نشان می دهد. در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام نیز آمده است: «از ما نیست که همسایه اش از شر او درامان نیست» (صدوق، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۴). همسایه بد تا جایی بد شمرده شده که حضرت علی علیه السلام از آن به عنوان سخت ترین بلا و مصیبت یاد می کند: «همسایه بد، بزرگ ترین رنج و سخت ترین بلا و مصیبت است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ص ۴۳۶).

۲-۳-۴. مصداق های همسایه آزاری

از جلوه های بد همسایگی می توان بدگمانی، ستم، خودخواهی، خیانت به مال و ناموس، دروغ گویی، بی شرمی، غیبت و بدگویی کردن، حسادت و چشم و هم چشمی، بی بند و

باری، بدزبانی، تجسس، فال‌گوش بودن، تجمل‌گرایی و هراخلاق ناپسند انسانی را برشمرد. با این حال در برخی روایات معصومین علیهم‌السلام به مواردی اشاره شده که بسیار قابل توجه و تامل است؛ نقل شده است روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «به خدا پناه می‌برم از همسایه بد، با چشمانش تو را می‌بیند و دلش مراقب توست، اگر تو را در خوبی دید ناراحت می‌شود و اگر تو را گرفتار و بد حال دید خوشحال می‌شود» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۶۹، ح ۱۶). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همسایه بدخواه و حسود را در این فراز نکوهش کرده است؛ چراکه نیت بد و قلب بدخواه عامل بداخلاقی و همسایه‌آزاری می‌شود.

در نگاه معصومین علیهم‌السلام افزون بر نهی از همسایه‌آزاری، بر تحمل و صبر در برابر آزار همسایگان نیز تاکید شده است. امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: «حسن همسایگی این نیست که به همسایه آزار نرسانی، بلکه حسن همسایگی آن است که در برابر آزار همسایه شکایتی باشی» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۶۷، ح ۹). امام کاظم علیه‌السلام در این کلام، همسایگان را در برابر آزار همسایه به خوشتن‌داری دعوت کرده است تا ضمن کاهش تنش‌ها، نوعی امر به معروف نیز صورت گیرد و سبب تغییر در رفتار طرف آزاردهنده شود. البته این بدین معنا نیست که امام همسایه‌آزاری را تایید کرده یا آزار رساندن به همسایگان را مجاز شمرده است؛ زیرا روایت‌های زیادی وجود دارد که به شدت همسایه‌آزاری را نفی می‌کنند.

۴-۴. آثار خوش همسایگی

آن چنان که گذشت، تأثیر نوع رفتار و اخلاق در مورد همسایگان دوجانبه است و هرگاه همسایه‌ای اخلاق همسایگی و هم‌جواری را رعایت کند، زمینه واکنش مثبت طرف مقابل را هم فراهم خواهد کرد. خوش همسایگی، ضمن آن‌که امنیت روانی واحد اجتماعی را که همسایگان در آن زندگی می‌کنند، فراهم می‌کند، زمینه‌ی رشد مادی و معنوی افراد ساکن در آن بخش را نیز هموار می‌کند و روح همدلی، گذشت و معنویت را بین آنان گسترش می‌دهد. بدین صورت در سطحی گسترده چهره جامعه، چهره همدل، متحد و هم‌سو می‌شود و این همان رسیدن به کمال و سعادت مادی و معنوی فرد و جامعه است. درباره آثار خوش همسایگی در روایات نیز مطلبی آمده است که بیان می‌کنیم:

۴-۴-۱. زیاد شدن روزی

امام صادق علیه السلام یکی از نشانه‌های خوش‌همسایگی را زیاد شدن روزی می‌داند و می‌فرماید: «حسن همسایگی، روزی را زیاد می‌کند» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۶۶).

۴-۴-۲. آباد شدن سرزمین‌ها و طولانی شدن عمر

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «خوش‌همسایگی سرزمین‌ها را آباد و عمرها را طولانی می‌کند» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۶۷). این روایت را می‌توان چنین تحلیل کرد که رعایت اخلاق معاشرت با همسایه، زمینه‌ی همدلی و همراهی ساکنان هم‌جوار را فراهم می‌کند و نه تنها آنان در راه اصلاح امر خویش و همسایگان در تلاش هستند، دیار و سرزمین خود را نیز آباد می‌کنند. دوستی و همدلی، زمینه آرامش روانی و کاهش فشارهای عصبی را فراهم می‌کند و در نتیجه، سبب طولانی شدن عمر می‌شود.

۴-۴-۳. زیاد شدن یار و همسایه

یکی از آثار خوش‌همسایگی و اخلاق درست معاشرت، دوستی و توجه دیگران است. افراد به طور طبیعی انسان‌های خوش اخلاق، بخشنده، مهربان و دلسوز را دوست دارند و حاضرند برای آنان فداکاری کنند؛ با توجه به همین اصول است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که به همسایگان خود نیکی کند، خدمت‌گذارش زیاد می‌شود» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۰، ج ۷۹۶۷).

۴-۵. آثار همسایه‌آزاری

همسایه‌آزاری، امری نکوهش شده است که نتیجه‌ی آن تحقیر، نفرین و سرزنش است. اگر خوش‌همسایگی سبب زیاد شدن روزی، آبادانی شهرها و طولانی شدن عمر شود، در مقابل، همسایه‌آزاری فقر و خواری را به همراه می‌آورد. پس همان‌طور که رشد معنوی در گرو خوش‌همسایگی است، بنابر روایات، آزار همسایه، بدبختی و افتادن به پرتگاه گناه، دوری از اهل بیت علیهم السلام، گرفتاری در آتش جهنم، قبول نشدن اعمال و عبادات و نزول بلا را به دنبال خواهد داشت (رک: صدوق، ۱۳۸۲، ص ۶۵۲).

۵. آپارتمان نشینی

گسترش شهرنشینی، مهاجرت روستاییان به شهرها و فزونی جمعیت عصر حاضر، زمینه را برای ایجاد نوعی سکونت و هم‌جواری خاص و متفاوت از گذشته به وجود آورده است که امروز با نام آپارتمان نشینی از آن یاد می‌کنند. این نوع سکونت خواسته یا ناخواسته در کشور ما نیز به سرعت رواج یافته است و بسیاری از ساکنان شهرها به این شیوه روی آورده‌اند. از این رو باید با کمک گرفتن از پرودگار و کلام نورانی ائمه معصوم علیهم‌السلام وضعیت را به شکل شایسته‌ای تغییر داد. در این میان، مقایسه زندگی سنتی با زندگی امروز و بررسی مزیت‌ها و معایب این نوع زندگی، می‌تواند ما را در چاره‌جویی برای وضعیت پیش رویاری رساند. آپارتمان نشینی در غرب بر پایه تفکرات اقتصادی عصر نوزایی شکل گرفت. در تفکرات اومانیستی عصر رنسانس «اقتصاد» به‌کیمیایی منابع در مقابل خواسته‌های نامحدود بشر تعریف شد که به تبع آن، تفکرات اقتصادی بدبینی چون ریکاردو و مالتوس درباره خطرات افزایش جمعیت با یک تصاعد هندسی به یک باور عمومی تبدیل شد. عصر نوزایی صنعت، پیامدهای گسترده‌ای داشت از جمله اینکه انسان را در حصاری از حرص و ولع برای به دست آوردن رفاه، امکانات و لذت اسیر کرد و همواره به او القا کرد که باید خودخواهانه و خودمحورانه به دنبال منافع مادی خویش باشد و سعی کند لذت مادی خود را بر نیازها و تقاضاهای محیط اطراف مقدم بدارد؛ در نتیجه این تفکر از فضای افقی کاسته شد و برای این‌که خانه‌ها بتوانند در فضای عمومی روی هم سوار شوند، کوچک‌تر شدند. این قوطی‌های کوچک از نظر آماری در حال افزایش و از نظر فضای کالبدی در حال کاهش‌اند. این کاهش بر تمام زندگی انسان‌ها سایه افکند و موجبات کاهش‌های دیگری چون کاهش جمعیت، کاهش ارتباطات، کاهش احساسات انسان دوستانه و... شد. افزون بر این تفکر، جنگ‌های جهانی نیز رخ داد که تأثیر فراوانی بر گسترش آپارتمان نشینی گذاشت. در دهه سوم و چهارم قرن بیستم و به دنبال جنگ جهانی اول و دوم که ویرانی زیادی در پی داشت، آپارتمان نشینی رواج یافت. در حقیقت به دلیل خیل عظیم مردم بی‌پناه و کمبود زمین، خانه‌های متراکم و ارزان قیمت برای مردم این دوره ساخته شد.

اکنون نزدیک به چهاردهه است که آپارتمان نشینی، با همه محاسن و معایبی که دارد،

در کشور ما متداول شده است. گرانی و محدودیت زمین، امنیت بیشتر در مجتمع‌های مسکونی، توان مالی شهروندان و دیگر عوامل موجب شد تا ساخت مجتمع‌های مسکونی در کلان‌شهرها با هدف توسعه‌ی مسکن ارزان قیمت برای حل مشکل تأمین مسکن، گسترش یابد. آپارتمان‌نشینی در ایران از پیامدهای توسعه شهرنشینی است که از زمان مشروطیت (زمانی که سلطه غرب بر ارکان کشور گسترده شد) روبه گسترش نهاد. در آن زمان موج عظیم انقلاب صنعتی، همگان را به ضرورت صنعتی شدن متقاعد کرده بود. پدیده صنعتی شدن به دلیل نیاز شدید به نیروی انسانی فراوان، موجب تعطیلی بخش کشاورزی، سرازیرشدن روستاییان به شهرها و در نتیجه متورم شدن شدید جمعیت شهرها شد. براساس آمارهای استخراج شده از نشریه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۳۵، مجموع جمعیت نزدیک به ۷۰ میلیونی کشور تغییر کرده است. این آمار از یک سونشان دهنده افزایش جمعیت و از سوی دیگر حاکی از رشد سریع شهرنشینی است. شهرنشینی فقط محصول مهاجرت روستاییان به شهرها نیست، بلکه روستاها نیز در حال دگردیسی و شهری شدن هستند. این اتفاق از پیامدهای ناگزیر توسعه صنعت است. در پی شهرنشینی، آپارتمان و آداب زندگی در آن موسوم به فرهنگ آپارتمان‌نشینی وارد ایران شد. شروع آپارتمان‌سازی از تهران بوده است. سال ۱۳۴۱ غربی‌ترین نقطه تهران شاهد تحول بزرگی بود و در آن مجموعه‌ای از آپارتمان‌های سربه فلک کشیده با نام «اکباتان» ساخته شد. کارخانجات یکی پس از دیگری در اطراف تهران احداث شد و هرکدام مقداری از نیروی انسانی سراسر کشور را جذب و جامعه شهری تهران را با یک انفجار شدید جمعیتی روبه‌رو کرد. در نتیجه قیمت زمین در تهران روزبه‌روز گران‌تر شد. ترکیب جمعیتی، موقعیت سیاسی و ویژگی‌های کوهپایه‌ای تهران، موجب رونق آپارتمان‌نشینی در آن شد و همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، این الگوی نوظهور و بیگانه غربی به سرعت به شهرهای بزرگ‌تر مثل اصفهان، اراک، تبریز و مشهد نیز سرایت کرد. در حال حاضر آپارتمان‌سازی به یکی از برنامه‌های اساسی متولیان مسکن کشور تبدیل شده است؛ به‌طوری که هیچ‌کدام از نهادهای متولی امر مسکن، برنامه‌ای برای رشد و گسترش خانه‌های سنتی ندارند. امروز آنچه به خانه و دیوارهایش اهمیت می‌بخشد، حفاظت از دارایی‌های مادی درون خانه است، نه روابط اجتماعی و معنوی ساکن خانه. همچنین

تغییرات در طراحی داخلی خانه‌های جدید، آسیب‌هایی را برای خانواده‌ها به دنبال دارد.

۵-۱. بررسی و مقایسه زندگی آپارتمان‌نشینی با زندگی سنتی

مشکل جدید سکونت، یعنی آپارتمان‌نشینی، از چند دیدگاه، با زندگی سنتی متفاوت است:

۵-۱-۱. فیزیکی و نمای ساختمان

امروز اثر مدرنیته شدن را به طور مستقیم در دگرگونی معماری ساختمان‌ها، به صورت ساخت برج‌ها و آپارتمان‌های سربه فلک کشیده می‌توان مشاهده کرد. در بیشتر خانه‌های قدیمی، حریم خصوصی افراد به دالانی هدایت می‌شود که با چند شکست به حیاط می‌رسد. سطح کوچه نیز با حیاط اختلاف دارد؛ بنابراین در کف دالان، پله وجود دارد. در این صورت شخص واردشونده از هشتی، هرگز نمی‌تواند داخل حیاط را ببیند و مجبور است از یک راهروی باریک عبور کند. اما در خانه‌های امروزی به ویژه واحدهای آپارتمان به محض ورود از در خانه، محل زندگی افراد بر همگان آشکار می‌شود و هیچ چیزی برای محدود کردن دید واردشونده در آن وجود ندارد. وجود ساختار آپن‌گونه در این ساختمان‌ها هرچند کار بانوی خانه را آسان‌تر کرده است، ولی از این نظر که خانم خانه را در برابر دید میهمان‌ها قرار می‌دهد، اسباب گناه، فتنه و پرده‌برداری از حریم خصوصی افراد را به دنبال دارد. این شکل و نمای فیزیکی ساختمان، زمینه کاهش رفت و آمدها را در خانواده‌ها به وجود می‌آورد؛ چراکه این نوع ساختار برای خانواده‌هایی که به احکام شرعی و دینی پایبند هستند و نیز میهمانان‌شان، عذاب‌آور است. از جمله مواردی که در زندگی آپارتمانی و سنتی می‌توان با هم مقایسه کرد، ساختار این دو نوع زندگی است؛ در معماری اسلامی ضمن توجه بسیار به زیبایی از به‌کارگیری عناصر غیرضروری خودداری شده است (پیرنیا، ۱۳۷۲، ص ۱۵۷). این سادگی و زیبایی در برقراری روابط همسایگان تأثیر بسزایی داشته است، برخلاف معماری جدید که به لوکس‌سازی، تزیینات اضافی و آراستن‌های بی‌جا توجه دارد و با وجود این‌ها، طراوت و شادابی کمتری دارد. معماری سنتی در گشایش روح و روان و ایجاد بلندنظری افراد تأثیر فراوانی داشته است. نکته مهم این است که باید به جنبه‌های مختلف اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی مسکن توجه شود و بدیهی است خانه‌های سنتی به شکل کامل‌تری این جنبه‌ها را پوشش می‌دهد.

۲-۱-۵. ابعاد معنوی

مهمتر از دگرگونی‌های فیزیکی که در ساختمان‌های امروزی به چشم می‌خورد، دگرگونی‌های معنوی و روحی-روانی است. متمرکزشدن خانواده‌ها در محیطی با ساختار بسیار دلباز و دلنواز، نوعی گشادگی و آرامش را به اهل خانواده منتقل می‌کرد و فاصله در خانه تا محل نشستن اعضای خانه فرصتی به شخص می‌داد تا خود را با محیط درون خانه همگون و متناسب سازد. شخصی که بدون هیچ مقدمه‌ای وارد محیط خانه می‌شود، دوگانگی محیط درون و بیرون او را در برقراری ارتباط متناسب دچار سردرگمی می‌کند. در فضا و ساختار خانه‌های سنتی، شخص قبل از آن‌که وارد محل اصلی ساختمان شود، حیاط طولانی و دالان ورودی را طی می‌کند و آماده حضور در خانه می‌شود. اعضای داخل خانه نیز همین حالت را دارند. آن‌ها قبل از ورود مهمان به خانه، خود را آماده پذیرایی و روبه‌رو شدن با میهمان می‌کنند و این فضا به آن‌ها کمک می‌کند از حریم خویش به خوبی محافظت کنند. در خانه‌های آپارتمانی، نان‌آور خانه به محض ورودش، تنها با بازشدن در، فاصله درون و بیرون را می‌پیماید و در نتیجه، آثار خستگی کار بیرون از خانه، در چهره و رفتار او باقی می‌ماند. در ساختار سنتی فضای پهناور و حیاط بزرگ به کودکان فرصت بیشتری می‌دهد تا حس کودکانه خود را ارضا کنند و از این راه بتوانند با اجتماع ارتباط بهتری برقرار کنند و خود را آماده پذیرش نقش‌های مشارکتی در جامعه سازند. در خانه‌های آپارتمانی، فرزندان و کودکان در محیط بسته مجبورند برای رعایت حال همسایگان، خود را با فضایی موجود سازگار کنند و با خاموش کردن احساس کودکانه، فشار روانی زیادی را تحمل کنند.

آن‌چه گفته شد در علم روانشناسی امروز جایگاه ویژه‌ای دارد. زندگی آپارتمانی از صفا، صمیمیت، عفت، نجابت، آرامش و اطمینانی که در زندگی سنتی موج می‌زد، کاسته است و سبب روی آوردن افراد به گوشه‌نشینی، تجمل‌گرایی و بیگانگی همسایگان از یکدیگر شده است. توجه نداشتن به روحیه ایرانی و اسلامی و تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب، ما را به سویی کشانده که مانند غربیان در ساخت خانه‌ها، تنها به فیزیک خانه، معماری و

دکوراسیون آن توجه کنیم، در صورتی که ما خانه را دارای روح و جان می‌دانیم و برای خانه و خانواده، جایگاه والایی قائلیم (روزنامه کار و کارگر، ۱۳۸۰).

۵-۲. مزیت‌های زندگی آپارتمان‌نشینی

امروز به علت محدودیت‌ها، هزینه‌های بالای مسکن و مهاجرت، زندگی آپارتمان‌نشینی گسترش یافته است؛ از این رو با پذیرش مزیت‌های این نوع زندگی و تدبیراندیشی سیاست‌گذاران این بخش، باید به شکل مطلوب از آن استفاده کرد و تا جایی که امکان دارد، آسیب‌های آن را کاهش داد. برخی مزیت‌های زندگی آپارتمان‌نشینی عبارت است از:

۵-۲-۱. نظم‌پذیری و انضباط اجتماعی ساکنان

در زندگی آپارتمان‌نشینی مواردی مثل رفت و آمد به موقع ساکنان در ساعت‌های معینی از شب و روز، رعایت کردن حقوق همسایگان در مهمانی‌ها و شب‌نشینی‌ها، استفاده نکردن شخصی از قسمت‌های اشتراکی و رعایت حقوق طبقه‌های پایین و بالا، ساکنان را به رعایت کردن قانون وادار می‌کند و آن‌ها را در برابر اجتماع، افرادی قانون‌مند و با انضباط می‌سازد. (فلاح، ۱۳۸۸، ص ۴۵)

۵-۲-۲. امنیت مالی، جانی و ناموس

در یک مجتمع مسکونی، افرادی که از نظر اخلاقی و رفتاری، خودساخته باشند و شئون اخلاقی را رعایت کنند، می‌توانند محیط امن و شایسته‌ای را برای زندگی یکدیگر ایجاد کنند. در این صورت، مرد خانواده با اطمینان خاطر به مسافرت‌های کاری می‌رود و از تنهایی زن و فرزند خود نگران نیست. در صورت مسافرت یا ترک منزل برای مدت طولانی نیز واحد آپارتمانی از دزدان یا دیگر ناامنی‌ها در امان است و این امنیت، در سایه زندگی آپارتمان‌نشینی به دست می‌آید.

۵-۲-۳. تقویت روحیه اتحاد و همدلی

اعضای ساکن یک مجتمع می‌توانند با منش صحیح اخلاقی، مصداق واقعی همدلی و اتحاد باشند. این افراد با احترام گذاشتن به حقوق یکدیگر و همیاری و همکاری می‌توانند

فضای دوستانه‌ای را برای مجتمع خود بسازند تا در سایه آن، در تکامل مادی و معنوی یکدیگر تاثیرگذار باشند. مراسم نماز جماعت، دعای گروهی، برطرف کردن نیازهای مجتمع به صورت دسته جمعی و مانند این‌ها، جلوه‌هایی از همدلی و اتحاد اعضای ساکن در مجتمع مسکونی است. (همان، ص ۴۶)

۴-۲-۵. رشد اخلاقی و تمرین مکارم اخلاق

زندگی آپارتمان نشینی، زمینه مناسبی را برای شکوفایی و رشد اخلاقی افراد ایجاد می‌کند؛ مهمترین نمونه‌های آن، تمرین ادب و احترام، عفو و گذشت، رعایت حریم نگاه و کلام و مراقبت اخلاقی است که زمینه‌ی رشد معنوی افراد را فراهم می‌کند. آپارتمان نشینی، انسان را بیشتر در برابر امتحان و سختی‌ها قرار می‌دهد؛ به همین دلیل، این نوع زندگی می‌تواند زمینه ساز صعود و سقوط انسان باشد.

۳-۵. عیب‌های زندگی آپارتمان نشینی

در این سبک از زندگی عیب‌هایی به چشم می‌خورد که نمونه‌هایی از آن یاد می‌شود.

۱-۳-۵. محدودیت‌های زمانی برای رفت و آمد ساکنان

از جمله حقوقی که ساکنان مجتمع‌های آپارتمان نشینی باید آن را رعایت کنند، توجه به زمان رفت و آمد است. در یک ساعت مشخص شب که ساعت خاموشی است، رفت و آمدها ممنوع می‌شود؛ بنابراین ساعت مهمانی‌ها تعریف شده‌اند. سرو صدا کردن و شلوغی فرزندان پس از ساعت مشخص، موجب آزار همسایگان و شکایت آنان می‌شود. روشن است که هریک از ساکنان به فرهنگ و شکل ویژه‌ای از زندگی عادت کرده‌اند و این محدودیت‌ها سبب آزار روحی، روانی و جسمی افراد می‌شود.

۲-۳-۵. رعایت نکردن حریم‌های عمومی و خصوصی

از جمله شکایت‌های افراد ساکن در مجتمع‌های مسکونی، رعایت نکردن حریم‌های عمومی و خصوصی در مجتمع است که زمینه‌ی انحراف اخلاقی ساکنان را فراهم می‌سازد. گاهی برخی مردان و زنان، در مکان‌های عمومی مثل راه پله‌ها و پارکینگ، به صورت برهنه یا با پوشش نامناسب ظاهر می‌شوند و مشکلاتی را برای ساکنان مجتمع ایجاد می‌کنند.

کشانندن مسائل خصوصی و دعوای خانوادگی به حریم عمومی آرامش همسایگان را از بین می‌برد و تفاوت فرهنگی و اخلاقی افراد به این موضوع دامن می‌زند.

۳-۵. تأثیر فرهنگ‌های غیر همسوی بر تربیت عمومی خانواده

به طور معمول در یک مجتمع مسکونی، افراد با فرهنگ‌های متفاوت و شیوه‌های مختلف زندگی دور هم جمع می‌شوند که زمینه‌ساز مشکلات فراوانی برای اعضاست. این گوناگونی در فرهنگ، فاصله‌گرفتن ساکنان از یکدیگر و خودخواهی را در آن‌ها به وجود می‌آورد. با این‌که تداخل فرهنگی، آسیب تلقی می‌شود، با فرهنگ‌سازی درست و ارتباط شایسته‌ی این گروه‌ها می‌توان از تجربه‌های مفید و سازنده‌ی فرهنگ‌های غیر هم‌سوی بهره گرفت. سنت‌های اخلاقی و انسانی قوم‌های مختلف، زمینه‌ی الگوبرداری مناسب را فراهم و این آسیب را به فرصت تبدیل می‌کند (همان، ص ۴۶-۴۸).

۴-۳-۵. رعایت نکردن حقوق در مورد مکان‌های عمومی

مکان‌های عمومی در آپارتمان‌ها، از مواردی است که خواسته یا ناخواسته باعث بروز مشکلاتی می‌شوند. راه‌پله‌ها، پارکینگ و انباری‌های مشترک از مکان‌هایی است که افراد ساکن در یک مجتمع باید با تصمیم‌گیری مشترک و به صورت قانونی از آن‌ها استفاده کنند. موارد زیر، از جمله موارد نقص این حقوق است:

۱. هرگونه تغییر در نما، سردر یا بالکن‌های اختصاصی بدون توافق بیشتر مالکان.
۲. تعمیرها و تغییرهای داخلی و خارجی که موجب آسیب رساندن به اسکلت ساختمان می‌شود.
۳. نصب سایه بان، نرده حفاظ و بند رختی که از بیرون ساختمان دیده شود و به نمای ساختمان آسیب بزند.
۴. نصب یا آویزان کردن کولر و وسیله‌های دیگر در بالکن‌ها بدون هماهنگی.
۵. قراردادن وسایل شخصی در بیرون از پنجره، پاگردهای عمومی، جلوی در ورودی آپارتمان و پارکینگ.
۶. گذاشتن مواد آتش‌زا، ماشین لباس‌شویی، قفس پرندگان و هرگونه جسم خطرناک در مکان‌های عمومی.

۷. استفاده تجاری یا اجازه دادن انباری های آپارتمان بدون هماهنگی و اجازه ساکنان.

۸. دست کاری در وسایل و امکانات ساختمان، بدون هماهنگی با مدیر.

۹. پخت و پز و برپایی مراسم جشن و عزا در مکان های مشترک.

۱۰. ورود وسایل نقلیه مهمانان، شست و شو و تعویض روغن وسایل نقلیه، داخل

پارکینگ عمومی.

۱۱. دادن کلید ورودی ساختمان، پارکینگ و تراس به افراد غیر ساکن (روزنامه قدس، ۱۳۸۴).

۵-۳-۵. آسیب های اخلاقی

از دیگر آفت های آپارتمان نشینی، اثرپذیری ساکنان از اخلاق نادرست یکدیگر است که در این میان، کودکان، نوجوانان و جوانان بیشتر در معرض خطر هستند. افزون بر فساد اخلاقی، آسیب های دیگری مانند تجمل گرایی، چشم و هم چشمی و اشرافی زدگی در سایه این نوع همسایگی به وجود می آید.

۵-۳-۶. مزاحمت های صوتی

از مهمترین شکایت های ساکنان در ساختمان های مسکونی، سرو صداهای ناهنجار همسایه هاست که مشکلات روحی و روانی فراوانی را برای اعضا ایجاد می کند. این نوع مزاحمت ها عبارت است از:

۱. سرو صدای ناهنجار دعوها و درگیری های خانوادگی و نیز ابراز هیجان ها و احساس ها بدون توجه به دیگران.

۲. سرو صدای رفت و آمد مهمان ها، به ویژه در زمان های خواب و استراحت ساکنان.

۳. صدای ناهنجار وسایل صوتی - تصویری.

۴. برگزاری مراسم جشن و عزاداری و سرو صداهای ناشی از آن.

۵. سرو صدای کودکان و اعضای خانواده در طبقه های بالا و نیز در فضاهای عمومی، مثل

پله ها، پارکینگ ها و... (همان، ص ۵۰-۵۱).

۵-۴. جلوه هایی از اخلاق همسایه داری مدرن (آپارتمان نشینی)

آپارتمان نشینی، با توجه به نوع متفاوت زندگی در آن، زمینه ساز ایجاد اخلاق و حقوقی

متفاوت از زندگی سنتی شده است؛ به همین دلیل جلوه‌های اخلاقی مثبت و منفی متفاوت در این نوع سکونت و همسایگی دیده می‌شود.

۴-۵. جلوه‌های مثبت

جلوه‌های مثبت همسایه‌داری به شرح ذیل است.

۱-۴-۵. انصاف

در زندگی آپارتمان‌نشینی، اصل انصاف است که می‌تواند ملاک درست معاشرت با همسایگان قرار گیرد؛ یعنی آن‌چه را دوست داریم در حق ما رعایت کنند، ما نیز در حق دیگران رعایت کنیم. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید: «آن‌چه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز مپسند و آن‌چه برای خود دوست داری برای برادرت هم دوست بدار» (حرانی، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

۲-۴-۵. ایثار

مهمتر از انصاف، ایثار است؛ یعنی ترجیح دادن حقوق دیگران بر خود که موجب رسیدن به مرتبه بلند انسانی می‌شود. این صفت، یکی از جلوه‌های عالی اخلاقی در زندگی آپارتمان‌نشینی است. امام علی علیه‌السلام این صفت انسانی را برترین عبادت و بزرگ‌ترین سروری دانسته است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ح ۱۱۴۸) و نیز فرموده‌اند: «اوج مکارم اخلاق، ایثار است» (همان، ح ۶۳۶۱).

۳-۴-۵. حفظ اسرار

در محیط‌های آپارتمانی گاه مشکلاتی در زمینه‌ی مسائل خانوادگی، اختلاف‌های خویشاوندی و حتی اخلاقی برای افراد پیش می‌آید. در این میان، همسایگانی که آبروی همسایه خود را در نظر نمی‌گیرند با انتشار این اسرار به گرفتاری‌ها دامن می‌زنند و زمینه‌ساز مشکلات فراوان دیگری می‌شوند. حفظ اسرار و آبروی مؤمن و مسلمان، از مسائلی است که دین بسیار بر آن تاکید می‌کند. از امام صادق علیه‌السلام در این زمینه نقل است: «هرکس درباره مؤمن، آن‌چه را دیده و گوش‌هایش شنیده است، بگوید از کسانی است که خداوند عزوجل درباره آنان فرموده است: و همانا بر کسانی که دوست دارند زشتی در میان مؤمنان آشکار شود، عذابی دردناک است» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۵۷).

۴-۱-۴. احسان و یاری

در زندگی آپارتمان نشینی، می توان مصداق های فراوانی از احسان و یاری یافت. این نوع زندگی محل رفع مشکلات و یاری متقابل همسایگان به یکدیگر است. کمک در ساخت و ساز، برگزاری مراسم، اسباب کشی، قرض دادن وسایل مورد نیاز، حل مشکلات خانوادگی، رسیدگی به همسایگان ناتوان و نیازمند و بسیاری دیگر از کمک های مادی و معنوی از نمونه های احسان و نیکی به شمار می روند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بلند پایه ترین مردم در روز رستاخیز، کسی است که از همه بیشتر برای خیرخواهی خلق خدا گام برداشته است» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۸). امام صادق علیه السلام نیز ارزش برآورده ساختن نیازهای مسلمانان را بالاتر و بالاتر از طواف کعبه می داند (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۹۴).

۵-۴-۱-۵. عفو و گذشت و تحمل همسایه

نوع زندگی در آپارتمان ها شرایط بسیار حساسی دارد و به گونه ای است که خواه ناخواه، مشکلاتی را برای همسایگان ایجاد می کند؛ سرو صداها، رفت و آمدها، میهمانی های دیروقت و رعایت نکردن قوانین مکان های عمومی از این موارد است که همسایه ی خوب با اخلاق و منش درست می تواند ضمن خویشتن داری و تحمل آن ها، آرامش را به خود و دیگران هدیه کند و از پاداش معنوی صبر و شکیبایی در این زمینه بهره مند شود. امام کاظم علیه السلام که الگوی صبر و شکیبایی است، در این زمینه می فرماید: «حُسن همسایگی این نیست که آزار نرسانی، حُسن همسایگی این است که در برابر آزار همسایه، شکیبا باشی» (حرانی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۹). در این نگاه، تحمل همسایه، شخص را به اوج مکارم اخلاق رهنمون می شود و زمینه را برای رسیدن به درجه های بلند معنوی فراهم می کند.

۶-۴-۱-۵. عفت و خویشتن داری

عفت، حیا و خویشتن داری از نمونه های برجسته امور اخلاقی در محیط های آپارتمانی و مجتمع های مسکونی است. اگر اعضای ساکن این ملکه های اخلاقی را در خود نهادینه کنند، اعتماد، آرامش و اطمینان خاطر را به خود و ساکنان هدیه خواهند کرد. امام علی علیه السلام عفت را سرآمد هر خوبی و برترین جوانمردی می داند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ح ۱۱۶۸) و می فرماید: «عفت، نفس را در امان و آن را از پستی دور نگه می دارد» (همان، ح ۱۹۸۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ثمره

عفت را خشنودی، فروتنی، بهره‌مندی، آسایش، تفقد، تذکر، تفکر و سخاوت می‌داند (حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۴).

۵-۴-۲. جلوه‌های منفی

در برابر جلوه‌های مثبت اخلاق همسایه‌داری در محیط‌های آپارتمانی، مصداق‌ها و جلوه‌های اخلاق ناپسند و نکوهیده قرار دارد که در این بخش به چند نمونه‌ی برجسته از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۵-۴-۲-۱. تجسس و فال‌گوشی

ساکنان مجتمع‌های مسکونی از پی‌جویی بی‌مورد از حال همسایه و جستجوکردن در کار و زندگی همسایگان در زندگی آپارتمانی گله‌مند هستند. فال‌گوش‌ایستادن، کنترل رفت و آمدها، پرس و جوی بی‌مورد و شایعه‌پراکنی از آثار بدهم‌سایگی است. در قرآن کریم از این امر ناپسند نهی شده است و آیه «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۲) به این مطلب اشاره می‌کند. رسول خدا ﷺ نیز در این مورد فرمود: «از گمان دوری کنید، زیرا گمان، دروغ‌ترین سخن است. به سخنان مردم گوش فراندهید و عیبشان را پی‌جویی نکنید» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۱۹۵).

۵-۴-۲-۲. تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی

گاه رفت و آمد در محیط‌های آپارتمانی و نشست و برخاست همسایگان به رقابت‌های بیهوده و نادرست می‌انجامد و زمینه مصرف‌گرایی و تحمل هزینه‌های سنگین را برای آن‌ها فراهم می‌آورد. از عوامل مهم و اثرگذار در این نوع اخلاق، فخرفروشی همسایگان به یکدیگر است که بسیار زشت و ناپسند است. خداوند در قرآن هشدار می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (لقمان: ۱۸). حضرت علی (ع) نیز در این زمینه فرموده است: «دو چیز مردم را نابود کرده است، ترس از نداری و فخرجویی» (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۶۹، ح ۱۰۲).

۵-۴-۲-۳. خودمحوری و خودخواهی

از آن‌جا که مجتمع‌های مسکونی شامل قسمت‌های مشترک و عمومی است، زیاده‌طلبی‌ها و خودخواهی‌های برخی ساکنان، زمینه‌ساز مشکلات فراوانی است. گذاشتن قفس پرندگان در مکان‌های عمومی، قراردادن گلدان‌ها در راه‌پله‌ها، ایجاد سروصدای ناهنجار، آشغال‌ریختن در پارکینگ عمومی و در نهایت زیر پا گذاشتن تعهدها و قانون‌های

آپارتمان نشینی از مصداق های این اخلاق نکوهیده است که در شکایت های همسایگان به چشم می خورد. شخص خودخواه و خودپسند، نه تنها دیگران را آزار می دهد، بلکه زمینه گوشه نشینی خود را نیز فراهم می کند. از دیگر آثار این رذیله اخلاقی، نارضایتی دیگران، دشمنی و کینه توزی، حماقت و نابودی است که در روایت ها به آن اشاره شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «هیچ تنهایی ای وحشت انگیزتر از خودپسندی نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۴۶) و همچنین در حدیث دیگری از ایشان آمده است: «حرمتی بالاتر از حرمت هم نشینی و همسایگی نیست» (تمیمی آمدی، ح ۹۶۷)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله شخصی را دنبال کاری فرستاد که وی در انجام دادن آن تأخیر کرد. چون آمد، حضرت سبب دیرکردن را جویا شد، او عرض کرد لباس نداشتم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مگر همسایه ای نداشتی که به رسم عاریه، تن پوشی به تو دهد». گفت همسایه دارم، ولی با من الفت ندارد که این گونه به من لطف کند. حضرت با ناراحتی و تأسف فرمود: «او با تو اخوت دینی ندارد و در اندوه و شادی ات شریک نیست» (اقدمی، ۱۳۷۰، صص ۲۲۲-۲۲۳). امام حسن مجتبی علیه السلام می گوید: «در دوران کودکی، شبی بیدار ماندم و به نظاره مادرم زهرا علیها السلام پرداختم، در حالی که مشغول نماز شب بود. پس از آن که نمازش به پایان رسید، متوجه شدم در دعاهایش یک یک مسلمانان را نام می برد و آن ها را دعا می کند، خواستم بدانم که درباره خودش چگونه دعا می کند، اما با کمال تعجب دیدم که برای خود دعا نکرد. فردا از او پرسیدم: «چرا برای همه دعا کردی، اما برای خودت دعا نکردی؟» فرمود: «پسرم، اول همسایه بعد خودت» (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۱، باب ۱۴۵).

۵-۵. الزامات آپارتمان نشینی

این الزامات به شرح ذیل است.

۱-۵-۵. حریم شخصی

نزدیکی خانه ها در بسیاری از آپارتمان ها موجب شنیده شدن صداها در بیرون از واحدهای آپارتمانی و کنترل آسان تر رفت و آمدهای همسایه ها می شود. بسیاری از مردم طبق فرهنگ محلی و ملی خود دوست دارند با همسایه ها صمیمی باشند و سعی می کنند رفت و آمدها را گسترش دهند. برخی نیز دوست دارند همکاری گسترده ای برای

حل مشکلات و یا ارتقای مجتمع یا بلوک مسکونی خود داشته باشند؛ در نتیجه ناخودآگاه از اسراری آگاه می‌شوند که در غیراز بستر آپارتمان‌نشینی هویدا نمی‌شود. براین اساس لازم است صمیمیت‌ها، رفت و آمدها، همکاری‌ها و دخالت‌ها کنترل شده باشند تا از خدشه دار شدن حریم شخصی دیگران جلوگیری شود. البته ممکن است این محدودسازی به فردگرایی و جامعه‌گریزی منجر شود و روحیه افراد را زمخت و غیرقابل انعطاف کند. به همین دلیل لازم است آپارتمان‌نشینان نسبت به حریم خصوصی خود انعطاف‌پذیرتر باشند و از سوی دیگر همسایگان باید تلاش کنند از تجسس در اسرار دیگران امتناع کنند.

۵-۵-۲. رعایت حقوق

رعایت حقوق دیگران مستلزم شناخت حقوق خود و دیگران است؛ بنابراین مطالعه کتب حقوقی و اخلاقی درباره همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی برای همه آپارتمان‌نشینان ضرورت پیدا می‌کند. تمام آپارتمان‌نشینان باید حقوق متقابل را رعایت کنند، حتی اگر دیگران وظایف خود را در قبال آنان انجام ندهند. چه بسا افرادی که از روی عدم آگاهی، فراموشی، غفلت و یا حتی از روی کدورت حقوق شما را نادیده بگیرند. انتقام‌گیری و مقابله به مثل در این موقعیت‌ها نه تنها مشکلات را حل نمی‌کند، بلکه به کدورت‌ها و بدرفتاری‌ها دامن می‌زند.

۵-۵-۳. رعایت سکونت

واقعیت این است که افراد به واسطه شهرنشینی، آپارتمان‌نشین شده‌اند و از پیامدهای شهرنشینی، بیشتر آن‌ها مشاغلی دارند که در اوقات مختلفی از روز مشغول به کارند؛ برخی شب‌ها، برخی صبح‌ها و برخی دیگر عصرها کار می‌کنند و در اوقات روز ممکن است یکی از همسایه‌ها در حال استراحت باشد. این مسأله فشار روانی بیشتری دارد؛ زیرا اجازه فعالیت و جنب و جوش کودکان را مختل می‌کند. بنابراین پدر و مادران ناچارند یا کودکان را پای تلویزیون بنشانند و یا هرچند دقیقه به آن‌ها تذکر بدهند که البته تذکرات مکرر نتیجه معکوس می‌دهد و بچه‌ها را لجباز می‌کند. لازم است آپارتمان‌نشینان نه به سوی حذف سرو صدا، بلکه به سمت کنترل بهینه آن پیش بروند و از ایجاد سرو صداها و غیرمتعارف و آزاردهنده از ساعت ۱ تا ۴ بعد از ظهر و ۹ شب تا ۹ صبح که معمولاً زمان استراحت است،

خودداری کنند. همچنین صدای رادیو، تلویزیون و وسایل صوتی را طوری تنظیم کنند تا برای همسایگان مزاحمت ایجاد نکنند.

۴-۵-۵. تعارضات ارتباطی

زندگی در آپارتمان نوعی زندگی اشتراکی است. در اغلب زندگی‌های قدیمی همه‌ی اعضای خانواده در یک خانه بزرگ زندگی می‌کردند و هرکسی با زن و فرزند خود در گوشه‌ای از حیاط، خانه‌ای داشت. زنان خانه در تمیزکردن حیاط، آشپزی و... و مردان در کار تعمیر خانه، کشتن گوسفند و... با هم همکاری می‌کردند، البته گاهی تعارضاتی هم پیش می‌آمد که با پادرمیانی بزرگ خانه همه چیز حل می‌شد. زندگی اشتراکی آپارتمان از این لحاظ شباهت زیادی به خانه‌های بزرگ قدیمی دارد، با این تفاوت که مدیر ساختمان پدر خانواده نیست، بلکه یکی از اعضاست. عدم پای بندی ساکنان به آموزه‌های الهی و اخلاقی، انگیزه‌ی مدارا، عفو، گذشت، ایثار، تسامح و تساهل، اغماض، احسان و کرم را از آنان می‌گیرد و باعث می‌شود دیگران را آزار و اذیت کنند و حتی از این کار خود لذت ببرند. در گذشته چینش خانه‌های افقی بود نه عمودی؛ به همین دلیل خانه‌ها فاصله مناسبی از هم داشتند و بسیاری از تعارضات درون خانه تمام می‌شد و به بیرون درز نمی‌کرد. در مواردی هم که تعارضات علنی می‌شد کسانی مطلع می‌شدند که رابطه نسبی یا سببی داشتند و راز همدیگر را حفظ می‌کردند، اما در زندگی آپارتمانی که خانه‌ها بدون رعایت فاصله مناسب طراحی شده‌اند، همسایگان با همدیگر رابطه نسبی و سببی ندارند و برای همین درزکردن برخی چیزها، به برملا شدن اسرار منجر می‌شود. ساکنان آپارتمان‌ها باید بتوانند تعارضات ارتباطی خود را با همسایگان و محیط اطراف، مدیریت کنند. وقتی هنگام خروج از منزل، نگاه شما به صورت ناخواسته به درون واحد دیگری افتد و نگاه عمد از آن برداشت می‌شود، وقتی همسایه بی سرو صدای شما با مهمانان پرسرو صدای شما مواجه می‌شود، وقتی فرزند شما به یکی از اموال مشترک یا به بچه دیگری آسیب می‌رساند، وقتی مجبورید برای تعمیر قسمت‌هایی از ساختمان با هم مشارکت کنید و هرکسی احساس می‌کند در آسیب دیدن آن قسمت مقصر نبوده، اما هزینه بیشتری نسبت به دیگران پرداخت می‌کند و مواردی از این دست اگر با سعه‌ی صدر و درایت مدیریت نشوند، تنش‌زا، تعارض آفرین و باعث بدگمانی‌های مخرب هستند.

۵-۵-۵. فضاهای عمومی

راهروها، فضای سبز، محوطه، پارکینگ، انباری‌ها، آسانسورها و... جزء فضاهای عمومی محسوب می‌شوند که همه به صورت مشاع در آن مالکیت دارند و به صورت اشتراکی از آن‌ها استفاده می‌کنند. همه باید با فضاهای عمومی مانند اموال شخصی برخورد کنند و اجازه تخریب و آلوده کردن آن را به کودکان و دیگران ندهند.

۵-۵-۶. هیئت مدیره و مدیر ساختمان

اگر در خانه‌های قدیمی پدربزرگ همه را اداره و هزینه‌ها را مدیریت می‌کرد، در آپارتمان‌ها هیئت مدیره و مدیر از لحاظ حقوقی و قانونی این وظیفه را بر عهده دارند. هیئت مدیره و مدیر ساختمان باید برای تک‌تک کرده‌های خود گزارش مستند ارائه دهد و همه را در این جریان امور قرار دهند. یکی دیگر از کارهای هیئت مدیره حل تعارضات قانونی بین اعضای آپارتمان‌هاست. با این حال به دلیل این‌که ساکنان، فرهنگ‌های متفاوتی دارند، وجود هیئت مدیره و یا مدیر ساختمان همیشه گره‌گشا نیست و حتی در برخی اوقات مشکل‌آفرین نیز هست. ساکنان ساختمان برای این‌که در کنار هم بتوانند زندگی آرامی را بگذرانند، باید به هیئت مدیره‌ای که خودشان انتخاب کرده‌اند، اطمینان کرده و آن‌ها را در اداره بهتر ساختمان یاری کنند. این همکاری ثمرات و برکات خوبی مثل ایجاد صمیمیت، داشتن ساختمانی باصفا و معنوی و رعایت بهداشت را دارد که تنها در سایه همکاری تمام ساکنان با مدیریت حاصل می‌شود.

۵-۵-۷. ورزش و سلامتی

فضای کوچک آپارتمان، استفاده از آسانسور و زندگی کارمندی، تحرک افراد را به شدت کاهش داده و عوارضی چون چاقی، دیابت، چربی خون و... را بوجود آورده است. در این وضعیت برای ورزش یا باید از وسایل ویژه مثل دوچرخه درجا استفاده کرد که البته هزینه‌های نسبتاً سنگینی دارند و یا به باشگاه رفت، ورزش همگانی در محوطه‌ی مجتمع آپارتمانی، در صورتی که مدیریتی صحیح داشته باشد و همگان را به امر ورزش دعوت کند، مطلوب‌ترین روش ورزش است که موجب صمیمیت همسایگان می‌شود. با این‌که ممکن است عده‌ای در آن حضور نداشته باشند و یا برخی از خانم‌ها به جهت رعایت

حریم های محرم و نامحرم از حضور در چنین ورزش هایی محروم بمانند، اما در هر حال این کار، روحیه ی ورزش را بر همگان القا می کند.

۸-۵-۵. بازی کودکان

کودکان به لحاظ شرایط سنّی نیاز به جنب و جوش و بازی دارند. آپارتمان از این حیث که در یک محیط کوچک، جمعیت زیادی را در بردارد به شدت محدودکننده است. این محدودیت ها، عوارض فراوانی مانند بیش فعالی، گوشه گیری، ضعف اعصاب، افت تحصیلی، بی خوابی، کم تحرکی، چاقی و... را با خود به دنبال دارد. بازی های کودکان در آپارتمان به بازی های رایانه ای، تماشای تلویزیون و بازی های بی تحرک دیگر خلاصه می شوند و کودکان اوقات کمی را به بازی با وسایلی مثل تاب، سرسره و... که در محوطه مجتمع گذاشته شده است، اختصاص می دهند. والدین معمولاً هر هفته یا دو هفته یک بار فرزندان خود را به پارک های بازی می برند. زمان کم و رسمی بودن بازی از یک سو و هزینه بالای این وسایل، نوعی سیراب نشدن را به بچه ها و والدین القا می کند.

۹-۵-۵. همسایگی متفاوت

آپارتمان علاوه بر این که شیوه های رفتاری بسیار متفاوتی را طلب می کند، ماهیت همسایگی را نیز تغییر داده است. در جامعه ی سنّتی، همسایه کسی بود که خانه او دیوار به دیوار خانه ما بود و یا در کوچه و محله ما زندگی می کرد و به تناسب دور یا نزدیک بودن خانه اش با خانه ی ما، میزان صمیمیت و رفت و آمدهای ما نیز تغییر می کرد. عامل بسیار مهم در روابط همسایگی معمولاً میزان مشارکت همسایگان در حل و فصل معضلات محله و کوچه بود، اما در آپارتمان، همسایه کسی است که با ما راه پله، حیاط، پارکینگ و پشت بام مشترک دارد. اگر در زندگی سنّتی ممکن بود برای یک هفته همسایه را نبینیم، در آپارتمان تقریباً هر روز با همسایه مواجه می شویم؛ از همین رو نهادینه ساختن ارزش های متناسب با این فضا ضروری است.

۱۰-۵-۵. تربیت فرزندان

استرس های ناشی از آپارتمان نشینی اجازه تربیت اصولی را به خانواده ها نمی دهد. کودکان لوس و به اصطلاح بچه ننه، بیش فعال، ناسازگار و حرف گوش نکن محصول

مشترک آپارتمان‌نشینی و تکنولوژی روز است. جامعه‌پذیری در کودکان آپارتمان‌نشین و دارای خانواده‌ی کم جمعیت در حد بسیار پایینی است. این کودکان در بزرگسالی با مشکلات فراوانی مانند عدم توان برقراری یک ارتباط صحیح و عدم تحمل مشکلات دست به گریبان می‌شوند. در آپارتمان‌نشینی نمی‌توان کودکان را به خیلی از ندراری‌ها عادت داد تا تحملشان بالا برود. نگاه سنگین همسایگان، پدر و مادرها را مجبور می‌کند تا مطابق با خواسته‌های کودکان رفتار کنند. بهانه‌گیری‌های کودکان با دیدن دوچرخه، ماشین شارژی، کامپیوتر، اتاق مخصوص، موبایل، کلاس زبان، کلاس کنکور، کلاس‌های آمادگی برای مدارس نمونه دولتی، تبلت و... اوج می‌گیرد. این جاست که پدر باید هزاران قرض و وام فراهم کند تا بتواند از پس مخارج برآید. گوشه‌گیری ارمغان نامیمون آپارتمان‌ها به کودکان است، اما اگر اهالی مجتمع‌های آپارتمانی قنابت فرهنگی و اخلاقی با همدیگر پیدا کنند، کودکان از گوشه‌گیری نجات پیدا کرده و دوستان فراوانی می‌یابند. برگزازی کلاس‌های آموزشی، مهارت‌های تجوید قرآن، مهارت‌های هنری و ورزشی از جمله راهکارهای نجات از این معضلات است.

۵-۶. توصیه‌های اسلام به آپارتمان‌نشینان، آپارتمان‌سازان و مسئولین

اسلام مسائل اجتماعی را با محوریت عقل و عرف حل می‌کند و همواره راهکارهای آن تدریجی و متناسب با طبع انسان‌هاست.

۵-۶-۱. ویژگی‌های غیرفیزیکی خانه

برخی ویژگی‌های غیرفیزیکی خانه در آیات به شرح ذیل است.

۵-۶-۱-۱. جایگاه آرامش

قرآن کریم می‌فرماید: «خدا خانه‌هایتان را جای آرامشتان قرار داد و از پوست چهارپایان برایتان خیمه‌ها ساخت تا به هنگام سفرو به هنگام اقامت از حمل آن‌ها در رنج نیفتید و پشم و کرک و مویشان تا روز قیامت برایتان اثاث خانه و اسباب زندگی ساخت» (نحل: ۸۰). ایجاد سرو صدا، نور غیرمتمعارف در شب‌ها، نگه‌داری حیوانات خانگی و... که آرامش دیگران را به هم می‌ریزد و متاسفانه امروز در آپارتمان‌ها رواج دارد، مذموم و از دیدگاه قرآن

مورد نهی قرار گرفته شده است. برگزاری جشن، عزا، دعا، سخنرانی و... که به طور مستقیم با ایجاد سرو صدا، رفت و آمدهای غیرمعمول و مسائلی از این دست آرامش دیگران را به هم می‌ریزند، مشمول ممنوعیت‌های این آیه خواهد بود.

۲-۱-۶-۵. نعمت الهی

خداوند در آیه‌ی ۸۱ سوره نحل، داشتن خانه و خانه فراخ را جزء سعادت مرد می‌شمارد.

۲-۶-۵. ویژگی‌های فیزیکی خانه

از جمله ویژگی‌های فیزیکی خانه در آیات و روایات، موارد ذیل است.

۱-۲-۶-۵. استحکام بنا

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «به راستی خدای متعال دوست دارد، هریک از شما هرگاه کاری می‌کند آن را محکم و استوار کند» (حرعاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲۳۰). این حدیث شامل همه کارها از جمله ساختمان‌سازی است.

۲-۶-۵. وسعت خانه

در روایت نبوی وارد شده است: «از خوشبختی مرد مسلمان داشتن مسکن فراخ است» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۵۲۶). امام باقر علیه السلام در تاکید همین مطلب بیان کرده است: «از سختی زندگی، تنگی منزل است» (همان، ج ۶، ص ۴۵۰). وسعت خانه زمینه‌ساز اجرای برنامه‌های اسلام در جامعه از جمله امکان تحقق تفریح و شادابی با فراخ‌بودن منزل، راحتی مؤمن در خانه، ایجاد سعادت دنیوی و اخروی با خانه وسیع و پوشاندن عیب‌ها و حفظ حریم خصوصی است.

۳-۲-۶-۵. درهای روبه رو

مسأله‌ای که امروز با آن مواجه هستیم، این است که در واحدهای مختلف رو به روی هم قرار گرفته است و در صورت باز شدن، حریم خصوصی افراد به اشتراک گذاشته می‌شود؛ بنابراین اتاق‌ها باید طوری ساخته شوند که نسبت به همدیگر دید نداشته باشند و حریم خصوصی اهالی خانه رعایت شود.

۴-۲-۶-۵. آشپزخانه

محل قرارگرفتن آشپزخانه هم از نظر عفت و حیا و هم پخت و پز غذا باید خارج از

دید مهمان باشد. آیه‌ی ۲۶ سوره ذاریات به این مهم اشاره می‌کند که صاحب خانه دور از چشم مهمان به سراغ تهیه غذا برود. در منابع اسلامی به پنهان کردن بوی غذا از مهمان و همسایگان تأکید شده است. این کار زمانی امکان دارد که آشپزخانه دور از چشم مهمان و حاضرین باشد. بنابراین آشپزخانه نه به صورت اُپن، بلکه باید به صورت مخفی طراحی شود تا رعایت حیا و عفت در آن صورت بگیرد و بوی غذا نیپچد.

۵-۲-۶-۵. سرویس بهداشتی

محل سرویس‌های بهداشتی در آپارتمان‌ها به شدت با آموزه‌های اسلامی در تعارض است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آیا نمی‌بینی که از نیکویی تقدیر خانه که آدمی بنا می‌کند، آن است که بیت الخلا (سرویس بهداشتی) پنهان‌ترین جای خانه باشد؟» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۸۷). در برخی آپارتمان‌ها حمام و توالت مشترک است که از نظر اسلام مطلوبیت ندارد. همچنین استفاده از توالت فرنگی با استناد به روایات فراوان خوب نیست.

نتیجه‌گیری

متأسفانه در دنیای ماشینی امروز، روابط عاطفی و انسانی مردم با یکدیگر چنان به ضعف و خاموشی گراییده است که همسایگان نزدیک هم خبری از حال همدیگر ندارند و حتی گاهی پس از چندین سال سکونت در یک محل، هنوز از نام هم بی‌خبرند. این در حالی است که خداوند در قرآن مجید، همه انسان‌ها را به احسان همسایگان سفارش می‌کند و می‌فرماید: «به پدر و مادر و... همسایه نزدیک و همسایه دور احسان کنید». (نساء: ۳۶) و امام علی علیه السلام در آخرین وصیت‌های خویش در نامه ۴۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «از خدا بترسید! از خدا بترسید! درباره همسایگان که همواره مورد سفارش پیامبرتان بوده‌اند. (آن حضرت) به قدری درباره آنان سفارش می‌کردند که گمان می‌بردیم برای ایشان میراثی قرار خواهد داد». رفتار نیک همسایگان با یکدیگر می‌تواند سرچشمه برکت‌های فراوان باشد. وجود همسایه خوب برای آدمی، نعمتی ارزشمند است و رفت و آمد، رسیدگی، احوال‌پرسی، یاری، عیادت، انفاق و صدقه، رفع نیاز و همدردی از جمله وظایف همسایگان و نشانه جوانمردی است. در این پژوهشگر، پس از بیان ضرورت طرح اخلاق همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی، به باید‌ها

و نبایدهای این ارتباط پرداخته شد و آثار نامطلوب همسایه آزاری و راهکارهای مناسب را برای احیای آداب اصیل اسلامی در سایه سار کتاب و سنت بازگو شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که افزایش استرس‌های روانی، آزار همسایگان، کاهش حیا، حاکم شدن زندگی فردی، دوری از جامعه‌پذیری، از بین رفتن هویت اجتماعی فرد، بروز بیماری‌های جسمی و روحی در اثر کم‌تحرکی ناشی از کمبود جا، از پیامدهای منفی آپارتمان‌نشینی است. بررسی اخلاق همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی و بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن و بیانات معصومین علیهم‌السلام برای کاهش آسیب‌های زندگی آپارتمان‌نشینی، ضرورتی برای راهیابی به مسیر صحیح اخلاق است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است.

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۴). *تحت العقول*. ترجمه صادق حسن زاده. قم: انتشارات آل علی علیه السلام.
۲. ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۸۵). *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*. تهران: نورالثقلین.
۳. _____ . (۱۳۷۵). *کیمیای سعادت*. ترجمه میرزا ابوطالب زنجانی. تصحیح ابوالقاسمی امامی.
۴. ابن منظور، محمد. (۱۴۱۶ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۵. اقدمی، عبدالکریم. (۱۳۷۰). *درس‌هایی از تاریخ*. تهران: رسالت قلم.
۶. پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۷۲). *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۰). *غرر الحکم و درر الکلم*. تحقیق میرسیدجلال الدین محدث. تهران: دانشگاه تهران.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۲ق). *وسائل الشیعه*. تحقیق عبدالرحیم ربانی. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۹. خرائی، حسن بن علی. (۱۳۸۲). *تحف العقول عن آل الرسول*. تحقیق، علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین. (۱۳۹۲). *مفردات الفاظ القرآن*. تهران: مکتب المرتضویه.
۱۱. زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی. (۱۳۸۲). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. ترجمه محمد رضا انصاری محلاتی. قم: نسیم کوثر.
۱۳. _____ . (۱۴۰۰ق). *الامالی*. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۱۴. _____ . (۱۳۹۸ق). *التوحید*. تحقیق سیدهاشم حسینی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۵. _____ . (۱۴۰۳ق). *الخصال*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۶. _____ . (۱۳۸۰). *علل الشرایع*. ترجمه محمدجواد ذهنی. قم: مؤمنین.
۱۷. _____ . *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. تحقیق سید مهدی حسینی لاجوردی. تهران: مکتبه جهان. بی تا.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۴۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۳ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. قم: منشورات کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۰. _____ . (۱۴۱۴ق). *مکارم الاخلاق*. تحقیق علامه آل جعفر. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷ق). *تهذیب الاحکام*. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.
- _____ . (۱۳۰۰ق). *سبل السلام*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲۲. فلاح، محمد جواد. (۱۳۹۲). اخلاق همسایه داری و آپارتمان نشینی. تهران: کتاب نشر.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۹). اصول کافی، ترجمه و شرح فارسی. محمدباقر کمره‌ای. تهران: انتشارات اسوه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۲). بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار أئمه الاطهار علیهم السلام. تهران: چاپ دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳). منتخب میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی قمی. قم: تهران: دارالحديث.
۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). پیرامون انقلاب اسلامی. قم: صدرا.
۲۷. معین، محمد. (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۲). تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳۰. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. (۱۳۷۳). تفسیر راهنما. قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه.

نگاهی به الگوهای رفتاری و اخلاقی

حضرت فاطمه علیها السلام^۱

ستاره موسوی^۲

چکیده

تربیت فرزند صالح، از مهمترین مسایل حیات بشر است. والدین و به ویژه مادران، باید با راه و رسم تربیت دینی فرزندان آشنا شوند تا نقش خود را در پرورش فرزند، به بهترین شکل انجام داده و شایسته ترین خدمت را به خانواده و جامعه اسلامی کنند. در نوشتار حاضر به بررسی سیره ی حضرت فاطمه علیها السلام که در دامن پاک ترین و بزرگ ترین مربی بشریت رسول خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافته، پرداخته شده است و نمودهای اخلاقی و رفتاری آن بانو مورد توجه قرار گرفته است. هدف اصلی پژوهش، بررسی الگوهای رفتاری و اخلاقی فاطمه علیها السلام در سبک زندگی اسلامی، مانند ایمان، اخلاص، زهد، ایثار، عدالت، عفاف، صداقت و ادب و ارائه راهکارهای تربیتی به منظور تحقق هرچه بیشتر آموزه های ایشان است. تحقیق حاضر با روش تحلیلی و توصیفی و استناد به بیانات گران بهای قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام انجام شده و برای کاربری این الگوها در عصر حاضر، راهکارهای تربیتی ارائه شده است.

واژه های کلیدی: فاطمه علیها السلام، الگوی رفتاری، الگوی اخلاقی، تربیت دینی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۰

۲. دانش آموخته دکتری علوم تربیتی دانشگاه اصفهان و آموزگار ابتدایی setarehmousavi@gmail.com

مقدمه

فاطمه علیها السلام الگوی همه‌ی زنان و مردان است. فاطمه علیها السلام وجودش از عبادت و نماز بود؛ هنگامی که در محراب عبادت می‌ایستاد، هفتاد هزار فرشته مقرب بر او درود و سلام می‌فرستادند. بیشتر مردم بر این باورند که وجه احترام و شکوه حضرت زهرا علیها السلام به این دلیل است که او دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ در حالی که از مقام معنوی و عظمت روح این بانوی سترگ اسلام و مقام ولایت کبرای ایشان غافلند. حضرت فاطمه علیها السلام از نور آفریده شد، با نور زندگی کرد و با نورش جهان را تا ابد روشن کرد. زندگی حضرت زهرا علیها السلام با وجود کوتاهی عمر شریف‌شان که حتی به دو دهه هم نرسید، آینه تمام‌نمای یک زندگی کامل و جامع دینی است (پیشوایی، ۱۳۸۹، ص ۵۲). مطالعه در روش زندگی ایشان، هر انسان حقیقت‌جویی را به حقیقت زندگی رهنمون می‌کند. فاطمه زهرا علیها السلام یکی از حجت‌های خداوند و الگو و رهبر است. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تنها زن معصوم در امت اسلامی است که نقش رهبری داشته و به منزله حجت و اسوه برای مردم معرفی شده و اطاعتش نیز واجب است؛ بنابراین ابعاد فکری و زندگی ایشان باید از ابعاد مختلف شناخته شود (دشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

گرایش به الگو، نیاز بشری است که در جهت کمال‌گرایی و تکامل‌طلبی به طور فطری در درون انسان‌ها نهاده شده است و علم امروز آن را «همانندسازی» می‌نامند. از این رو نیاز به سرمشق‌گیری از سیره معصومین علیهم السلام، در آموزه‌های دینی به طور آشکار مورد توجه قرار گرفته است و قرآن کریم به صراحت، به معرفی سیره‌ها و اسوه‌های «مثبت» و «منفی» می‌پردازد و اسوه‌های مثبت ثابتی را مطرح می‌کند که در تمام اعصار و برای همه نسل‌ها قابل اتکا و پیروی در عمل هستند. اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را به عنوان نمونه و الگوی عملی معرفی کرده است. رمز ماندگاری الگوها «زنده بودن تفکر و اندیشه الگوهای مطرح شده»، «همسویی سیره و سخن آنان با فطرت انسان‌ها»، «یکسان بینی جهان بینی و آرمان‌ها» و «شناخت پیروان آنان» است. هر قدر این شناخت وسیع‌تر و عمیق‌تر باشد، بهتری می‌توان محتوای پیام، گفتار و رفتار آنان را به دست آورد و از آن‌ها در جهت رسیدن به سعادت، تکامل و تحقق ارزش‌های فطری و الهی بهره برد. شناخت و معرفت نسبت به الگوهای شایسته، مانع هدر رفتن یگانه سرمایه آن‌ها (عمر) می‌شود. تأثیر الگو و نقش‌پذیری انسان، امری طبیعی است که از غریزه تقلید سرچشمه

می‌گیرد (امینی، ۱۳۷۲، ص ۹۸). البته برخلاف نظر اگزیستانسیالیست‌ها، الگوسازی که براساس تدابیر صحیح طراحی شود، مغایر با آزادی شخصی نیست؛ چنان‌که اسلام با تأکید بر حفظ حریت آدمی و رعایت آزادی‌های شایسته بشر و با توجه به روحیه تأثیرپذیری انسان، اصل پیروی جاهل از عالم و الگوپذیری از نمونه‌های راستین را مورد تأکید قرار داده است (صانعی، ۱۳۷۸، ص ۴۴)؛ براین اساس، قرآن کریم، از حضرت آسیه (علیها السلام)، مریم (علیها السلام)، ابراهیم (علیهم السلام) و پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به عنوان الگوهای شایسته نام برده است. حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز به عنوان سرور همه زنان تاریخ، حتی بر حضرت مریم (علیها السلام) برتری دارد (کلینی، ۱۳۶۵، ۱، ۲۳۹). امامان معصوم (علیهم السلام) که خود الگوی همگان در تمام ابعاد وجودی‌اند، فاطمه زهرا (علیها السلام) را اسوه شایسته خویش معرفی می‌کنند. حضرت فاطمه (علیها السلام) نه تنها الگوی یک زن مسلمان و نمونه مکتب اسلام برای زنان است، بلکه اسوه تمام جهانیان در ابعاد مختلف زندگی است.

سیره معصومین (علیهم السلام) در نظام فکری و فقهی شیعه از همان جایگاهی برخوردار است که قرآن و احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن جایگاه قرار دارند، از این روش‌ناخت سیره معصومین (علیهم السلام) در قلمرو فقه، سیاست و اخلاق کاربرد وسیع دارد و هیچ عالم دینی و فقیه شیعی نمی‌تواند از دانستن آن بی‌نیاز باشد. دانستن سیره معصومین (علیهم السلام) هرچند به اجمال برای هر مبلغ و دانای دین از جهات ذیل لازم و ضروری است:

الف: آشنایی با مبانی دینی؛

ب: آشناساختن دیگران با معارف دینی؛

ج: استنباط دیدگاه‌های دینی در موضوعات مختلف از سیره معصومین (علیهم السلام)؛

د: استدلال به سیره برای اثبات نظریات دینی (حسینی زاده، ۱۳۶۸، ۴۲).

در میان اهل بیت (علیهم السلام)، حضرت زهرا (علیها السلام) دارای جایگاه ویژه‌ای است. حضرت زهرا (علیها السلام) فرزند رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)، همسر امام اول شیعیان و مادر یازده امام است. زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) اسوه و نمونه خوبی برای عبرت‌آموزی و الگو برداشتن است. ایشان زندگی ساده و بی‌آلایش و در عین حال بابرکت داشتند. از این جهت که در طول عمر کوتاه خود دنیایی از درس‌ها را برای بشریت در طول تاریخ باقی گذاشتند؛ درس‌هایی سرشار از معنویت که روشنگر راه انسان‌هاست. الگوگرفتن از ایشان می‌تواند در زندگی انسان‌های آزاداندیشی که می‌خواهند

سیرو سلوک سعادت الهی را بپیمایند و تقوا را پیشه زندگی کنند تا به فلاح و رستگاری برسند، راه‌گشای بسیار خوبی باشد. آشنایی با سیره زندگی حضرت زهرا علیها السلام می‌تواند باعث پیشرفت جامعه اسلامی و مانع از انحطاط و سقوط جامعه شود. در زندگانی شخصی ایشان نیز کیفیت زندگی، معاشرت با همسر و فرزندان و ساماندهی و مدیریت امور خانه، شاخص‌ترین الگو برای خانواده‌هاست. ایشان آیین همسرداری و خانه‌داری را به خوبی رعایت کرده و در زندگی، شریک و همراه همیشگی امام علی علیه السلام بود.

مسلمانان باید در اشاعه فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و ائمه‌شناسی بکوشند تا به وحدت اسلامی برسند و مانع از انحطاط جامعه اسلامی و مداخله سودجویان شوند؛ در پرتو این وحدت به گسترش دین اسلام در جهان پرداخته، برپهنه جهان اسلام بیفزایند و زمینه ساز ظهور حضرت حجت (عج) شوند. کسانی که در زندگی، سیره معصومین را لحاظ نمی‌کنند، همواره هستی خود را در قالبی مبهم و تاریک خواهند یافت، زیرا پالایشگاه درونی آن‌ها از تصفیه‌ی واقعیاتی که از طرف هستی به درونشان وارد می‌شود، ناتوان است و در نتیجه، هم به خود و هم به جامعه اسلامی آسیب وارد می‌کند. آنان همه‌ی واقعیات هستی را عبث و بی‌اساس می‌بینند؛ زیرا درونشان را هوا و هوس پرکرده است و از سیره معصومین علیهم السلام دور شده‌اند؛ به همین جهت است که هرگز دنیا را جدی نمی‌گیرند (جلالی، ۱۳۸۰، ص ۴۷). بی‌شک اهمیت تأثیر سیره معصومین علیهم السلام در سلامت معنوی فرد و جامعه، لزوم پرداختن به این امر مهم در همه‌ی دوره‌های زندگی انسان را نمایان می‌کند؛ زیرا تجربه نشان داده است که انسان، خواه متدین و خواه غیرمتدین، هیچ‌گاه حتی در دوره مدرن و پسامدرن، بی‌نیاز از اسوه و الگوی فرهنگی و مقدس نبوده و نیست؛ بنابراین تبعیت از سیره معصومین علیهم السلام نقشی بسیار مهم در سلامت روح انسان و سعادت و خوشبختی فرد و جامعه دارد و از این جهت نیازمند توجه بیشتر است (وطنی، ۱۳۹۲، ص ۶۲). به ویژه که ایرانیان نیز از دیرباز، به عنوان ملتی مسلمان و مؤمن مشهور بوده‌اند و دیدگاه‌های معصومین علیهم السلام در زمینه‌های مختلف مورد توجه مربیان و اولیا بوده است. وجود انسان به گونه‌ای ضعیف و ناقص آفریده شده است؛ به گونه‌ای که باید خود، ابعاد هستی خود را شکل دهد و به کمک قدرت اندیشه و اراده خویش استعدادهای مختلفش را شکوفا سازد و به کمال لایق خود برسد. این توانمندی‌ها و ذاتیات پاک انسان رشد نمی‌یابد،

مگر این که با مشورت و راهنمایی دانشمندان جهان اسلام، با آرا و سیره معصومین (علیهم السلام)، چون حضرت فاطمه (علیها السلام) آشنا شده و در رویه زندگی خود جاری سازند. بخشی از استعدادها و ابعاد وجود انسان، خلقیاتی هستند که کسب می‌کند. اخلاق، استعدادی است که در وجود انسان نهفته است و برای آن که انسان به کمال لایق خود برسد، باید این جنبه از وجودش را نیز شکوفا سازد و این نوع کمال به واسطه سیستم اخلاقی میسور است (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۳۰۶). دین انسان ساز اسلام که برنامه‌اش رساندن انسان‌ها به اوج قله انسانیت و کمال و قرب پروردگار است، به الگوگیری از معصومین (علیهم السلام) عنایتی ویژه دارد و بخش عظیمی از روایات و سخنان گهربار معصومین (علیهم السلام)، به ارائه رویه‌های عمل محور در جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و عبادی اختصاص یافته است (جوادی‌املی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۱). پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی الگوهای رفتاری و اخلاقی حضرت فاطمه (علیها السلام) با استناد به آیات و روایات پرداخته است تا بتواند قدمی کوچک در راه شناخت و الگوبرداری از سیره‌ی آن بانوی بزرگوار بردارد.

۱. روش الگوسازی در سیره معصومین (علیهم السلام)

از روش الگوسازی در روان‌شناسی اجتماعی، همانندسازی یاد می‌شود که در آن، نمونه‌ای از رفتار و کردار مطلوب، به صورت عملی در معرض دید شخص قرار می‌گیرد تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی مطابق با عمل نمونه را در خودش پدید آورد. شخص می‌کوشد تا خود را به فردی که به نظرش شخصیت قابل قبولی دارد، همانند کند و نگرش‌ها، ویژگی‌های رفتاری و هیجان‌های او را سرمشق خود قرار دهد. این رویه به خاطر کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه نیست، بلکه برای این است که آن فرد را پسندیده و نفوذ او را پذیرفته است (شکرکن، ۱۳۸۲، ص ۶۱-۶۲).

روش اسوه‌سازی در قرآن به عنوان یک روش بنیادین در تربیت است. از منظر قرآن یکی از ویژگی‌های مهم این روش، این است که فرد باید در برخورد با اسوه، با بصیرت و انتخابگری به مواجهه بپردازد. قرآن کسانی را که در پیروی از دیگران با کوردلی به هراچه بیابند، اقتدا می‌کنند، مورد نکوهش قرار می‌دهد و آنان را به بصیرت فرا می‌خواند (زخرف: ۲۳-۲۴)؛ بنابراین اسوه‌گزینی هرچند متضمن پیروی از غیر است، اما هرگز نباید تقلید صرف و همراه بی‌خبری

باشد، بلکه تقلید هدفمند و آگاهانه است و بصیرت پیش فرض، اساسی این روش است. اهمیت الگوهای برتر در پیشرفت جامعه، از چند جهت است:

۱. الگوها میزان و ترازوی سنجش رفتار انسان ها هستند؛ افزون بر این که بدون به کار بردن الگوها، انسان دچار سردرگمی و احیاناً خودبینی خواهد شد.

۲. هدایت و راهیابی به رشد و تکامل برای انسان از طریق الگوهایی است که به قله تربیت و اوج کمال رسیده اند و نقش قطب نما را دارند تا آدمی، راه را به بیراهه نرود. نمونه بارز این الگوهای هدایتگر، پیامبران و اولیای الهی اند.

۳. سنجش نارسایی ها و نواقص و میزان موفقیت خویش در کسب فضائل با مددگیری از الگوها امکان پذیر است. وقتی فردی عکس العمل الگوی خویش را در برابر محرکی که برای خودش هم رخ داده می نگیرد، تفاوت بین عکس العمل او و خودش را می یابد، به نارسایی رفتار خود پی برده و از آن پس سعی در اصلاح رفتار خویش و تطبیق آن با رفتار الگویش می کند.

۴. اسوه ها عامل تحرک انسان ها، یأس زدایی و خارج ساختن روح ناامیدی از جامعه اند.

۲. حضرت فاطمه علیها السلام کلمه بی پایان خداوند و الگوی کامل بشریت

خداوند متعال در قرآن کریم، با تعبیر مختلفی از انبیای بزرگ و اولیای خود یاد کرده است؛ یکی از این تعبیر «کلمه و کلمات» است. قرآن کریم حضرت عیسی علیه السلام را کلمه نامیده و می فرماید: «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ» (نساء: ۱۷۱)؛ مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا و کلمه اوست که او را به مریم القا کرد و در جایی دیگر از قول ملائکه فرموده: «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (آل عمران: ۴۵)؛ ای مریم! خداوند تو را به کلمه ای از طرف خودش بشارت می دهد که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است. قرآن کریم در آیات متعددی، اهل بیت علیهم السلام را نیز «کلمات» نامیده است؛ برای مثال در آیه ۳۷ سوره بقره ماجرای توبه حضرت آدم علیه السلام بیان شده است که آن حضرت با توسل به کلمات خداوند توبه کرد و توبه او پذیرفته شد. «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۳۷)؛ سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت و خداوند توبه او را

پذیرفت؛ چراکه خداوند توبه‌پذیر و مهربان است. در روایات این کلمات به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام)، فاطمه (علیها السلام)، حسن و حسین (علیهما السلام) تفسیر شده است که حضرت آدم (علیه السلام) با توسل به این بزرگواران توبه کرد و خداوند توبه‌اش را پذیرفت (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۰۴؛ عاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۹۹؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۲۶، ص ۳۲۶). آیه ۱۰۹ از سوره ی کهف نیز کلمات خدا را بی پایان دانسته و می‌فرماید: «قُلْ لَّوْكَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَذَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا» (کهف: ۱۰۹)؛ بگو اگر دریاهای برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاهای پایان می‌گیرد، پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان یابد، هر چند همانند آن (دریاهای) را کمک آن قرار دهیم. در آیه ۲۷ سوره لقمان نیز مشابه آن را فرموده است: «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمْدُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِذْتُ كَلِمَاتُ اللَّهِ» (لقمان: ۲۷)؛ و اگر همه درختان روی زمین قلم شود و دریا برای آن مرکب شود و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام می‌شود، ولی کلمات خدا پایان نمی‌گیرد. ائمه (علیهم السلام) در تفسیر این آیه شریفه فرموده‌اند که ماییم کلماتی که فضایل آن درک نمی‌شود و به شماره در نمی‌آید. (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۵۴؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۹۳؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۵۱).

الگوی معنویت و کمال، باید خود بی نقص و عیب باشد و کمالاتش محدود نباشد، چراکه اگر مردم بتوانند به الگوی خود برسند، دیگران الگو نخواهد بود. همچنین الگو باید در حدی باشد که همه علما، فضلا، بزرگان و تمام مدعیان در برابر او تواضع کنند. بدین روی پیامبران از جمیع امت خود افضل بوده‌اند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «هیچ پیامبری را خدا مبعوث نکرد، مگر آن که عقل او را کامل کرد و عقل او از جمیع امتش برتر شد و آنچه نبی در نفس و ضمیر خود دارد، از اجتهاد و تلاش همه مجتهدان برتر است». (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۹۱)

بشر هم از ابتدا به الگوی قدسی گرایش نشان داده و این طور نبوده است که اگر الگویی خیلی عظمت داشت از آن گریزان باشد؛ از این رو در همه ادیان مذاهب چنین الگوهایی مطرح است. به عنوان مثال، با این که حضرت عیسی (علیه السلام) در همان دوران نوزادی اش، به محض این که زبان به سخن می‌گشاید، خود را بنده خدا معرفی می‌کند (مریم: ۳۰)، ولی میلیاردها انسان که خود را پیروان او می‌دانند، به آن همه فضایل اکتفا نکرده و او را خدا خواندند. خلاصه آن که

در اعتقاد ما مسلمانان، پیامبران و ائمه علیهم‌السلام خلفای به حق خدا در زمین اند و در عین آن که موجوداتی ملکوتی و فوق معرفت بشر غیر معصوم اند، اما از دیدگاه قرآن مشاکلت ظاهری و مؤانست با مردم از ویژگی های آنان است (ابراهیم: ۱۱).

نتیجه آن که حضرت فاطمه علیها‌السلام یکی از کلمات بی پایان خداوند است که زبان از شمارش فضایل او و قلم از نوشتن آن عاجز است، اما بر ماست که قدر آنچه از مهر بی مثالش به دل های ما محبان تراوش می کند، بدانیم و بر محبت او استوار مانیم و در زندگی مادی و معنوی خود، سیره و سخن ایشان را شاهراه سعادت و نجات قرار دهیم و با پیروی از آن بانوی بزرگ، خود را از اسارت شعارهای دلفریب فمینیسم، لیبرالیسم و ایسم های دیگر آزاد سازیم.

۳. عصمت و طهارت فاطمه علیها‌السلام

در اعتقاد شیعیان، هیچ گونه تردیدی در عصمت و پاکی اهل بیت علیهم‌السلام از هرگونه گناه و پلیدی وجود ندارد. چنین عقیده ای محصول براهین عقلی و نقلی بسیار است که هرگونه شکی را در این زمینه از بین می برد. روایات معتبر در این زمینه نیز از نظر لفظی و معنوی بیش از حد تواتر است. در قرآن کریم نیز آیات متعددی بر این معنا صراحت یا اشارت دارند؛ برای مثال آیاتی که بر وجوب اطاعت بی چون و چرا از اهل بیت علیهم‌السلام دلالت دارند، لزوم عصمت آن ها را نیز می رسانند، اما یکی از صریح ترین آن ها، آیه ۳۳ از سوره ی احزاب است که به آیه تطهیر شهرت یافته است: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳)؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت علیهم‌السلام دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. شیعیان اتفاق نظر دارند که مراد از «اهل بیت» در آیه شریفه، خمسه طیبه یعنی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام هستند و به تبع آن ها بقیه ی ائمه علیهم‌السلام که از سلاله پاک این پنج تن هستند را نیز شامل می شود. روایاتی که در تفسیر این آیه شریفه بر خمسه طیبه وارد شده است، بسیار زیاد است. در تعدادی از این روایات متواتر آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام را زیر کسا (عبا) قرار داد و این آیه در حق آنان نازل شد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۸۶) در روایات زیادی از اهل سنت نیز همین مضمون بیان شده است. حسکانی در «شواهد التنزیل» بیش از ۱۳ حدیث در این

زمینه نقل کرده است. صحیح مسلم، صحیح ترمذی، مسند حنبل، تفسیر طبری، درالمنثور سیوطی و... نیز احادیثی در این زمینه نقل کرده اند. در «احقاق الحق» بیش از هفتاد منبع از منابع معروف اهل سنت گردآوری شده و منابع شیعه در این زمینه بسیار است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۲۴). از نگاه قرآن کریم، حضرت فاطمه (علیها السلام) کرامت های منحصر به فرد دیگری نیز دارد؛ از جمله شب قدر بودن فاطمه (علیها السلام) که در تفسیر فرات کوفی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فهم آن بر همگان میسر نیست و بحث از آن نیز مجالی دیگر می طلبد (کوفی، ۱۴۱۰ ق، ۵۸۱؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ۴۳، ۶۵).

۴. آموزه هایی رفتاری و اخلاقی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

آموزه های رفتاری و اخلاقی حضرت زهرا (علیها السلام) در طول زندگی کوتاهی که داشتند، برترین درس های رسیدن به سعادت دنیوی و خروی را به انسان می آموزد. درس هایی در زمینه ی ایمان و اخلاص، ساده زیستی و زهد، ایثار، عدالت، حجاب و عفاف، صداقت، ادب، ولایت مداری و ایفای نقش دختر و همسری نمونه که انسان را در همه ی ابعاد زندگی از رهنمون هایش سیراب می کند. اینک به جلوه هایی از آموزه های رفتاری و اخلاقی حضرت فاطمه (علیها السلام) اشاره می شود.

۴-۱. ایمان و اخلاص

حضرت فاطمه (علیها السلام) به عنوان برترین زنان جهان «سیده النساء العالمین» از خلقت آدم تا پایان جهان است که بیان گردهای ایمان ایشان است و در قرآن کریم نیز به مقام عصمت ایشان اشاره شده است. آمدن روزانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در طلوع فجر به درب خانه ایشان، سلام به اهل خانه با بیان لفظ «اهل البیت» و خواندن آیه «انما یرید الله لیذهب عنکم» (احزاب: ۳۳) از ویژگی های حضرت فاطمه (علیها السلام) و خانواده ایشان است. اخلاص در اعمال که به نیت افراد برمی گردد نیز از موارد بسیار مهمی است که خداوند در سوره انسان، خود نسبت بدان اذعان داشته است. در مقابل از جمله مقاماتی که خداوند به ایشان بخشیده است شفاعت دوستان و پیروانشان در روز قیامت است. ضمن این که ایشان شیعیان خود را چنین توصیف می کند: «اگر به آن چه به شما امر می کنیم عمل کنی و از آن چه شما را بر حذر می داریم دوری کنی، از شیعیان

ما می‌باشی، والا هرگز» (مجلسی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸).

۲-۴. ساده زیستی و زهد

اکتفا به ضروریات زندگی و ساده زیستی، ویژگی برجسته فردی است که در مدینه به عنوان فرزند رهبر جامعه نبوی محسوب می‌شد. توجه خاص مسلمانان اعم از فقیر و متمکن به زندگی رهبر جامعه و اعضای خانواده وی، مسأله‌ای است که ضرورت این امر را دو چندان می‌ساخت. حضرت فاطمه علیها السلام چه در دوران تنگ دستی و چه در زمان گشایش مادی مسلمانان، اصل ساده زیستی را همواره با توجه به شرایط زمانه اجرا می‌کردند. تهیه ضروریات زندگی به عنوان جهیزیه که با فروش زره حضرت علی علیه السلام صورت گرفت، وسایل ساده زندگی و عدم استفاده از برخی امکانات همچون پرده‌ای که برای منزل تهیه شده بود که به توصیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله در آن برهه زمانی جزو تزئینات به شمار می‌رفت، نمونه‌هایی از آن است. زاویه دیگر ساده زیستی حضرت فاطمه علیها السلام که حقیقت امر را بیشتر آشکار می‌سازد، عدم وابستگی به امور مادی در زندگی و همان زهد است که جلوه‌ای از آن در بخشیدن لباس نوخیز در شب عروسیشان، به یک نیازمند است (مجلسی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸).

۳-۴. ایثار

گذشت از حق خویش در جهت سود رساندن به دیگران و ایثار، از دیگر آموزه‌های اخلاقی در زندگی حضرت فاطمه علیها السلام است که نمونه‌های عملی فراوان دارد. نمونه‌ی بارز آن ادای نذر سه روز، روزه‌ی نذری حضرت فاطمه علیها السلام برای سلامتی بیماری حسنین علیهما السلام است که ایشان و خانواده کریمش در هر سه روز، غذای خویش را به یتیم، اسیر و مسکین داده و خود با آب افطار کردند که نتیجه آن نزول سوره انسان (انسان: ۸) در تمجید از اقدام خالصانه این خانواده بود. این‌گونه ایثارها در امور معنوی نیز دیده می‌شود که نمونه معروف آن، فرمایش «اول همسایه، سپس خانه» حضرت فاطمه علیها السلام به امام حسن علیه السلام در استدلال بر این که چرا در دعا، دیگران را نسبت به اهل خانه ترجیح می‌دهد، است. (طبری، ۱۳۵۶، ق، ص ۵۳).

۴-۴. عدالت

حضرت فاطمه علیها السلام هرچند نزد خداوند در بالاترین درجه‌ی ایمان قرار داشته و فرزند بزرگترین شخصیت روزگار خویش بودند؛ اما به لحاظ مادی خود را همچون سایر مردم می‌دانستند. به عنوان نمونه زمانی که انجام امور خانه و فرزندداری برایشان طاقت فرسا شده بود و از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تقاضای خدمتکار کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت تنگ دستی اغلب مسلمانان، تسبیحات اربعه را جهت تسهیل در امور به ایشان آموخت که بسیار برای ایشان کارگشا بود. در روزگار گشایش مادی مسلمانان نیز که فضا به عنوان خدمتکار نزد ایشان بود، با توافق یکدیگر به تقسیم کار پرداخته بودند. هر دو به صورت یک روز در میان به امور منزل می‌پرداختند و بدین ترتیب هیچ تفاوتی بین خود و خدمتکار خویش قایل نبودند. همچنین بنا به پیشنهاد پیامبر صلی الله علیه و آله، امور داخل منزل به عهده حضرت فاطمه علیها السلام و انجام امور خارج منزل به عهده حضرت علی علیه السلام گذارده شده بود (عاملی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷).

۴-۵. حجاب و عفاف و حضور اجتماعی-سیاسی

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به پوشش خویش و در معرض افراد نامحرم قرار نگرفتن، بسیار اهمیت می‌دادند و در واپسین روزهای حیات نیز از این که پس از وفات، حجم بدن ایشان را نامحرم ببینند، نگران بودند. در عین حال بدون هرگونه افراط و تفریط در مواقع ضروری در امور اجتماعی به تناسب جایگاه اجتماعی خویش به عنوان یک زن مشارکت داشتند. (دشتی، ۱۳۸۱، ص ۴۵). در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله پس از غزواتی همچون غزوه‌ی مکه، یار و غم‌خوار پدر و همسر بوده، نقش امدادگرا در درمان جراحات آنان ایفا می‌کردند (همان). ارتباط صمیمانه با خویشاوندان و همدردی با آنان همچون درست کردن غذا به مدت سه روز برای خانواده حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، پس از شهادت وی به توصیه پیامبر صلی الله علیه و آله، تهیه نان برای پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام حفر خندق در نقش پشتیبانی جنگ، حضور هفتگی بر مزار شهدا از جمله حمزه در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از رحلت ایشان از جمله فعالیت‌های اجتماعی ایشان است. نقش ایشان در ماجرای مباحله با مسیحیان نجران (آل عمران: ۶۱) به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام از مهمترین اقدامات سیاسی ایشان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله است. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در

حمایت از جریان امامت نیز از هیچ کوششی دریغ نکردند (انصاری و رجایی، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

۴-۶. صداقت

فضائل اخلاقی از امور ضروری اجتماع بشری است که اگر از زندگی بشر برداشته شود، بسیاری از افراد بشر در ارتکاب اعمال زشت و پایمال کردن قوانینی که رعایتش واجب است، شرم نمی کنند و در نتیجه جامعه بشری متلاشی می شود. از جمله این فضایل اخلاقی، صداقت و پرهیز از دروغگویی و نفاق است (دشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹). معنای اصلی «صدق»، مطابقت کلام با خارج است و وصف صادق بودن را وقتی بر انسانی حمل می کنند که گفته وی با خارج مطابقت کند و عمل او بر اساس اعتقادش باشد و آنچه را مراد جدی اش است، به جای آورد. به این ترتیب صدق صفتی است که همه اخلاق حسنه از جمله عفت، شجاعت، حکمت، عدالت و ... را در برمی گیرد. پس اگر مراد از صداقت، تطابق گفتار و کردار آدمی با باطنش باشد، تمامی فضایل دیگر را نیز شامل می شود که صدق در گفتار، یکی از مصادیق آن است (فیاض، ۱۳۹۲، ص ۳۹-۱۳).

کلمه «صدیق» صیغه مبالغه از صدق است و صدیق به کسی گویند که در صدق مبالغه کند یعنی آنچه را که می گوید، انجام دهد و میان گفتار و کردارش تناقضی وجود نداشته باشد. یکی از القاب حضرت فاطمه علیها السلام، صدیقه است که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله این لقب را به او عنایت کرد. مراد از آن در وهله اول راستگویی در همه اقوال است. عایشه در وصف دخت گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می گوید که من کسی را به جز رسول الله صلی الله علیه و آله راستگوتر از فاطمه علیها السلام ندیدم (حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵ق، ج ۳، ص ۱۷۵، ح ۴۷۵۶). در مرحله بعدی مراد از صدق همان عصمت و همگامی قول و عمل است؛ چراکه او هر آنچه را بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل می شد، تصدیق و عمل می کرد (سلمانی، ۱۳۹۲).

۴-۷. ادب

مراد از ادب، ظرافت عمل و هیأت زیبایی است که سزاوار است عمل بر طبق آن انجام شود. مشخص است که عمل وقتی ظریف و زیبا جلوه می کند که اولاً مشروع بوده و منع

تحریمی نداشته باشد؛ پس در ظلم و دروغ و خیانت و کارهای شنیع و قبیح، ادب معنا ندارد. ثانیاً عمل اختیاری باشد؛ یعنی ممکن باشد که آن را در چند هیأت و شکل در آورد، ولی شخص به اختیار خود آن را به وجهی انجام دهد که مصداق ادب واقع شود؛ نظیر ادبی که اسلام در غذا خوردن سفارش کرده است و آن عبارت است از گفتن «بسم الله» در اول غذا و «الحمد لله» در آخر آن و احتراز از خوردن در حال پری شکم و امثال این موارد از که از آداب غذا خوردن است. بدیهی است که اقوام مختلف آداب مختلفی دارند؛ مانند تحیت در موقع برخورد و ملاقات با یکدیگر که در اسلام این تحیت سلام است که از طرف خدای متعال، مبارک و طیب قرار داده شده و در نزد اقوامی دیگر برداشتن کلاه و یا بلند کردن دست و کارهای دیگر است. مطلوب نهایی دین، توحید، عبودیت و بندگی است، پس ادب الهی که خدای سبحان، انبیا و فرستادگانش را به آن مؤدب کرده، هیأت زیبای اعمال دینی است که از غرض و غایت دین حکایت می‌کند. در عصر رسالت، برخی از مسلمانان با حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) همانند دوستان خویش برخورد کرده، گاه صدای خویش را از صدای دلنواز او بلندتر می‌کردند یا او را به نام صدا می‌زدند و به این ترتیب ادب شایسته را به جای نمی‌آوردند. از این رو آیات الهی نازل شد و هشدار داد که با رسول خدا به آواز بلند سخن نگویند و او را به نام صدا نزنید. حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از شنیدن آیه شریفه، با آن که به پدر مهر می‌ورزید، اما به دلیل ادب، آن حضرت (صلی الله علیه و آله) را رسول خدا صدا می‌زد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را استثناء کرد (همان). این فراز سرشار از ادب حضرت فاطمه (علیها السلام) در برابر همسر گرانقدرش است که فرمود: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إلهِي أَنْ تُكَلِّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ»؛ (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۴۳، ص ۵۱-۵۹)؛ ای ابوالحسن! همانا من از خدای خویش شرمسار خواهم گشت که از شما چیزی بخواهم که امکان فراهم آوردنش را نداشته باشی.

هنگامی که حضرت فاطمه (علیها السلام) مبارزه خود با سردمداران فتنه شوم سقیفه را پی گرفت و نارضایتی خود را اعلام کرد، جو جامعه برضد آنان شد؛ چرا که مردم این حدیث رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) را در خاطر داشتند که خدا از غضب فاطمه (علیها السلام) خشمگین خواهد شد. از این رو سران سقیفه به خدعه دست زده و تقاضای ملاقات کردند، اما آن آزاد زن، با درایتی وصف ناپذیر آنان را نپذیرفت تا این که دست به دامن امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) شدند. حضرت فاطمه (علیها السلام) با دنیایی

از ادب فرمود: «الْبَيْتُ بَيْنُكَ وَالْحُرَّةُ زَوْجَتُكَ إِفْعَلْ مَا تَشَاءُ» (ر.ک. حسینی، ۱۳۶۷، ص ۲۱۲)؛ «(یا علی!) خانه، خانه تو و من همسر تو هستم، هر آنچه صلاح می دانی انجام بده».

۸-۴. ولایت مداری و بصیرت

ولایت تجلی توحید ربوبی، حاکمیت مطلق و تحقق اراده تکوینی و تشریعی خداوند بر انسان است و ولایت مداری به این معناست که کلیه برنامه ها و مجریان و مسلمین تحت دستورات یا سیره معصومین علیهم السلام باشند. جلوه ولایت مداری در محبت نسبت به ولی خدا و نشان محبت ورزی، اطاعت است که باید نثار مقدم انوار آسمان ولایت یعنی ائمه هدی علیهم السلام کرد. با این اعتقاد که «مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۲۷، ص ۸۸). معیار شناخت آدمی درجه محبت و اخلاص خویش نسبت به خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام است که انسان های کامل هستند و انسان کامل مظهر و آئینه تمام نمای صفات کمال و جمال الهی است. ولایت مداری در ارتباط با بصیرت تفسیر می شود و تحقق می یابد. «بصیرت» در لغت، اعتقاد قلبی به دین و حقیقت است و می توان گفت بصیرت دانایی همراه با باور قلبی است. انسان بصیر به دلیل برخورداری از نگاه ژرف به مسائل، از حوادث گذشته برای آینده عبرت می گیرد؛ از این رو برخی اهل لغت «بصیرت» را به معنای عبرت هم آورده اند. بصیرت مانند سپری است که در هنگامه فتنه ها و مواقف خطرناک، شخص را مصون نگه می دارد؛ از این روست که زره و لباس محافظ جنگی را نیز «بصیرت» گویند. در میان اهل بصیرت، کسانی حضور دارند که در روایات از آن ها تعبیر به «نُومَه» شده است؛ این ها که در امر دین و شناخت خداوند و صفات و اسماء الهی و آگاهی نسبت به احوال دنیا و آخرت به آگاهی و بصیرت کامل رسیده اند و چراغ های هدایت و سرچشمه های دانش هستند که تیرگی فتنه ها توسط ایشان برطرف می شود. متوسمین، نومه و اهل اعراف، اهل بصیرت ناب و اولیاء الهی هستند (همان).

حضرت فاطمه علیها السلام با بصیرت ناب به دفاع از ولایت پرداخت و مبارزه شجاعانه، حق طلبانه و الهام بخش ایشان، نشانگر بصیرت او برای مقاومت و بیدارگری در مقابل ظلم، جهل و عوام فریبی و در حقیقت تجلی ولایت مداری ایشان بود. دفاع آن حضرت از فدک نیز جلوه ای از دفاع برای ولایت بود؛ چراکه غصب فدک، آن روی سکه غصب خلافت بود. ایشان می دانست

که غصب فدک، انحراف از اصل اسلام و مدار حق است و فدک، بُعد اقتصادی خلافت؛ از این رو پرچم حق طلبی را برافراشت. سخنرانی، گریه‌های جان‌سوز در بیت‌الاحزان، اعتصاب سخن با سردمداران ظلم، دعوت به حق‌خواهی و سرانجام وصیت به تدفین مخفیانه از جمله شیوه‌های این بانوی بزرگوار در دفاع از ولایت بوده است. شهیده‌ی راه ولایت، حضرت فاطمه زهرا (ع) در فرازی از خطبه فدکیه چنین فرمود:

پس زمانی که خداوند خانه پیامبران و جایگاه برگزیدگان را برای پیامبرش ترجیح داد، علائم خفته نفاق از اعماق وجودتان سربرآورد و لباس دین برایتان کهنه شد و سردسته منافقان زبان درآورد و ناچیزان هیچگاه به حساب نیامده، سر برآوردند و اظهار وجود کردند و عربده‌های سراب پرستان و باطل جویان در عرصه دل‌های شما پیچید و شیطان از مخفی‌گاه خود سربرآورد و شما را به نام خواند؛ پس شما را آشنای کلامش و پاسخگوی دعوتش و آماده برای پذیرش خدعه و فریب و نیرنگش یافت. سپس شما را از جا بلند کرد و دید که چه راحت برمی‌خیزید و شما را گرم کرد و دید که چه آسان گرم می‌شوید و آتش (در خرمن کینه‌هایتان) انداخت و دید که چه زود شعله می‌گیرید. پس (به اغوای شیطان) برشتی نشان زدید که از آن شما نبود و برآشخوری وارد شدید که غصب (محض) بود. این درحالی بود که هنوز از عهد پیامبر (ص)، چیزی نگذشته بود و زخم مصیبت هنوز تازه بود و دهان جراحت هنوز به هم نیامده بود و (بدن) پیامبر هنوز بیرون قبر بود. بهانه آوردید که از فتنه می‌ترسیم (پس خلیفه برگزیدیم)؛ «لَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (ولی باید) بدانید که (هم اکنون) در (قعر) فتنه هستید و راستی که جهنم برکافران احاطه دارد (رک. یوسفیان، ۱۳۸۵، ص ۵۰-۲۸).

۹-۴. دختر، مادر، همسر نمونه

حضرت فاطمه (ع) در زندگی پیامبر (ص) دارای جایگاه خاصی بودند و نزد ایشان بسیار عزیز که در اثبات این مدعا همین بس که پیامبر (ص) ایشان را «ام‌ابیها» می‌خواندند و در مواردی نیز

از عبارت «فداها ابوها» استفاده می‌کردند. پیامبر ﷺ ایشان را بسیار می‌بوسیدند و می‌فرمودند که از ایشان بوی بهشت استشمام می‌شود و نیز به احترام ایشان از جای برمی‌خاستند. از معروف‌ترین احادیث پیامبر ﷺ نسبت به حضرت فاطمه ﷺ جمله «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد، مرا آزار داده و هر که مرا آزار دهد خدا را آزار داده است و هر کس او را خوشحال کند، مرا خشنود ساخته و هر کس مرا خشنود سازد، خدا را خشنود ساخته است»، می‌باشد. گرمی داشتن حضرت فاطمه ﷺ توسط پیامبر ﷺ نقش مهمی در زدودن فرهنگ جاهلی آن زمان که داشتن دختر را مایه ننگ می‌دانستند، داشت. در جامعه‌ای که چون یکی از آن‌ها را به فرزند دختری مژده داده می‌شد، از شدت غم و حسرت رخسارش سیاه شده و سخت دلتنگ می‌شد و از این عار به فکر می‌افتاد که آیا آن دختر را با ذلت و خواری نگه دارد یا زنده به خاک گور کند.

فرزندان حضرت فاطمه ﷺ هر چند مادر خویش را در کودکی از دست دادند، اما در همین زمان اندک نیز ایشان اهتمام ویژه‌ای به تربیت فرزندان خویش داشتند. در تاریخ آمده است زمانی که حسنین ﷺ به بازی با یکدیگر مشغول بودند، ایشان و پیامبر ﷺ آنان را در هر چه بهتر انجام دادن بازی که نقش عمده‌ای در تربیت دارد، تشویق می‌کردند. شیوه همسر داری ایشان نیز الگوی منحصر بفرد برای تمامی پیروانشان است. حضرت علی ﷺ همواره رضایت خویش از ایشان را بیان می‌کرد و این که هیچ‌گاه در زندگی رفتاری از ایشان ندیده‌اند که خاطرشان را به عنوان همسر آزرده باشد. در حدیثی از امیرالمومنین علی ﷺ آمده است: «بهترین شما کسانی هستند که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌ترند و با همسران‌شان مهربان و بخشنده‌اند» (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۱).

نتیجه‌گیری

رابطه اهل بیت ﷺ با مردم، رابطه عاشق و معشوق است. دوست باید تمام کمالات را در محبوب خود بیابد و از دریای فیض و معرفت او سیراب شود و محبوب نیز باید آن چه در توان دارد، برای هدایت و سعادت رهروان خود بکار بندد. حضرت فاطمه ﷺ بانویی است که گرچه برای بروز و تجلی، فرصت چندانی نیافت، اما در همان ۱۸ سالگی که از این زندگی دنیایی

بهره گرفت، لقب «سیده نساء اهل الجنة» را یافت و این نشان از عمق معنوی است که در وجود این برترین بانوی تاریخ نهفته است. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) دخت گرامی بزرگ زنی چون خدیجه کبری است که از نیکوترین و عفیف ترین زنان جهان و نخستین زنی است که به پیامبرایمان آورد و هرآن چه از مال دنیا در اختیار داشت، در راه پیشرفت اسلام بذل کرد. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرزند نیکو مردی چون محمد (صلی الله علیه و آله) فرستاده رحمت و مغفرت و همسر شیرخدا و مولود کعبه حضرت علی (علیه السلام) است. از نقش آفرینی های درخشان فاطمه زهرا (علیها السلام)، بالابردن فرهنگ جامعه، رشد فکرو اندیشه مردم و دفع مشکلات و شبهات آنان است. آن حضرت از مسایل ساده گرفته تا پیچیده ترین مشکلات را پاسخگو بود و این امر میسر نبود، مگر با احاطه علمی، قوت فکری و همت بلند ایشان. این بانوی بزرگ اسلام، زجر تبلیغ و رنج تعلیم و تربیت را تحمل کرد و چون مشعلی فروزان در راه هدایت جامعه، نورافشانی کرد و با سوختن خود به دل و جان مردم گرمی بخشید و پاسداری از ارزش ها و مفاخر اصیل، مبارزه پیگیر با بدعت ها، جهل، کجروی ها و رکورد جامعه را خط مشی خود قرار داد. از این رو، امت نیز باید هر چه بیشتر به مقام و حقوق رهبر خود آگاه شود و خود را چون شاگردی فروتن در برابر او احساس کند و به دامن او چنگ زند تا از نقص به کمال و از ضعف به قدرت و از ظلمت به نور برسد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۹).

با توجه به نتایج و یافته های بدست آمده در این پژوهش، پیشنهادهای زیر جهت لزوم انجام تحقیق و افزایش کیفیت تحقیق در زمینه موضوع پژوهش حاضر برای کارگزاران تربیتی ارائه می گردد.

۱. از آنجا که پژوهش حاضر درباره یکی از مهم ترین مسایل زندگی بشر، یعنی سیره و سبک زندگی انسان است و جامعه اسلامی به خصوص ایران اسلامی که شیعه و پیرو راه ایشان است، لازم است که با گفتار و کردار آن حضرت آشنا باشند؛ از این رو برای به سعادت رسیدن جامعه اسلامی راهی جز تربیت نسل حاضر و آینده مطابق با دستورات ائمه (علیهم السلام) و به خصوص حضرت فاطمه (علیها السلام) وجود ندارد.

۲. مسئولین و برنامه ریزان تربیتی با عنایت به نتایج پژوهش حاضر و کنکاش در سایر موارد تربیتی نسبت به تهیه دستورالعمل ها، کتاب ها، روش های آموزش و پرورش دانش آموزان و

استفاده از هر وسیله کمکی که بتوان از آموزه‌های تربیتی آن بزرگواران بهره گرفت، کوتاهی نکنند.

۳. معطوف کردن توجه نظام آموزشی کشور به تعلیم، تربیت و اهمیت سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام و کاربردی کردن شیوه‌ی آنان در تعلیم و تربیت.

۴. به دلیل اهمیت سبک زندگی دانش‌آموزان و دانشجویان و خلأهایی که در برنامه زندگی مبتنی بر کتب درسی در مقطع تحصیلی راهنمایی، متوسطه و دانشگاه احساس می‌شود، درس «سبک زندگی و تربیت اسلامی» در برنامه هفتگی فراگیران بایسته است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شهر آشوب، محمد. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب علیه السلام. قم: موسسه انتشارات علامه.
۲. ارونسون، الیوت. (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی. ترجمه حسین شکرکن، تهران: رشد.
۳. امینی، ابراهیم. (۱۳۷۲). اسلام و تعلیم و تربیت (۲). تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۴. انصاری، محمد باقر و رجایی، سید حسین. (۱۳۸۹). صدای فاطمی فدک. چاپ یازدهم، قم: دلیل ما.
۵. بابازاده، علی اکبر. (۱۳۷۴). تحلیل سیره فاطمه الزهرا. قم: نبوغ.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۷. پیروزمند، علیرضا. (۱۳۷۹). بررسی تحلیلی الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر. قم: موسسه فرهنگی فجر ولایت.
۸. پیشوائی، مهدی. (۱۳۸۹). سیره ی پیشوایان. قم: انتشارات موسسه امام صادق علیه السلام.
۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۳). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: مرکز فرهنگی رجاء.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۴ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه. قم: موسسه نشر اسلامی.
۱۱. حسینی زاده، سید علی. (۱۳۶۸). سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. حسینی شاهرودی، سید محمد. (۱۳۷۷). فاطمه علیه السلام حامی ولایت. تهران: شجره طوبی.
۱۳. دبس، موریس. (۱۳۸۲). مراحل تربیت. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. دشتی، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ سخنان حضرت فاطمه زهرا علیه السلام. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۵. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۲). سیری در تربیت اسلامی. تهران: انتشارات دریا.
۱۶. رحمانی همدانی، احمد. (۱۳۷۸). فاطمه الزهرا علیه السلام بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله. تهران: منیر.
۱۷. صانعی، مهدی. (۱۳۷۸). پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی. مشهد: سناباد.
۱۸. طبرسی، احمد. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. جلد ۱، مشهد: نشر مرتضی.
۱۹. طبری، احمد. (۱۳۵۶ق). ذخائر العقبی. قاهره: مکتبه القدسی.
۲۰. قزوینی، محمد کاظم. (۱۴۰۴ق). فاطمه الزهراء علیه السلام من المهد الی اللحد. ترجمه حسن فریدونی، تهران: آفاق.
۲۱. کفاش، حمید رضا. (۱۳۸۱). هفتاد و پنج درس زندگی از سیره عملی حضرت فاطمه علیه السلام. تهران: عابد.
۲۲. کمونه حسینی، سید عبدالرزاق. (۱۳۶۷). مجموعه مقالات الزهرا علیه السلام. تهران: انتشارات میقات.
۲۳. کوفی، فرات. (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی. تهران: وزارت الثقافه و الارشاد الاسلامی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۷۶). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار علیهم السلام. تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه.
۲۶. محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۳۲۳). نگاهی بر زندگی حضرت فاطمه علیه السلام. قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام.
۲۷. مرتضی عاملی، سید جعفر. (۱۳۷۸). رنج های حضرت زهرا علیه السلام. ترجمه محمد سپهری، قم: نشر ایام.
۲۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲). دایره المعارف قرآن کریم. جلد ۱، قم: بوستان کتاب.

۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). *فلسفه اخلاق*. تهران: صدرا.
۲۹. مطهری، حسین. (بی تا). *زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام*. قم: اهل بیت علیهم السلام.
۳۰. مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۴ق). *الاختصاص*. بیروت: دارالمفید.
۳۱. حاکم نیشابوری، محمد. (۱۴۳۵ق). *مستدرک علی الصحیحین*. لبنان: دارالتأصیل.

ب. مقالات

۱. جلالی، حسین. (۱۳۸۰). «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آن‌ها». *نشریه معرفت*. شماره ۵۰، صص ۴۰-۵۲.
۲. سلمانی‌گواری، ابوالفضل. (۱۳۹۲). «بررسی سیره خانوادگی ائمه طاهرین علیهم السلام». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش شیعه‌شناسی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۳. فیاض، حمیده. (۱۳۹۲). «نقش حضرت زهرا علیها السلام در تعالی مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال چهارم. شماره ۹، صص ۱۳-۳۹.
۴. وطنی، منصوره. (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی مدیریت اجرایی کلان و مهندسی فرهنگی کشور با ارائه راهبردهای اصلاحی»، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۵. یوسفیان، نعمت‌الله. (۱۳۸۵). «ابعاد شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»، فصلنامه پیام. شماره ۷۷، صص ۲۸-۵۰.

بررسی و تحلیل آموزش الفبا در کتاب‌های قرآن و فارسی اول دبستان به شیوه افقی و موازی^۱

احمد هدایت پناه شالدهی^۲

مرضیه هدایت پناه شالدهی^۳

بدریه هدایت پناه شالدهی^۴

محمدسعید هدایت پناه شالدهی^۵

چکیده

هدف اصلی این نوشتار، بررسی و تحلیل سازماندهی افقی آموزش الفبا به شیوه موازی در کتاب‌های قرآن و فارسی اول دبستان، براساس برنامه‌ریزی محتوای درسی به روش تحلیل محتواست. نمونه و حجم جامعه آماری، ۹۰ صفحه کتاب فارسی و ۷۰ صفحه کتاب قرآن اول ابتدایی است. تحلیل با استفاده از آمار توصیفی بر روی درس‌های هفت‌گانه کتاب قرآن و درس‌های ۲۲ گانه فارسی اول به شیوه موازی سازی افقی به صورت کمی صورت گرفته است. اسامی و شکل‌های بیشتر حرکات و حروف شبیه هم هستند و به صورت موازی در آموزش الفبای قرآنی و فارسی نقش دارند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که کتاب قرآن اول ابتدایی، به طور میانگین ۵٫۳ هفته در معرفی صداها و ۵٫۵ هفته در تدریس رسمی آن‌ها نسبت به کتاب فارسی اول دبستان دیرتر اقدام می‌کند و هماهنگی برقرار است، اما در سایر امور برنامه‌ریزی درسی، هماهنگی برقرار نیست. واژه قرآن در کتاب فارسی اول در نگاره ۶ در هفته سوم همراه بیان شده و معرفی قرآن در درس ۱۵ در صفحه ۷۸ آن انجام می‌شود؛ در حالی که همان دانش‌آموزان به موازات کتاب فارسی، کتاب مستقلاً به نام قرآن دارند که تدریس آن از همان ابتدای مهر آغاز می‌شود. هماهنگی کامل در تدوین و ارائه محتوا بین دو کتاب فارسی و قرآن اول دبستان مشاهده نمی‌شود. واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، قرآن کریم، آموزش الفبا، اول ابتدایی، موازی سازی افقی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۹

۲. مدرس دانشگاه فنی و حرفه‌ای دکتر معین رشت A.hedayatpanah@gmail.com

۳. مدرس دانشگاه فنی و حرفه‌ای دکتر معین رشت Hedayatpanah_1986@gmail.com

۴. کارشناس اداره کل آموزش و پرورش گیلان athar.hedayatpanah@gmail.com

۵. مدرس دانشگاه فنی و حرفه‌ای خدادادی انزلی edayatpanah@gmail.com

مقدمه

با گذشت حدود چهل سال از انقلاب ارزشمند اسلامی ایران، به نظر می‌رسد در نحوه یاددهی قرآن مجید در مدارس، هنوز با مشکلاتی مواجهیم و نیازمند پژوهش و ارائه راهبردهای اساسی در این زمینه هستیم. تجارب مختلف نشان می‌دهد که یا باید قرآن همانند سایر دروس مدرسه‌ای مانند ریاضی، ادبیات فارسی، زبان، علوم، ادبیات فارسی، ورزش و هدیه‌های آسمانی، به صورت مدرسه‌ای آموزش داده شود و مورد ارزشیابی قرار گیرد یا از درس مدرسه‌ای خارج شده و در بیرون از مدرسه به صورت مکتب خانه‌ای آموزش داده شود. هرچند که، مدارس تخصصی قرآن هم فعال هستند، اما این نوع یاددهی به زعم عامه اولیاء، کاری در راستای فوق برنامه تلقی می‌شود. باور عده‌ای بر این است که دانش‌آموزان از عهده خواندن قرآن به خوبی بر نمی‌آیند، اما باید گفت که همین دانش‌آموزان ایرانی که فرمول‌های بسیار پیچیده ریاضی، فیزیک و شیمی و سایر دروس را به نحو مطلوبی می‌آموزند، ثبت اختراع می‌کنند، در سطوح بین‌المللی می‌درخشند، در المپیادها مقام‌های بسیار با ارزش کسب می‌کنند، در علم نانو و هسته‌ای دنیا را شگفت زده می‌کنند. در حفظ و قرائت قرآن کریم نیز در سطح بین‌المللی درخشیده‌اند و کسب رتبه کرده‌اند. کوتاه سخن آنکه همه دانش‌آموزان یا دانشجویان در زمینه‌های مختلف علمی، مذهبی، ورزشی کشورمان دارای جایگاه و مراتب علمی و فرهنگی درخور توجهی شده‌اند، اما کسی به این دانش‌آموزان یا دانشجویان نمی‌گوید چرا بعد از اتمام دروس دبیرستان یا دانشگاه، فیزیک یا ریاضی بلد نیستی، در عین حال به بیشتر آنان به کنایه یا مستقیم گفته می‌شود که از توانایی کافی خواندن قرآن برخوردار نیستید. این در حالی است که فراوانی کلاس‌های آموزش قرآن، به مراتب از کلاس‌های آموزش سایر دروس بیشتر است. همچنان که بیشتر نهادهای رسمی و غیررسمی چه در خلال سال تحصیلی و چه در ایام فراغت، با همکاری اساتید ماهر و مجرب به برگزاری آموزش قرآن به خصوص برای دانش‌آموزان اهتمام جدی می‌ورزند. بنابراین یا شیوه آموزش و روش تدریس اشتباه است، یا برنامه ریزی درستی در این زمینه صورت نپذیرفته است. در هر صورت باید علت این امر را بررسی نمود (طالبی‌زاده، ۱۳۹۵). اینکه آموزش و پرورش در زمینه آموزش عمومی قرآن چندان موفق نبوده، روشن است و خود اصحاب آموزش و پرورش هم این موضوع را قبول دارند (خواجوی، ۱۳۹۴).

آموزش عمومی قرآن به این معناست که تنها به روخوانی و قرائت قرآن بها ندهیم و توجه به باطن قرآن را نیز در برنامه های خود قرار دهیم. باید اذعان نمود که البته آموزش و پرورش در این زمینه خوب عمل کرده و به آموزش رشته های مفاهیمی چون نماز، ترجمه، بخش هایی از تفسیر و حتی نهج البلاغه نیز پرداخته است؛ اما متأسفانه به طور عملی، خروجی کار بازدهی لازم را نداشته و نیاز به برنامه ریزی عمیق تری است (یارگل، ۱۳۹۴). برخی کارشناسان معتقدند که در میان نهادهای فعال در کشور، بیشترین انتظارات در زمینه آموزش عمومی قرآن از نهاد آموزش و پرورش است؛ زیرا این نهاد متولی امر تعلیم و تربیت در جامعه است. برخی عوامل مهم از دیدگاه کارشناسان که تأثیر در یادگیری و انس قرآن دارد، به شرح زیر است:

الف. نیروی انسانی؛ «آموزش و پرورش در تأمین کادر متخصص و مجرب در رشته های قرآنی موفق نبوده است؛ به طوری که برخی معلمان حتی در خواندن قرآن هم مهارت ندارند (خواجوی، ۱۳۹۴). مهمترین علت، معلمان قرآنی اند که تعداد قابل توجهی از آنان در اصل معلم قرآن نیستند؛ به این معنا که در تعدادی از مدارس، آموزش درس قرآن را به معلمان دیگر که ساعت های آموزشی آنان پر نمی شود، واگذار می کنند (حاجی شریف، ۱۳۹۴). مهمترین آسیب آموزش عمومی قرآن کشور عدم توجه به تربیت نیروی انسانی ماهر است. تربیت نیروی انسانی مغفول است؛ زیرا هزینه بردار است و بخش اعظم اعتبارات آموزش عمومی قرآن را به خود اختصاص می دهد (نباتی، ۱۳۹۴).

ب. متصدیان امور؛ برخی متولیان مدارس به درس قرآن اهمیت نمی دهند؛ برای مثال اگر یک معلم قرآن در زمینه نمره دادن احساس مسئولیت و وجدان داشته باشد، با انتقاد مدیران و مسئولان مدارس روبه رو می شود (حاجی شریف، ۱۳۹۴). برخی معلمان، مدیران و عوامل دیگر، حساسیت های لازم را در زمینه آموزش قرآن ندارند؛ به طوری که فکر می کنند اگر معلم آن در مدرسه حاضر نباشد، معلم فیزیک یا ریاضی هم به جای او می تواند سر کلاس برود، اما برعکس، نسبت به قرآن چنین حساسیتی ندارند (خواجوی، ۱۳۹۴).

ج. خانواده؛ گاه والدین از این که نمره فرزند آنان در درس قرآن پایین است، اظهار تعجب کرده و نمره بالاتری را مطالبه می کنند؛ اما اگر همان دانش آموز در درس ریاضی یا زبان، نمره پایینی داشته باشد، برای والدین باورکردنی و منطقی است. (خواجوی، ۱۳۹۴؛ حاجی شریف، ۱۳۹۴).

اگر خانواده‌ها در سبب خانوار جایگاه ویژه‌ای به قرآن اختصاص دهند و هرروز زمان مشخصی را برای تلاوت قرآن حتی آیه‌ای از آن در نظر گیرند، بی‌شک به توفیقاتی در پیشرفت مهارت‌های قرآنی آنان دست خواهیم یافت (مسیب زاده، ۱۳۹۴).

د. سبک آموزش قرآن؛ بسیاری از اهل فن، اعتقاد دارند از دلایل مهجور بودن نسبیه قرآن کریم در جامعه، ناکارآمدی و کافی نبودن سبک‌های آموزش قرآن است (طالبی زاده، ۱۳۹۵؛ رضایی، ۱۳۹۶). به طور خلاصه می‌توان سبک‌ها را به روش‌های ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. روش سنتی و مکتبی؛ در این روش تصور بر این بود چون قرآن از حروف و حرکات تشکیل شده، اگر دانش‌آموزی حروف و حرکات را بشناسد، با مقداری تمرین می‌تواند قرآن را بخواند. در این روش به صدای حروف و حرکات توجه نداشتند. در نتیجه ابتدا حروف و سپس حرکات را می‌آموختند و با هجی کردن کلمات پیش می‌رفتند و همیشه آموزش را از جزئی‌ام قرآن شروع می‌کردند.

۲. روش باغچه بان و فرمان یک و دو؛ جبار باغچه بان برای آموزش خط فارسی به جای روش حرف‌آموزی، روش صوت‌آموزی را پیشنهاد کرد. عباس یمنی شریف نیز برای آموزش خط زبان فارسی، روش کلی را مناسب می‌دانست. پس از آزمایش هردو روش، وزارت آموزش و پرورش روش باغچه بان را برگزید. از سال ۱۳۳۰ تا پیش از روش جدید (بخوانیم و بنویسیم سال ۸۱)، روش ترکیبی باغچه بان برای آموختن خط و زبان فارسی در ایران معمول بوده است. در این روش با فرمان یک، یک حرف با یک حرکت خوانده می‌شود. در واقع یک صامت با یک مصوت ترکیب می‌شود.

۳. روش تفکیک؛ این روش که با روش قبل چندان متفاوت نبود و بر بخش کردن کلمه تأکید داشت، مدتی معمول شد، ولی نتوانست کاری فراتر انجام دهد.

۴. آموزش به کمک نوار صوتی؛ پس از انقلاب اسلامی، نهادهای خود جوش و خارج از آموزش پرورش رسمی با استفاده از نوارهای قاریان مشهور و تمرین و تکرار و استمرار، قرآن را با ترتیل و قرائت تحقیق آموزش می‌دادند.

۵. آموزش جامع قرآن؛ با این‌که روش فرمان دادن مبتنی بر روش صوت‌آموزی فارسی بود، ولی در آن روش پیش‌نیاز فارسی و یا سوادآموزی فارسی، جدی گرفته نمی‌شد. آموزش دیر هنگام

از کلاس سوم آغاز می‌شد و همراه تمرین، تکرار کافی نبود، در نتیجه موفقیتی قابل توجه در آموختن قرآن حاصل نمی‌شد (ترابی، ۱۳۹۴). با پیشرفت علم و تکنولوژی در دهه اخیر، طرح‌ها و سیاست‌های تشویقی زیادی از طرف آموزش و پرورش، به صورت آموزش غیررسمی یا رسمی برای آموزش موثر و جذاب قرآن پیشنهاد و اجرا شد که هر کدام دارای محاسن و معایبی بودند که طرح‌های «معیار» و «طرح ۳۳ روز آموزش روخوانی قرآن در پایه‌ی سوم ابتدایی، جشن‌های قرآنی» از آن جمله‌اند (حاجی شریف، ۱۳۹۴).

هـ. محتوا؛ در کتاب‌های درسی که برای آموزش قرآن در مدارس به کار برده می‌شود، از شیوه‌های خاصی برای علامت‌گذاری واژه‌های قرآنی استفاده می‌شود که برای یادگیری دانش‌آموزان مناسب نیست؛ به عنوان مثال، در سال‌های اول تا سوم ابتدایی، علامت «سکون» آموزش داده می‌شود، اما از سال چهارم این علامت در کتاب‌های درسی حذف می‌شود؛ در کتاب‌های قرآن کشورهای عربی، علاوه بر این که تمامی حروف علامت دارند، حتی برای حروف ناخوانا هم علامت دایره تعریف شده است؛ در حالی که در کتاب‌های درسی ما حتی صداها را کشیده، حروف ساکن و حروف ناخوانا هم هیچ‌گونه علامتی ندارند (حاجی شریف، ۱۳۹۴). نگارش حروف قرآن در آغاز، به شیوه خط متداول صدر اسلام بود. این خط فاقد هرگونه علامت بود؛ چه نقطه و چه اعراب. از این رو، بیشتر حروف آن دارای شکل‌های مشترک و همانند بوده است. این شکل‌ها عبارت است از: «ا ب ح ح د ر س ص ص ط ع ع ف ک ک ل ل م ن و ه ی»، مثلاً سوره حمد به شیوه زیر نوشته می‌شده است: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العلمين الرحمن الرحيم ملك يوم الدين اياك نعبد و اياك نستعين اهدنا الصراط المستقيم صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين». نمونه‌های متعدد از این رسم الخط که مربوط به قرن اول هجری است، هم‌اکنون در موزه‌های مهم جهان، مانند گنجینه قرآن در مشهد مقدس، موزه قم، اصفهان، پاریس، لندن و مسکو موجود است. این خط در مقایسه با خط عربی کنونی، ویژگی‌هایی دارد که بعضی از آنها عبارت است از:

۱. بسیاری از حروف، به ویژه الف‌ها نوشته نشده‌اند، مانند کلمات: «الرحمان، العالمین، مالک و صراط» که به صورت «الرحمن، العلمین، ملک و صراط»، نوشته شده‌اند.
۲. برخی حروف به شکل حروف دیگر نوشته شده است، مانند «الف» در کلمات «صلاة،

زکاة و حیاة» که به صورت واو «صلوة، زکوة و حیوة» نوشته شده است یا الف در کلمات «ادراک، ضحایها و یغشایها» که به صورت یاء «ادریک، ضحیها و یغشیها» نوشته شده است.

۳. بعضی از حروف به طور زاید بر تلفظ نوشته شده است، مانند کلمات «یدعو، یتلو، مئة، جیء و لشیء» که با یک الف زاید به صورت «یدعوا، یتلوا، مائة، جایء و لشایء» نوشته شده‌اند. در صدر اسلام بیشتر مسلمانان، عرب زبان بودند و بسیاری از آنان، قسمت‌های متعدد یا کل قرآن را حفظ و بیشتر با آیات قرآن مأنوس بودند و این آیات تکیه کلام و ورد زبان‌شان بود، از این رو آن زمان مشکلی در خواندن قرآن به چشم نمی‌خورد، یعنی حروف و کلمات هم شکل و حرکات و حالات حروف را با توجه به قرائن جمله و حضور ذهن، تشخیص می‌دادند و به نحو صحیح می‌خواندند؛ همان‌گونه که ما خواندن زبان فارسی را در اول دبستان ابتدا با علائم فرا می‌گیریم، ولی پس از آن بدون علامت می‌نویسیم و می‌خوانیم. این نگارش اولیه قرآن را «رسم المصحف» نامیده‌اند. اکنون قرآن مجید علاوه بر علائم زینتی قرآن کریم که در ابتدا با خط کوفی نوشته شده بود، با رسم الخط مصری به خط زیبای خطاط مشهور سوری «عثمان طه»، رسم الخط شبه قاره‌هند، رسم الخط ترکی و رسم الخط ایرانی نیز تزئین می‌شود (محفوظی، ۱۳۸۹). وجود رسم الخط‌های فراوان در قرآن، کارآموزش و یاددهی قرآن را تا اندازه‌ای دشوار کرده است. در آموزش مدرسه‌ای که حدود ۶۰۰ ساعت آموزش قرآن برای دانش‌آموزان منظور شده است، تنها تعداد محدودی از فارغ‌التحصیلان دیپلم ما، حتی به روخوانی قرآن مسلط هستند. در این وضعیت برخی دانشگاه‌ها به ناچار یک تا دو واحد روخوانی قرآن را به واحدهای درسی اضافه کرده‌اند و کسی که در امتحان روخوانی پذیرفته نشود، مدرک کارشناسی به او داده نمی‌شود (حاجی شریف، ۱۳۹۴).

و. **چندگانگی آموزش؛ چندگانگی آموزش در درس‌های ریاضی، فیزیک و علوم و...** همه به استناداردهای مدرسه احترام می‌گذارند. مدرسینی که در آموزشگاه‌ها و کلاس‌های خصوصی تدریس می‌کنند، خودشان را با کتاب و مدرسه هماهنگ می‌کنند، اما در درس قرآن اینطور نیست. انواع مختلفی رسم الخط وجود دارد. بیشتر الفبای فارسی هم به الفبای قرآنی شباهت دارد. ارگان‌های مختلف، کلاس‌های مختلف می‌گذارند؛ مانند اوقاف، سازمان تبلیغات، وزارت ارشاد، مساجد و حسینیه‌ها و... و هر کدام، مدرسین و داورهای خاصی برای خود

دارند. از این رو چندگانگی آموزش پیش می‌آید و آموزش و پرورش در مرحله فرعی قرار دارد. ما طی ۴۰ سال در کنکور به قرآن توجه نکردیم، پس دیگر چه انتظاری داریم (طالبی‌زاده، ۱۳۹۵). بنابراین باید در آموزش‌های خود بازنگری اساسی کنیم. اگر سن دانش‌آموزان بالا برود و از مقطع ابتدایی در زمینه آموزش قرآن خوب عمل نکنیم، طبیعتاً در مقاطع بالاتر با مشکل مواجه خواهیم شد (یاربگل، ۱۳۹۴). برای تحقق هدف‌ها، برنامه‌ریزی همه‌جانبه‌ای لازم است، علاوه بر توجه به انطباق اصول و معیارهای درسی، هدف‌های برنامه‌ریزی درسی، ضابطه‌های آموزشی، کمیت‌ها و آرایش و... از جمله مسائلی است که باید در تدوین و طراحی آموزشی مورد توجه قرارگیرد. پژوهشگران و متخصصان فن، تحقیقات لازم را درباره دیدگاه‌ها و روش‌های مختلف مورد بررسی قرار داده و نتایج آن را در اختیار دست‌اندرکاران قرار دهند (سندیانی، ۱۳۹۱، ص ۵). کتاب‌های درسی در واقع اسناد رسمی و معتبری هستند که ترجمه ارزش‌های دینی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و علمی حاکم بر یک جامعه به شمار می‌آیند (حسن‌مرادی، ص ۱۱۹). در امر تدریس باید چیزی را به کسی یاد داد؛ این شخص، دانش‌آموز و آن چیز، محتواسـت. محتوا را می‌توان دانش، مهارت‌ها، گرایش‌ها و ارزشیابی توصیف کرد که باید یاد گرفته شود (ملکی ۱۳۸۹، ص ۶۸). برنامه‌ریزی: درسی یک فراگرد چند مرحله‌ای است که شامل وظایف مرتبط به هم است. این مراحل شامل تعیین فهرست محتوای برنامه، تهیه و تدوین مواد و وسایل آموزشی و اجرای برنامه هستند (ملکی به نقل از لوی، ۱۳۸۶، ص ۲۹). تحلیل: عبارت از بیرون‌کشیدن و مشخص کردن طبقات معینی از صفات اشیا یا موجودات به قصد تصمیم برداشت‌های ذهنی است. به عبارت دیگر هرگاه به قصد کاستن از پیچیدگی‌های موجود، خصوصیات مشترک و معینی از اشیا را انتخاب کنیم و سایر صفات را نادیده بگیریم، تحلیل شده است (تقی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۱۳). محتوای آموزشی همواره بخش مهمی از نظام‌های آموزشی رسمی و غیررسمی را شکل داده و توجه محققان و تحلیل‌گران نظام‌های آموزشی را به خود معطوف داشته است، به نحوی که برنامه‌ریزی درسی، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و بسیاری از رشته‌های وابسته و مرتبط دیگر، از دیرباز به عنوان رشته‌های مهم و اصلی دانش بشری به شمار آمده است و هم‌اکنون نیز در بالاترین سطوح تخصصی و در معتبرترین دانشگاه‌های داخلی و خارجی آموزش داده می‌شود (مرادی، ص ۹۸). با پیشرفت سریع علم و تکنولوژی، بدیهی است که محتوا و متون

کتب، باید مورد نقد و بررسی و تحلیل قرار گرفته و در صورت نیاز، مورد بازنگری قرار گیرد. به نظر کریپندورف، تحلیل محتوا، تکنیکی پژوهشی است که برای استنباط، تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنهاست (کریپندورف، ۱۹۸۰، ص ۲۵). تحلیل محتوای کتاب درسی یک روش پژوهش منظم برای توصیف عینی و کمی محتوای کتاب‌ها و متون برنامه درسی و یا مقایسه پیام‌ها و ساختار محتوا با اهداف برنامه درسی است (یارمحمدیان، ۱۳۷۷، ص ۵۸). تحلیل محتوا یک روش پژوهش علمی برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای ظاهری ارتباطات است (باردن، ۱۳۷۴، ص ۱۲۴)؛ در این راستا، تحقیقی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی و میزان انطباق آن با مبانی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» توسط قاسمی و کاظمی صورت گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که از ۳۳ هدف تدوین شده در این کتاب، به ترتیب، ۵/۴۵ درصد اهداف چند بخشی، ۲۴/۴ درصد اهداف صحیح، ۱۵/۲ درصد اهداف چند سطحی و هم چنین از بین حوزه‌های یادگیری، به حیطه شناختی به خصوص به طبقه دانش، بیش از سایر حیطه‌ها و طبقات یادگیری توجه شده و ارجاع به آیات قرآنی مطلوب بوده است. در نهایت با عنایت به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اهداف تدوین شده در کتاب یادشده، در محورهای جدول طراحی اهداف کتب درسی برای بعضی از اهداف تفصیلی برنامه درسی ملی به اهداف کمتری اشاره شده و یا به کلی محتوا و اهدافی در کتاب منظور نشده است (قاسمی و کاظمی، ۱۳۹۳). تحقیق دیگری توسط دلپور و اناری نژاد با عنوان «ارتباط افقی محتوای درس ریاضی پایه سوم دوره ابتدایی با سایر دروس این پایه» صورت گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از وجود ارتباط افقی درس ریاضی پایه سوم با سایر دروس این پایه بود و بیشترین ارتباط بین کتب با کتاب ریاضی، مربوط به کتاب‌های علوم، مطالعات اجتماعی و هدیه‌های آسمانی و کمترین ارتباط را با درس قرآن، فارسی خوانداری و نوشتاری داشت. با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد در پایه سوم ابتدایی ارتباط افقی (وحدت) بین درس ریاضی با دروس دیگران پایه، در حد مطلوب نبود (دلپور و اناری نژاد، ۱۳۹۵) و تحقیق دیگری که توسط نوروزی با عنوان «بررسی ارتباط افقی سه جلد از کتب دوم ابتدایی شامل فارسی، ریاضی و علوم در رابطه با موضوع بهداشت با مؤلفه‌های پوست، دهان، دندان، تغذیه، بیماری‌ها، سیگار و مواد مخدر

و ورزش» انجام شد. بعد از بررسی ارتباط افقی کتب، مشخص شد که در موضوع بهداشت بیشترین مطلب در کتاب علوم و فارسی و کمترین مطلب در کتاب ریاضی است و بیشترین تکرار در مؤلفه تغذیه در فارسی ۴۷ درصد، علوم ۷۵/۱۸ درصد و ریاضی ۷۱ درصد. کمترین تکرار در مؤلفه سیگار و مواد مخدر بود که هیچ مطلبی در هیچ‌کدام از کتاب‌ها یافت نشد (نوروزی، ۱۳۹۲). در ارتباط با رابطه افقی بین کتب ابتدایی به ویژه درباره رابطه افقی و موازی یا عمودی قرآن سابقه‌ای مشاهده نشده است. از این رو درباره آموزش الفبا در دو کتاب قرآن و پایه ابتدایی، این تحلیل و بررسی به نوعی نخستین پژوهش و تحلیل است. با عنایت به توجه سند تحول که «توسعه فرهنگ اقامه نماز و اهتمام به برپایی نماز جماعت در مدرسه و تقویت انس با قرآن در دانش‌آموزان و توسعه فرهنگ و سواد قرآنی با اصلاح برنامه‌ها» (راهکار ۱/۳، ص ۱۹، سند تحول) و «تدریس زبان‌های فارسی و عربی در چارچوب بخش الزامی برنامه درسی متناسب است، به عبارتی تجویزی است...» (مبانی نظری سند سند تحول، ص ۷۴) را مطرح می‌کند و از آنجا که قرآن کتاب مقدس، یگانه و قابل احترام برای همه مسلمانان است و در آن به یادگیری و خواندن کتاب خدا تأکید شده است و چگونه یادگرفتن این کتاب مقدس برای مسلمانان غیرعرب زبان، به ویژه فارسی‌زبانان از اهمیت خاصی برخوردار است، از این رو بررسی محتوای کتاب‌ها، به ویژه قرآن و فارسی اول دبستان دارای ضرورت است. تحقیق حاضر، محتوای کتاب قرآن پایه اول ابتدایی را مبنی بر این‌که تا چه اندازه براساس اصول و مفاهیم اساسی برنامه ریزی درسی با فارسی اول ابتدایی به صورت هماهنگ تدوین شده است را تحلیل کرده است. در این مقاله به بررسی افقی و مقایسه هم‌زمان و موازی آموزش قرآن مدرسه‌ای به ویژه تدریس الفبا در کتاب‌های فارسی و قرآن اول دبستان پرداخته شده است. نتایج این تحلیل به دست اندرکاران و مؤلفین مربوط کمک می‌کند تا در هنگام تهیه و تدوین و انتخاب محتوای کتاب‌های درسی، موارد لازم را اتخاذ کنند.

۱. اهداف

- الف. بررسی افقی آموزش الفبای کتاب‌های قرآن به شیوه موازی با فارسی اول دبستان؛
- ب. بررسی محتوای آموزش قرآن اول ابتدایی از نظر متناسب بودن با توان یادگیری فراگیران.

۲. پرسش‌ها

الف. آیا آموزش الفبای قرآنی در کتاب درسی قرآن پایه اول براساس سازماندهی افقی به شیوه موازی با فارسی اول دبستان تدوین شده است؟
ب. چه اندازه محتوای آموزش قرآن اول ابتدایی با توان یادگیری فراگیران مناسب است؟

۳. مفهوم‌شناسی

اینک مناسب است به بیان مفهوم کلیدی‌ترین مفاهیم پژوهش حاضر پرداخته شود.

۳-۱. سازمان‌دهی محتوا

شیوه‌های سازمان‌دهی محتوا در دو بخش قابل تعریف است:

الف. سازمان‌دهی عمودی؛ منظور از سازماندهی عمودی نحوه تنظیم عناصر و اجزای یک ماده درسی در سال‌های متوالی است. برای مثال، باید محتوای درس فیزیک سال اول دبیرستان با فیزیک سال‌های دوم و سوم ارتباط عمودی داشته باشد تا یادگیری معنادار و مؤثر تحقق یابد. ب. سازمان‌دهی افقی؛ چون همه دروس به طور هم‌زمان به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود، باید بین آنها ارتباط و هماهنگی لازم وجود داشته باشد. این ارتباط موجب می‌شود که جنبه‌های گوناگون یادگیری، همدیگر را تقویت کنند و در دانش‌آموزان اندیشه نظام‌دار به وجود آورند. برای برقراری ارتباط افقی مواد درسی، می‌توان از شیوه‌های گوناگون زیراستفاده کرد:

۱. سازماندهی براساس رشته‌های علمی؛

۲. شیوه موازی سازی رشته‌ها؛

۳. شیوه سازماندهی چندرشته‌ای؛

۴. شیوه سازماندهی بین رشته‌ای (عموپور، ۱۳۸۷).

۳-۲. تعریف عملیاتی متغیرها

الف. تحلیل محتوا؛ منظور از تحلیل محتوا در پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل الفبای

(حروف و صداها) تولید شده در کتاب‌های درسی قرآن و فارسی اول ابتدایی است تا بررسی شود که چه تعداد از الفبای تولید شده در دو کتاب قرآن و فارسی براساس اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی به صورت افقی و هماهنگ تدوین شده است.

ب. محتوا: در پژوهش حاضر، کلیه پیام‌های تولید شده توسط کتاب‌های قرآن و فارسی اول ابتدایی که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، عبارت است از: ۱. تصویرخوانی؛ ۲. قرائت سوره؛ ۳. شعر و سرود؛ ۴. پیام قرآنی؛ ۵. فعالیت‌ها؛ ۶. داستان‌ها؛ ۷. روخوانی کلمات و عبارات قرآنی.

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و از نوع تحلیل محتوای کمی است. پیام‌های متون آموزشی الفبای فارسی و قرآنی با استفاده از اصول و مفاهیم اساسی برنامه ریزی درسی به صورت افقی و موازی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این مقوله‌ها، واحدهای تحلیل، یعنی فراوانی‌های مربوط به لوحه‌ها (نگاره‌ها)، آیات قرآنی، تمرین‌ها، تصاویر، فعالیت‌ها) به تفکیک درس به درس، جدول بندی شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در نهایت، جمع بندی کلی به عمل آمده و کل کتاب مورد تحلیل قرار گرفته است.

۵. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر، تمام محتوای کتاب‌های فارسی و قرآن، پایه اول ابتدایی اعم از مطالب نوشتاری (کمی) و متن (مفاهیم)، تصاویر است که توسط آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. کتاب قرآن با کد ۲/۱ چاپ ۱۳۹۶ شامل ۷ درس و ۲۸ لوحه و کتاب فارسی با کد ۱ چاپ ۱۳۹۶ با ۹۰ صفحه و ۲۲ درس و ۱۰ نگاره (لوحه). در این پژوهش، نمونه مورد بررسی، همان جامعه پژوهش است.

۶. یافته‌ها

الف. واژه قرآن در نگاره ۶ در هفته سوم مهرماه؛ کتاب قرآن در درس ۱۵ در صفحه ۷۸

و الفبای فارسی با نام (اسم) در صفحه ۱۰۹ در کتاب فارسی اول دبستان معرفی می شود. درحالی که همان دانش آموزان، کتاب مستقلی به نام قرآن به موازات کتاب فارسی دارند که از همان اول مهر تدریس آن آغاز می شود.

ب. در معرفی صداها (کوتاه و بلند)، کتاب قرآن اول دبستان نسبت به معرفی کتاب فارسی اول، ۵،۳ هفته و در تدریس رسمی صداها (کوتاه و بلند)، کتاب قرآن اول دبستان نسبت به معرفی کتاب فارسی اول، ۵،۵ هفته دیرتر آغاز می شود.

ج. صدای بلند آ، ا در کتاب فارسی اول در درس دوم، هفته اول آبان در صفحه ۲۷ تدریس می شود، در حالی که در کتاب قرآن هفته چهارم آذر به طور رسمی معرفی و در صفحه ۴۰ همراه فتحه تدریس می شود.

د. صدای بلند ای، ی، در کتاب فارسی اول در درس دوم، هفته سوم آذر در صفحه ۴۴ تدریس می شود، در حالی که در کتاب قرآن هفته چهارم آذر به طور رسمی معرفی و در صفحه ۴۰ همراه آ و فتحه تدریس می شود و صدای بلند آ.

ه. صدای بلند او، و، در کتاب فارسی اول در درس دوم، هفته چهارم آبان در صفحه ۳۷ تدریس می شود، در حالی که در کتاب قرآن هفته چهارم آذر به طور رسمی معرفی و در صفحه ۴۰ هم زمان با صداهای دیگر تدریس می شود.

جدول شماره ۱- مقایسه تدریس و معرفی صداها در کتاب‌های فارسی و قرآن سال اول دبستان

کتاب فارسی اول دبستان				کتاب قرآن اول دبستان			همانگی در معرفی غیر رسمی و (میزان فاصله زمانی به هفته)	همانگی در تدریس رسمی و (میزان فاصله زمانی به هفته)
صدا	تاریخ استفاده غیر رسمی (معرفی) و صفحه	تاریخ تدریس رسمی	شماره درس و صفحه	تاریخ استفاده غیر رسمی (معرفی) و صفحه	تاریخ تدریس رسمی	شماره لوحه یا درس و صفحه		
ا	هفته اول مهر نگاره (۱) ص (۲)	هفته اول آبان	ص (۲۷) درس ۱ نگاره ۲	هفته چهارم آذر	هفته چهارم آذر	لوحه ص (۴۰) ۴	دارند (۱۱)	دارند (۷)
آ	هفته اول مهر نگاره (۱) ص (۲)	هفته دوم آبان	ص (۳۰) درس ۲	ص (۲۰) هفته چهارم مهرماه	هفته چهارم آذر	لوحه ص (۴۰) ۴	دارند (۳)	دارند (۶)
او و	هفته سوم مهر ص (۱۶) نگاره (۷)	هفته چهارم آبان	ص (۳۷) درس ۴	هفته چهارم آذر	هفته چهارم آذر	لوحه ص (۴۰) ۴	دارند (۵)	دارند (۴)
ا ه	هفته اول مهر نگاره (۲) ص (۵)	هفته دوم آبان	ص (۴۸) درس ۶	ص (۱۶) هفته دوم مهرماه	هفته سوم دی	ص (۴۵) لوحه ۹	دارند (۱)	دارند (۹)
ای ی	هفته اول مهر نگاره (۲) ص (۵)	هفته سوم آذر	ص (۴۴) درس ۷	هفته چهارم آذر	هفته چهارم آذر	لوحه ۶ ص (۴۰)	دارند (۱۱)	دارند (۴)
ا ه	هفته سوم مهر ص (۱۶) نگاره ۷	هفته چهارم آذر	درس ۸ ص (۵۲)	ص (۲۰) هفته چهارم مهرماه	هفته سوم دی	ص (۴۶) لوحه ۱۱	دارند (۱)	دارند (۳)
میانگین به هفته							(۵,۳) ۳۲	(۵,۵) ۳۳

و. صدای کوتاه آ- در فارسی در درس دوم، هفته دوم آبان در صفحه ۳۰ تدریس می‌شود و در کتاب قرآن در هفته چهارم آذر در صفحه ۴۰؛ این بدان معناست که در تدوین کتاب‌های قرآن و فارسی اول دبستان در مورد زمان معرفی یا تدریس صداها همانگی صورت نگرفته است. جزئیات بیشتر در جدول شماره ۱ آمده است.

ز. در کتاب فارسی صدای کوتاه ا- در هفته اول مهرماه معرفی و در هفته دوم آبان تدریس می شود. در کتاب قرآن در هفته دوم مهر با کلمه «اسم» معرفی و در هفته دوم دی، در قالب لوحه ۹ در صفحه ۴۵ معرفی می شود. سایر جزئیات در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲- مقایسه مواد تدریسی محتوای کتاب قرآن و فارسی اول دبستان در مهرماه

هفته اول (صفحه)			هفته دوم (صفحه)			هفته سوم (صفحه)			هفته چهارم (صفحه)			
درس	ص	عنوان	درس	ص	عنوان	درس	ص	عنوان	درس	ص	عنوان	
قرآن	اول جلسه‌او ۲ (شعر)	۱۴	به نام خدا، بسم الله	جلسه ۱ پیام قرآنی و جلسه ۲ (شعر)	۱۶	بسم الله الرحمن الرحیم - إِسْم = اسم، نام الله = خدا	لوحه ۱ جلسه ۱ و جلسه ۲ (شعر)	۱۸	سوره توحید (ص ۲۰)	جلسه ۱ پیام قرآنی و جلسه ۲ (فعالیت)	۲۰	سلام: سلام سلام علیکم
	نگاره ۲ و ۱	۵	بابا - مادر - آزاده - امین - آبی - کتاب - کفش - کیف - آزاده	نگاره ۷ و ۹ ۴ و ۳	آب - آزاده - مسجد - مدرسه - کلاس - آب - کتاب - آبی	نگاره ۷ و ۶ ۵ و ۴ و ۱۶	امام -برچم - مداد -میز - نیمکت - آبی - آب -بادکنک - تاب -باد - چای -چتر - رودخانه - اردک -سرو - اتاق -گاو - گوسفند -پل - برف -علف	نگاره ۸ و ۱۰ ۹ و ۸ و ۲۳	۱۹ ۲۱ و ۲۳	گرگ -خرگوش - لنگ - شتر - خرس - شیر -قرآن - چانماز -اذان - پرده -پنجره - مسجد -سنجد - سیب -قرآن - سبزه -سیر - سکه -سرکه - سمنو		

جدول شماره ۳- مقایسه محتوای تدریسی در آبان ماه کتاب های قرآن و فارسی اول دبستان

هفته	اول			دوم			سوم			چهارم		
	عنوان	ص	عنوان	عنوان	ص	عنوان	عنوان	ص	عنوان	ص	عنوان	
قرآن	درس دوم- جلسه ۲ لوحه ۲ سوره کوثر	۲۲	جلسه انعمت های خدا و شعر پیام قرآنی	۲۶	الحمدلله، الهی شکر- حمد: شکر	جلسه ۱ داستان نان و جلسه ۲ پیام قرآنی	۲۷	واشکروا نعمه الله- نعمه: نعمت و الله: خدا	شعر جلسه ۱ فعالیت و جلسه دوم درس سوم	۳۰	خانه ما (شعر)	
فارسی	درس ۱	۲۷	آ-ب	درس ۲	۳۰	آ-د	درس ۳	۳۴	م-س	درس ۴	۳۷	

ح. صدای کوتاه ا^۲ در کتاب فارسی در هفته چهارم آذر تدریس می شود و کتاب قرآن آن را در هفته دوم آبان با «شکر»، در هفته سوم دی در قالب لوحه ۱۱ رسمی معرفی می کند (نکته سکون را در هفته دوم بهمن در قالب لوحه ۱۳ معرفی می کند).

ط. استفاده ترکیبی از فتحه و کسره و سکون هفته دوم آذر با واژه «والدین» و «احسان» در صفحه ۳۵، صورت گرفته است.

جدول شماره ۴- مقایسه مواد تدریسی در آذرماه کتاب های قرآن و فارسی اول دبستان

هفته	اول			دوم			سوم			چهارم		
	عنوان	ص	عنوان	عنوان	ص	عنوان	عنوان	ص	عنوان	عنوان	ص	عنوان
قرآن	جلسه ۱ لوحه ۳ جلسه ۲ (شعر)	۳۲	سوره عصر	جلسه ۲ پیام قرآنی	۳۴	و بالوالدین احسانا واللّٰدین: پدر و مادر- احسان: خوبی، نیکی	جلسه ۱ هدیه پدر بزرگ و جلسه ۲ درس چهارم	۳۵	مصور و قرآن بخوانیم و شعر	لوحه های ۴ و ۵ صدای - و - ی جلسه های اول و دوم	۴۰	
فارسی	درس ۵	۴۰	ر- ن	درس ۶	۴۴	ا- ش	درس ۷	۴۸	ای- ی- ز	درس ۸	۵۱	ی- ا

ی. حروف قرآنی به صورت رسمی یا غیررسمی در کتاب قرآن معرفی نشده است، اما ۷ سوره قرآن (توحید، کوثر، فلق، عصر، حمد، ناس، نصر) و تعدادی آیات قرآنی در کتاب قرآن آمده است که به صورت شنیداری همانند شعر باید آنها را حفظ کرد که ورود در این مقوله بحث جداگانه ای می طلبد. دانش آموز اول دبستان، اسامی یا نام حروف فارسی را در صفحه ۱۰۹ کتاب یاد می گیرد. گرچه نقطه اشتراک زیادی بین الفبای فارسی و قرآنی وجود دارد، در هر حال ۱۰ حرف وجود دارد که اسم یا نام آن ها با هم در زبان های فارسی و قرآنی فرق دارند. همچنین در مورد حروف که ۸ حرف در زبان قرآن صوت مستقلی دارند که در زبان فارسی این چنین نیستند؛ مانند حروف (س، ص، ث) که در فارسی به حرف «س» تلفظ می شوند، ولی در قرآن ۳ تلفظ مستقل دارند. به همین ترتیب در مورد (ز، ظ، ذ، ض) و (ت، ط)، و تفاوت های همزه متحرکه و سکنه و عَیَّالٌ .

ک. کتاب قرآن، ۷ حرف «ب، ن، م، خ، د، س، ل» را در درس اول، ص ۱۴ با عنوان «به نام

خدا، بسم الله» در روز اول بیان می‌کند، درحالی که دانش‌آموزان در کتاب فارسی با حروف ب، د، م، س، در ۵ آبان، «ن» در ۵ آذر و «خ، ل» در ۸ دی ماه آشنا می‌شوند.

ل. در پیام قرآنی در هفته دوم، صفحه ۱۶ دو حرف «ر-ح» در قالب «بسم الله الرحمن الرحيم» و حروف «ش، ک، گ، ه، و، ج» نیز در قالب شعر بیان می‌شود، در حالی که «ر-ش» در ۵ آذر و حرف «ح» در ۵ اسفند و «ک-گ-و» در ۸ دی و «ه» در ۵ بهمن تدریس می‌شود.

م. هفته سوم مهرماه در صفحه ۱۸ سوره حمد را آموزش می‌دهد. (ص، ض، ق و با شعر در صفحه ۱۹، حروف «ف، ت، ث، چ، ز، ی»، صفحه ۲۰، «ع» و «غ» صفحه ۲۳ و «همزه و تشدید» صفحه ۲۴ در حالی که «ص» در ۵ اسفند و «ض» در فروردین ماه و «ق» در ۸ دی تدریس می‌شود.

ن. در درس اول، اول مهرماه صفحه ۱۴، از دانش‌آموز سوال می‌کند: «دوست دارید در جشن قرآن، کدام یک از این کارها را انجام دهید؛ یک شعریا یک سوره زیبا بخوانید، خاطره یا داستانی درباره قرآن تعریف کنید». سؤال: مگر سوره زیبا و غیر زیبا وجود دارد؟ دانش‌آموز چه می‌داند سوره یا آیه چیست؟ به ویژه در جلسه اول آموزش. در جلسه اول امکان دارد دانش‌آموز از کلاس وحشت داشته باشد و در دنیای دیگری باشد، زیرا همه به پیش دبستان یا مهدکودک نرفته‌اند.

س. تشدید در فارسی در هفته اول اسفند و در قرآن در درس اول معرفی می‌شود. هفته دوم فروردین، لوحه ۲۳ صفحه ۶۸ تدریس می‌شود.

ع. حروف «والی» یا ناخوانا در زبان فارسی نداریم، ولی در قرآن از همان جلسات نخست در این کتاب استفاده شده است. فقط (خوا) در فارسی به عنوان حروف ناخوانا در درس ۱۵ و در هفته سوم بهمن بیان می‌شود. کتاب قرآن ابتدایی، در هفته اول اسفند در قالب لوحه ۲۰ حروف ناخوانا را رونمایی می‌کند، در حالی که در صفحه آغازین از آنها استفاده کرده است.

ف. انواع تنوین در همان روزهای آغازین در درس قرآن مورد استفاده قرار گرفته است. در حالی که در فارسی خبری از تنوین نیست.

ص. از مصوت مرکب فارسی یا حروف لین قرآنی سخنی به میان نیامده است. در حالی که عملاً در قرآن سال اول تدریس می‌شود. مثل یَوْم، غَیْر.

جدول شماره ۵- مقایسه مواد تدریسی در کتاب های قرآن و فارسی اول دبستان

همانگی تدریس رسمی و (میزان تأخیر به هفته)	همانگی در معرفی غیر رسمی و (میزان تأخیر به هفته)	کتاب قرآن اول دبستان			کتاب فارسی اول دبستان		
		شماره لوحه یا درس و صفحه	تاریخ تدریس رسمی	تاریخ استفاده غیر رسمی و صفحه	شماره درس و صفحه	تاریخ تدریس رسمی	تاریخ استفاده غیر رسمی و صفحه
دارند (۶)	دارند (۵)	لوحه ۲۳ ص (۶۸)	هفته دوم فروردین	هفته اول مهر ص (۱۴)	ص (۸۲) درس ۱۶	هفته اول اسفند	نگاره ۲ ص (۵) هفته اول مهر
-	دارند	لوحه ۲ ص (۶۱)	هفته اول اسفند	هفته اول مهرماه	ص (۲۷) درس ۱	هفته اول آبان	هفته اول مهر نگاره (۱) ص ۲ (الف ناخوانا) (خوا)، ل
-	-	-	--	هفته دوم آذر ص ۳۴	-	-	تنوین نصب -
-	-	-	--	(۱۸) هفته سوم مهر	-	-	تنوین رفع -
-	-	--	--	هفته اول آذر ص ۳۲ لوحه ۳	-	-	تنوین جر -
-	-	لوحه ۱۳ ص (۵۳)	هفته دوم بهمن	هفته دوم آبان ص (۱۶)	-	-	فاقد سکون

نتیجه گیری

یکی از راه های حصول به اهداف تألیف کتاب ها، توجه به اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی است. در تحقیق انجام شده که هدف آن تحلیل محتوای کتاب های قرآن و فارسی اول ابتدایی به صورت موازی براساس اصول و مفاهیم اساسی برنامه ریزی درسی است، نشان داده شد که کتاب های قرآن و فارسی اول دبستان از لحاظ تدریس و معرفی الفبا چندان همانگ نبوده اند؛ در متن کتاب فارسی به توالی، استمرار، تعادل و وسعت توجه شده است ولی در متن کتاب قرآن، به برنامه ریزی درسی و رشد یادگیری چندان توجهی نشده است. این نکته با تحقیقات آثار سایر مؤلفین و کارشناسان مانند طالب زاده، حاجی شریفی و باریگل و مسیب زاده، همسواست. در هر صورت مشخص نیست که تدریس کتاب قرآن از کل به جزء

است یا بالعکس یا ترکیبی از آنها، اما در کتاب فارسی روشن است که از کل به جز است.

پیشنهادهای تحقیق

الف. انجام به موقع اعتبارسنجی و ارزش یابی مراحل طراحی، اجرا و بازخورد محتوای آموزشی کتب درسی؛

ب. توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان و تفاوت در طبقات اجتماعی آنان در تدوین کتب درسی؛

ج. هماهنگی بین مدیران درون سازمانی برای تألیف کتاب های قرآن و فارسی و سایر دروس مرتبط. در تألیف چنین کتبی لازم است بین معاونت های پرورشی و فرهنگی که متولی فوق برنامه های قرآنی و معاونت پژوهشی که متولی تألیف کتب درسی و معاونت آموزشی که متولی آموزش معلمان کشور است، هماهنگی بیشتری صورت گیرد.

د. شروع کتاب قرآن از سال دوم دبستان به صورت رسمی؛ زیرا اولاً گویش ها و زبان های مختلف محلی و غیر فارسی در سطح کشور وجود دارند و فراگیران و برخی اولیای آنان در تکلم فارسی با مشکل مواجه هستند. معمولاً معلمان در سال اول دبستان، آنها را با زبان فارسی و تکلم آن آشنا می کنند، سپس به آموزش الفبا می پردازند، به هر صورت فارسی، زبان رسمی کشور است. به نظر نگارنده، هفت درس حدود ۷۰ صفحه ای با ۷ سوره قرآن و بسیاری آیات برای این دانش آموزان سنگین است. برخی کارشناسان نیز همین عقیده را دارند و معتقدند بهتر است در سنین قبل از ۸ سالگی با حفظ قرآن کار تربیت قرآنی شروع شود (طالبی زاده، ۱۳۹۵). دانش آموزان در سال اول ابتدایی، الفبای فارسی را به نحو کامل می آموزند و با عنایت به این که حروف قرآنی هر کدام دارای صوت واحد و مستقل هستند و ۳۱ حرف الفبای فارسی دارای ۲۳ تا ۲۴ واکه هستند، از این رو به راحتی می توان تفاوت و تلفظ ۸ حرف قرآنی و حتی همزه را در پایه دوم دبستان آموزش داد.

فهرست منابع

الف. کتب

۱. باردن، لورنس. (۱۳۷۴). *تحلیل محتوا*. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزسرخابی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. تقی پور ظهیر، علی. (۱۳۸۷). *برنامه ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم*. بی جا: انتشارات آگه.
۳. حسن مرادی، نرگس. (۱۳۹۰). *تحلیل محتوای کتاب درسی*. تهران: انتشارات آبیژ.
۴. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی. (۱۳۹۶). *فارسی اول دبستان*. تهران: شرکت افست.
۵. _____ . *قرآن اول دبستان*. تهران: شرکت افست.
۶. سندیانی، سمیه. (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای کتاب ریاضی اول دبیرستان از نظر پژوهش محوری بودن»، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، تنکابن: دانشگاه آزاد اسلامی.
۷. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین و مبانی نظری آن آموزش پرورش*. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۸. عموپور، مسعود. (۱۳۸۷). *مبانی برنامه ریزی درسی*. رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
۹. کرپیندورف، کلوس. (۲۰۰۴م). *تحلیل محتوا: مبانی روش شناسی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشرنی.
۱۰. ملکی، حسن. (۱۳۸۹). *برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)*. مشهد: انتشارات پیام اندیشه.
۱۱. یار محمدیان، حسین. (۱۳۹۰). *اصول برنامه ریزی درسی*. تهران: انتشارات یادواره کتاب.

ب. مقالات

۱۲. ترابی، محمد. (۱۳۹۴). <http://mahjavaheri.blogspot.com>.
۱۳. حاجی شریف، احمد؛ یاریگل، بهروز، مسیب زاده، محمدرضا و نباتی، رضا. (۱۳۹۴). <http://ayaronline.ir>.
۱۴. خواجوی، محمد. (۱۳۹۴). <http://www.irna.ir/fa/News>.
۱۵. دلیرور، فرشته و اناری نژاد، عباس. (۱۳۹۵). «ارتباط افقی محتوای درس ریاضی پایه سوم دوره ابتدایی با سایر دروس این پایه». *مقالات پوستری کنفرانس* ۱۴. ۱۰۲ (۱۰۰۲).
۱۶. رضایی، محمد. (۱۳۹۶). <https://tnews.ir/news/bac>.
۱۷. طالبی زاده، مجید. (۱۳۹۵). <https://www.yjc.ir/fa/news/5699484>.
۱۸. قاسمی، حسین و کاظمی، محمود. (۱۳۹۳). «تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه های آسمان پایه ششم ابتدایی و میزان انطباق آن با مبانی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش پرورش». *فصلنامه علمی پژوهشی نوآوری های آموزشی*. ۳ (۴)، صص ۱۰۰-۱۱۶.
۱۹. محفوظی، محمدصادق. (۱۳۸۹). <http://www.mahfouzi-museum.com/undergraduate-studies/articles/detail>.
۲۰. نوروزی، امیرعلی. (۱۳۹۲). <http://noroziparsiblog.com/Posts/>.
۲۱. موسوی بلده، سید محسن. (۱۳۸۸). <https://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid>.

An Investigation into and Analysis of Teaching Alphabet in the Books “Quran” and “Farsi” (Elementary First Grade) in a Horizontal and Parallel Way

Ahmad Hedayatpanah Shaldehi¹

Marzieh Hedayatpanah Shaldehi²

Badrieh Hedayatpanah Shaldehi³

Mohammad Saeid Hedayatpanah Shaldehi⁴

Based on curriculum planning, the main purpose of this study is to investigate and analyze the parallel and horizontal arrangement of teaching alphabet in the books “Quran” and “Farsi” (elementary first grade) with a content analysis method. 90 pages of the book “Farsi” and 70 pages of the book “Quran” are reviewed. With the help of descriptive statistics, 7 lessons of the book “Quran” and 22 lessons of the book “Farsi” were analyzed by applying a methodology named the horizontal parallelization. The names and shapes of the most motions and letters are the same and have a parallel role in teaching the Quranic and Persian alphabet. The results show that the book “Quran” introduces vowels and formally teaches them, on average, respectively, 5.3 and 5.5 weeks after the book “Farsi”, so there is a harmony. Other affairs related to curriculum planning are not in harmony. The book “Farsi” (elementary first grade) introduces the word “Quran” in Figure 6 in the third week of Mehr (October) and introduces the concept “Quran” in lesson 15 in page 78 for the first time; while, the book “Quran” begins to be taught, parallel to the book “Farsi”, on the very first day of Mehr (October). There is no complete harmony between the books “Farsi” and “Quran” (elementary first grade) in terms of the formulation and presentation of content. Keywords: content analysis, the Holy Quran, teaching alphabet, elementary first grade, horizontal parallelization

1. (Instructor of Technical and Vocational University of Dr. Moein, Rasht, Email: a.hedayatpanah@gmail.com)

2. (Instructor of Technical and Vocational University of Dr. Moein, Rasht, Email: hedayatpanah_1986@gmail.com)

3. (Expert of Education, Gilan, Email: athar.hedayatpanah@gmail.com)

4. (Instructor of Technical and Vocational University of Khodadadi Anzali, Email: edayatpanah@gmail.com)

A Study on Hazrat Fatemeh's Behavioral and Moral Patterns

Setareh Mousavi ¹

Educating a righteous child is one of the most significant issues in human life. Parents, especially, mothers should be familiar with the ways to religiously educate children so that they can play their role in training children in the best possible way and provide the most appropriate service for families and Islamic societies. This research examines the lifestyle of Hazrat Fatemeh, nurtured next to the purest and greatest educator of humanity, the Prophet Mohammad, and her moral and behavioral aspects. The main aim of this research is to investigate Hazrat Fatemeh's behavioral and moral patterns in the lifestyle including faith, sincerity, piety, sacrifice, justice, chastity, honesty, politeness, and provide educational solutions to realize her teachings more and more. This analytical-descriptive research was conducted by citing the Quran, and the Prophet Mohammad's and Imam Ali's sayings and it suggested some educational solutions to use the patterns at the present time.

Keywords: Fatemeh, behavioral pattern, moral pattern, religious education

Abstract

The Ethics of How to Behave with Neighbors and Live in Apartments from the View of the Quran and Narratives

Mohammad Javad Falah¹

Leila Alibeigi Alavi²

Zeinab Rabiei³

Nowadays, the emotional and human relationships are so weak that close neighbors are not aware of each other and even they do not know their names after living together for a long time; while, in the Quran, God values neighbors and how to behave with them and he advises us to do good to neighbors. In addition, according to religious leaders, if neighbors behave with each other well, that will be the source of abundant blessings and a good neighbor is known as a valuable blessing. There are some neighbors' duties to each other, which according to Ahl al-Bayt's sayings are considered as a sign of fairness, including watching out, greeting, helping, visiting, charity, need satisfaction, and sympathy. Living in apartments is one of today's life forms that its deep effect on education, relationships, family conflicts, robbery, the ignorance of neighbors and relatives, and its other damages are paid less attention. This analytical-descriptive research shows that there are the following negative consequences of living in apartments: increase of mental stresses, annoyance of neighbors, decrease of modesty, dominance of individual life, avoidance of socialization, loss of individual's social identity, and incidence of physical and mental diseases because of inactivity caused by the lack of space. This research aims to investigate the ethics of how to behave with neighbors and how to live in apartments, and take advantage of Quranic teachings and Ahl al-Bayt's sayings for reducing the damages of living in apartments, as a necessity, in order to reach the correct path of ethics.

Keywords: ethics, neighbor, living in apartments, Quran, narrative

1. (Graduated from Qom Seminary and University of Tehran, Head of Department and Faculty Member of Islamic Maaref University, Email: mjfallah.ac@gmail.com)

2. (M.A. in Islamic Ethics, Instructor of Farhangian University, Qom, Email: lylalybygylw@gmail.com)

3. (M.A. in Quran & Hadith Sciences, Hoda College of Islamic Knowledge, Email: z.rabiee.1212@gmail.com)

Data Received: 25/8/2018

Data Accepted: 22/2/2019

A Comparative Study on Belief and Educational Teachings of Surah Taha from the Viewpoint of Al-Mizan and Fi Zelal al-Quran

Zeinab Tayebi ¹

Maryam Mohammadi ²

In different verses of revelation, the guiding apparition of the Holy Quran is the best kind of guidance among various schools, thoughts, and ideologies. It can obviously be seen in these verses that the guiding plan of the Holy Quran is comprehensive and consists of all humans' guiding needs. Some fourteenth-century interpretations applied the interpretation of the Quran to the Quran as the most important method for extracting the Quranic guiding strategies in terms of humans' belief, social, moral, and educational issues, because, in the Quran, there are a number of the obstacles to and guides for humans' growth and guidance in different aspects of their life. Al-Mizan fi Tafsir al-Quran and Fi Zelal al-Quran are among these interpretations that pay attention to the dynamics, trans-temporality, and trans-spatiality of guiding teachings of this holy book and explain it as a guiding miracle. Since the twentieth Surah of Quran talks about the most basic issues related to the beliefs such as origin and resurrection, prophecy, and the remembrance of God, with several instances, retells the different stages of Hazrat Musa's life, and helps us reach a happy life through its belief, social, moral, and educational lessons, this analytical-descriptive study tries to clarify the most belief, moral, and educational teachings of Surah Taha from Allameh Tabatabaei's and Seyed Ghotb's viewpoints by using library written sources. The results show that these teachings are as follows: the explanation of monotheism, the purposes of sending the prophets, the necessity of resurrection, the Prophet Mohammad's eternal miracle as a guide, the educational purposes of Musa's story, the factors of humans' aberration, the denial of fear and humility in the face of everyone, except God, humans' intellectual and spiritual transformation after having faith in God, and the importance of remembering divine blessings and the ways to reach God's satisfaction. It is necessary to say that these teachings are mentioned in Al-Mizan in more detail than Fi Zelal al-Quran.

Keywords: belief teachings, educational teachings, Surah Taha, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Fi Zelal al-Quran

1. (Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Farhangian University, Qom, Email: drztayyebi62@gmail.com)

2. (M.A. in Quran and Hadith Sciences, Farhangian University, Qom, Email: mohammady12145@yahoo.com)

Data Received: 15/9/2018

Data Accepted: 9/12/2018

An Investigation into the Effectiveness of the Education of Quranic Schools on Elementary School Students' Persian Reading Skills in the City of Bardaskan

Yousef Irani ¹

Hussein Zarghami ²

Hassan Zarghami ³

The education of Quran has always been important in the curriculum of educational system; thus, Quranic schools have been established with the purpose of improving religious, cultural, and educational affairs. This research attempted to investigate and analyze the effectiveness of the education of Quranic schools on elementary school students' Persian reading skills by a research approach of classic experimental designs. Two groups of elementary school students in the city of Bardaskan were selected as the two test and control groups. A test of Quranic skills in different parts was given to each group before and after holding the Quranic classes in which the students of control group did not participated. According to the findings, the Quranic classes have influence on elementary school students' Persian reading skills. To achieve this conclusion, some statistical methods, including mean and standard deviation, grid charts, non-parametric tests, and, especially, the analysis of covariance, were used. Keywords: Quranic schools, pre-test, post-test, test group, control group, grid chart, analysis of covariance

دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات تربیتی واجتماعی قرآن و عترت
سال دوم - بهار و تابستان ۱۳۹۸ - شماره سوم

1. (Ph.D. in Sociology, Assistant Professor of Farhangian University, Hazrat Masoumeh Campus, Qom, Email: iraniyousef44@yahoo.com)

2. (Ph.D. in Social Sciences, University of Tehran, Email: ho.zarghami@gmail.com)

3. (M.A. in Elementary Education, Employee of Education, Bardaskan, Email: zarghami1350@gmail.com)

Data Received: 22/9/2018

Data Accepted: 7/2/2019

An Investigation into the Level of Attention to the Six Components of Education, Mentioned in the Document of Fundamental Transformation of Education, in the Books “Heaven’s Gift” (Elementary Second Period)

Fatemeh Alipour¹

Zahra Heidari²

Fatemeh Sanjari³

The aim of this study is to investigate the level of attention to the six components of education, mentioned in the document of fundamental transformation of education, in the books “heaven’s gift” (elementary second period). The research method is descriptive and it is a kind of content analysis. The population includes the books “heaven’s gift” (elementary second period, in the academic year 2017-2018) and the document of fundamental transformation of education (2011) and no samples are used because of the subject of study and the limitation of population. The tool of collecting data is a content analysis checklist which its validity was confirmed by experts’ judgment. The data were analyzed by the descriptive statistical indicators. The results demonstrated that there are 426 frequencies related to six components of education, mentioned in the document of fundamental transformation, in the books “heaven’s gift” that 216 frequencies belong to the component of belief, worship, and moral education; the component of social and political education, 87; the component of aesthetic and artistic education, 59; the component of scientific and technological education, 47; the component of biological and physical education, 13; and the component of economic and professional education, 4. Moreover, the fifth grade book has the most frequency with 154.

Keywords: “heaven’s gift”, religious education, six components, document of fundamental transformation of education

1. (Ph.D. in Philosophy of Education, Instructor of Farhangian University, Hazrat Masoumeh Campus, Qom, Email: alipoor.fatemeh97@gmail.com)

2. (B.A. Student in Educational Sciences in the Field of Elementary Education, Farhangian University, Hazrat Masoumeh Campus, Qom, Email: zheidari149@gmail.com)

3. (B.A. Student in Educational Sciences in the Field of Elementary Education, Farhangian University, Hazrat Masoumeh Campus, Qom, Email: fatemeh00.qom@gmail.com)

Data Received: 22/11/2018

Data Accepted: 1/2/2019

Quran and Etrat

Bi-Annual Scientific Journal of Educational & Social Studies of Quran & Etrat
Volume 2, Spring & Summer 2019, Number 3

Proprietor and Chief Director:	The Head of Basij of Instructors of Hazrat Masoumeh Campus: Masoumeh Sharifi (Ph.D.)
Editor-in-Chief:	Mohsen Rafiei (Ph.D.), Masoumeh Sharifi (Ph.D.)
Executive Manager:	Hadi Borhani
Line Editor:	Zeinab Tayebi (Ph.D.) , Zeinab Rabiei
English Editor:	Kamal Barzegar
Page Layout:	Mohammad Hussein Hamedanian
Language: Persian	
Release Format:	Printed-Electronic
Release Frequency:	Bi-Annual
Circulation:	200 Copies

It is permitted to cite the sources referred in this journal.

“Bi-Annual Scientific Journal of Educational & Social Studies of Quran & Etrat” was licensed by the Ministry of Culture & Islamic Guidance, No.80717, Date: 25/12/2017.

Editorial Board (in Alphabetical Order):

Faezeh Azimzadeh Ardabili, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Jurisprudence & Islamic Law, Imam Sadiq University)
Mohammad Faker Meibodi, Ph.D.	(Professor, Department of Quran & Hadith Sciences, Al-Mustafa International University)
Fariba Hajali, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Jurisprudence & Principles of Islamic Law, Al-Zahra University)
Abdollah Motamedi, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Psychology, Allameh Tabataba'i University)
Zahra (Shadi) Nafisi, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Quran & Hadith Sciences, University of Tehran)
Hamid Parsania, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Sociology, Research Institute for Islamic Culture & Thought)
Mohsen Rafiei, Ph.D.	(Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)
Ahmad Rahnamaei, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini's Educational & Research Institute)
Mohammad Mahdi Safouraei, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Educational Psychology, Al-Mustafa International University)
Masoumeh Sharifi, Ph.D.	(Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)
Zeinab Tayebi, Ph.D.	(Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)

Reviewers of This Number (in Alphabetical Order):

Rezvan Baghbani (Ph.D.), Talat Hassani (Ph.D.), Abdollah Motamedi (Ph.D.), Mohsen Rafiei (Ph.D.), Ali Satari (Ph.D.), Sedigheh Shakeri Husseinabad (Ph.D.), Masoumeh Sharifi (Ph.D.) , Zeinab Tayebi (Ph.D.), Fatemeh Zhiyan (Ph.D.)

Partners of This Number: Razieh Omrani

Address: The Office of Basij of Instructors, Hazrat Masoumeh Campus, Farhangian University, Opposite Banafsheh Boustan, Shahid Karimi Boulevard, Qom, Iran

Telephone: 02532704673

Email: quran.etrat.journal@gmail.com